

۴۷۰

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۲ تا ۲۸ تیر ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهارم و یکم - شماره ۱۹۳۶



«تدار کاتچی» که خامنه‌ای

انتظارش را می کشید

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۳۶ (۴۷۰)

جمعه ۲۲ تا ۲۸ تیر ۱۴۰۳
۱۲ تا ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سر دبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

- Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
- Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
- Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
- Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
- UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
- Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیشان

*** فهرست مطالب ***

- ۴ سرمقاله - پیام ها گو باست نه فقط برای ایران بلکه برای جهان! / الاله بقراط
- ۴-۵ تیر هفته - «تدار کاتچی» که خامنه ای انتظارش را می کشید... /
- ۶-۸ متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس «محافظه کاری ملی»... /
- ۸ پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت ۱۸ تیر و حمله ی دولت اصلاح طلب به دانشجویان... /
- ۹ بلند آسمان جایگاه من است! در ستایش آزادی و آبادی میهن و بزرگداشت... /
- ۹ و... نتیجه ی... شعبده بازی این دوره از سیرک انتخابات... / بهنام محمدی
- ۱۰ تشکیل پرونده فساد اداری و پولشویی برای ۹۸ تن از مدیران دولتی... /
- ۱۰-۱۱ بازی شکست خورده ی خامنه ای با کارت ظریف... / سیاوش پندار
- ۱۱ مطالبات زودرس!... / خیراندیش (احمد / حرار)
- ۱۲-۱۳ سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۲۲)... /
- ۱۴ پایگاه خبری «هپیل»: مسعود پزشکیان سر سپرده و نوکر علی خامنه ای است... /
- ۱۵ مدیر اطلاعات ملی آمریکا: عوامل سایبری حکومت ایران به دنبال تحریک... /
- ۱۶-۱۷ گمانه زنی هادرباره کابینه احتمالی پزشکیان... /
- ۱۷-۱۸ ادامه اختلافات انتخاباتی میان جناحین حکومت... /
- ۱۸-۱۹ مر حله دیگری از جنگ قدرت در جمهوری اسلامی: عزل و نصب مدیران دولتی... /
- ۲۰-۲۱ بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران (بخش ۷)... / الاله بقراط
- ۲۲-۲۳ کاخ سفید ادعای مذاکره از طریق واسطه با جمهوری اسلامی را رد کرد... /
- ۲۳ سختگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی: مذاکرات با آمریکایی ها «با واسطه»... /
- ۲۴ ادعای منابع منطقه ای: اسرائیل دو کشتی ایرانی حامل سلاح و مهمات به سوریه را... /
- ۲۴ بر خلاف ادعای نیروی دریایی ارتش، ناوچه «سهند» کاملاً غرق شد... /
- ۲۵ شنیده شدن صدای انفجار در بندر چابهار... /
- ۲۵ افشای مکاتبات رهبران و فرماندهان حماس: «تلفات حمله اسرائیل»... /
- ۲۶ تأیید حکم سیزده ماهه و پانزده روز زندان علیه منوچهر بختیاری در دادگاه... /
- ۲۶-۲۷ تأیید حکم اخراج یک آموزگار معترض در دیوان عدالت اداری... /
- ۲۷ ادعای بلیمب دفتر «ترکیش ایرلاین» در تهران به دلیل حجاب... /
- ۲۸ تحریم انتخابات: تزلزل در پایه های رژیم اسلامی... / حمید رضانیک بخش
- ۲۹ افزایش چشمگیر تولید موشک های بالستیک توسط جمهوری اسلامی در... /
- ۳۰ دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی در آستانه ی اخراج از افغانستان... /
- ۳۰-۳۱ کاراته کای ده ساله او کر اینی زیر بمباران ارتش روسیه کشته شد... /
- ۳۱ وزیر دفاع اسرائیل: ۶۰ درصد از تروریست های حماس از بین رفته اند... /
- ۳۲-۳۳ گفتگویی درباره ریشه های جشن تیرگان... /
- ۳۳ پاریس، یادآور اولین حضور زنان ورزشکار در بازی های المپیک ۱۹۰۰... / فرزاد یوشانلو
- ۳۴ سلام «گرگ های خاکستری» در «استاد یوم المپیک» برلین... /
- ۳۵ ادامه عزل و نصب های دقیقه آخری دولت سیزدهم... /
- ۳۶-۳۷ بند زنان زندان لا کان رشت: از نبود «پد» بهداشتی و مسواک تا... /
- ۳۷ انتخاباتی مفتضح و رییس جمهوری مفتضح تر... / احمد تاج الدینی
- ۳۸ ابهام درباره بهبود بازار بورس و ثبات در بازار ارز همزمان با تشکیل... /
- ۳۹ افزایش بی سابقه نقدینگی در کنار تداوم دیگر مشکلات اقتصاد ایران... /
- ۴۰-۴۱ تداوم اعتراضات صنفی بی اعتنا به نتیجه «سیرک انتخابات»... /
- ۴۱-۴۲ آلودگی هوا و توفان گرد و خاک و افزایش شدید مادر بیشتر نقاط کشور... /
- ۴۲-۴۳ ناترازی برق در «گرمای جهنمی»: تعطیلی ادارات ۱۳ استان کشور و تشدید... /
- ۴۴-۴۵ خبر های کوتاه... /
- ۴۶ پشت جلد - عکس هفته / حکم اعدام علیه شریفه محمدی فعال کارگری!



بازنشر

بازنشر

بازنشر

بازنشر

انقلاب ۵۷ و نتیجه‌اش جمهوری اسلامی، و عدم پذیرش و ایستادگی جامعه ایران در برابر آن را به جرأت می‌توان بدون مشابه دانست.

جمهوری اسلامی از این نظر نمونه ندارد که یک گروه تروریستی مذهبی و ضددموکراسی و ضدغربی توانست با پشتیبانی غرب و دموکراسی‌ها نه تنها به قدرت دولتی برسد بلکه بیش از چهار دهه در قدرت بماند.

ایستادگی جامعه ایران از این نظر نمونه ندارد که فراتر از یک مخالفت سیاسی و بیانگر یک تضاد عمیق تاریخی و هویتی است.



اشغال ایران توسط جمهوری اسلامی، برخلاف تسخیرهای رایج (که خود ایران نیز آن را در تاریخ خود از سوی یونان و مغول و اعراب بادیه‌نشین تجربه کرده) فقط غصب خاک و سلطه با هدف بهره‌برداری از منابع کشور نبوده بلکه براندازی ایران و تبدیل آن به پایگاهی برای «غلبه یک دولت اسلامی بر جهان» بوده است. این ایده مشابه انترناسیونالیسم کمونیست‌ها با پایگاهی به نام «اتحاد شوروی» و اقمارش است که اگرچه شکست خورده اما مدافعاتش همچنان با توجیهی مشابه «اسلام واقعی این نیست» معتقدند که آنها و یا چین و کره شمالی و کوبا متکی بر کمونیسم واقعی نیستند!

تفکر امتی و خلقی و انترناسیونالیستی یکی از مهم‌ترین مبانی مشترک اسلامگرایان و چپگرایان ضد لیبرالیسم است که با توجه به پدیده‌ی مهاجرت و تغییر ترکیب جمعیتی غرب، مرزهای ملی و فرهنگ و تاریخ دموکراسی‌ها را نیز در خطر قرار داده است.

شاهزاده رضا پهلوی نیز در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی» که روز چهارشنبه ۱۰ ژوئیه (۲۰ تیرماه) در واشنگتن برگزار شد، همین مبحث را تشریح کرد و سپس از مخاطبان و بطور کلی جهان غرب و دموکراسی‌ها خواست تا دریابند خطری که ۴۵ سال پیش در ایران به واقعیت تبدیل شد اکنون در سرزمین‌های آنها کمین کرده و تا ریشه‌ی آن در ایران و در خاورمیانه خشک نشود، آزادی و امنیت و رفاه آنها با تهدید جدی روبروست. تهدیدی که سال‌هاست نشانه‌های بارز آن را از جمله با عملیات تروریستی در کشورهای غربی شاهدیم. انقلاب اسلامی نیز در ایران سال‌ها پیش از وقوع‌اش با تروریسم تغذیه شد.

اینست که وقتی شاهزاده هشدار می‌دهد «تمدن غرب و به ویژه ایالات متحده در معرض خطر است» می‌داند از چه سخن می‌گوید زیرا دیده است که ترکیب اسلامگرایی و چپگرایی ضدملی و ضدلیبرال چگونه می‌تواند به یک تمدن و فرهنگ کهن مانند ایران ضربه بزند.

نکته‌ای که در همین ارتباط می‌توان به آن توجه داد اینکه رضاشاه در اوایل قرن بیستم برای پیشگیری و دفع آن براندازی که علیه تمدن ایران در سال ۱۳۵۷ انجام شد، اقدام کرده بود و محمدرضا شاه فقید با یادآوری «اتحاد سرخ و سیاه» ماهیت آن را در شرایطی اعلام کرد که دامنه‌ی تخریب آن هنوز به ایران محدود بود. اکنون شاهزاده رضا پهلوی درباره خطری هشدار می‌دهد که با تکیه بر منابع عظیم و موقعیت استراتژیک ایران، مرزها را پشت سر گذاشته و خاورمیانه را آلوده کرده و به اروپا تا ایالات متحده و کانادا و آمریکای لاتین کشیده شده است.

سال‌هاست که جمهوری اسلامی، اسلامگرایی و بنیادگرایی اسلامی فقط مسئله‌ی ایرانیان و یا یک «خطر دور» نیست و غرب با جدی نگرفتن آن خطایی دیگر چون استقرار جمهوری اسلامی و حکومت‌های فرقه‌ای افغانستان و عراق و لبنان مرتکب خواهد شد البته اینبار در سرزمین‌های خودش!

«تدارکاتچی» که خامنه‌ای انتظارش را می‌کشد



● جریان اصلاح‌طلب ادعا می‌کند که پزشک‌ها با چراغ سبز علی خامنه‌ای مجری برخی تغییرات در سیاست‌های نظام از جمله در مورد «برجام» خواهد بود. در حال حاضر آنچه برای نظام حیاتی به نظر می‌رسد جلوگیری از فعال شدن «مکانیسم ماشه» است.

اندیشکده‌های سیاسی غرب، کارزاری نسبتاً گسترده به راه انداختند تا چنین القاء کنند که با پزشک‌ها می‌شود بعضی مسائل را تغییر داد.

اصلی‌ترین اولویت در سیاست خارجی هر حکومتی، حفظ منافع ملی است اما ارکان و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در عمل و از بدو تأسیس هیچگاه متکی بر حفظ منافع ملی و سود عمومی ملت نبوده است.

آنچه رهبر جمهوری اسلامی در کلیت از سیاست خارجی می‌خواهد «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور امام زمان» جهت ایجاد حکومت جهانی مهدی است که بنیاد تفکر «آخرالزمانی» شیعه را تشکیل می‌دهد. محورهای سیاست خارجی این تفکر در حکومت ایران، ترجیح شرق (چین و روسیه) به غرب، حمایت از «جریان مقاومت» (شبه‌نظامیان منطقه) و ستیز با اسرائیل است.

شاید اگر رؤسای پیشین دولت در ایران، دست‌کم در حد حرف صحبت از ضرورت تغییر در سیاست خارجی می‌کردند اما پزشک‌ها همین را هم نمی‌گویند. وی از همان روزهای نخست ورود به کارزار انتخاباتی تکلیف خودش را روشن کرد و در جریان مناظره‌ها با صراحت گفت اولویت وی در سیاست خارجی «همان چیزی است که مقام معظم رهبری تعیین کرده است». عمده مسائلی را هم که با چاشنی انتقاد برای جذب رأی بیشتر بطور شعارگونه مطرح شد، محمدجواد ظریف به عنوان کلیدی‌ترین عضو کارزار انتخاباتی پزشک‌ها و یک «نامزد نیابتی» مطرح کرد نه خودش! مهم‌تر اینکه لبه‌ی تیز هیاهوهای انتخاباتی کمپین ظریف به نفع پزشک‌ها متوجه خط مشی سعید جلیلی در

سیاست خارجی بود و نه علی خامنه‌ای آنهم در حالی

مسعود پزشک‌ها در حالی به عنوان «رئیس» چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی «انتخاب» شد که نظام با فهرستی طولانی از بحران‌های کوچک و بزرگ در تمام حوزه‌ها روبروست. بحران‌هایی که حتا خوشبین‌ترین تحلیلگران نیز معتقدند بدون تغییرات اساسی در «سیاست‌های کلی نظام» به ویژه در سیاست خارجی محال است قابل حل باشند.

پزشک‌ها پیروز انتخاباتی شد که مخالفان نظام به نتایج آن مشکوک‌اند و می‌گویند آمار مشارکت با «عددسازی» و بسیار بیش از میزان واقعی اعلام شده تا آبروی حکومت حفظ شود.

گره‌های سیاست خارجی

در این میان، هرچند از سوی جریان اصلاح‌طلب ادعا می‌شود که پزشک‌ها با چراغ سبز علی خامنه‌ای مجری برخی تغییرات در سیاست‌های نظام از جمله در مورد «برجام» خواهد بود اما جمهوری اسلامی با بحران‌های بزرگی روبروست که خروج از آنها اصلاً ساده نیست. درواقع حتا اگر پزشک‌ها برای حل و فصل این بحران‌ها راهکار هم داشته باشد، اساساً در حوزه اختیارات او به عنوان رئیس دولت نیست که وضعیت را تغییر دهد. سیاست‌های کلان نظام توسط علی خامنه‌ای و قدرت اصلی تدوین می‌شود و تا کنون ثابت شده که تمایلی به تغییر در این سیاست‌ها وجود ندارد.

با اینهمه، کانون‌هایی که تا کنون می‌توانستند در داخل ایران تأثیرگذار باشند، با حجم قابل توجهی از تبلیغات و در همکاری با لابیگران رژیم در خارج کشور و برخی

➔ که خودش نیز به عنوان وزیر خارجه‌ای که هشت سال این مسئولیت را بر عهده داشته به خوبی می‌داند که رهبر نظام تصمیم‌گیرنده است و نه رئیس دولت یا وزیر خارجه!

حتا اگر رهبران غرب چشم به روی این واقعیت ببندند، اما تقریباً برای عموم مردم ایران روشن است که سلطه‌ی رهبر جمهوری اسلامی و قدرت اصلی نظام در سیاست خارجی روندی غیرقابل تغییر است که فقط محدود به مسائل استراتژیک و کلان هم نمی‌شود! در موارد عادی و مأموریت‌های معمولی نیز که جزو وظایف وزارت خارجه است، دولت و وزیر خارجه‌اش کاره‌ای نیستند! به عنوان مثال سال‌هاست انتصاب شماری از سفیران جمهوری اسلامی به ویژه در کشورهایی مثل عراق، سوریه، یمن و لبنان که از نظر جمهوری اسلامی جزو «محور مقاومت» به شمار می‌روند، با نفوذ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام می‌شود و نه وزارت خارجه.

اینهمه در حالیست که بیشتر مردم نیز کاملاً واقف‌اند که حکومت اصلاح‌ناپذیر است و دولت و کابینه‌اش چیزی فراتر از نوکران علی‌خامنه‌ای نیستند. حتا بسیاری مطرح می‌کنند که خود خامنه‌ای هم برای ولادیمیر پوتین نوکری می‌کند تا قدرت‌اش را حفظ کند.

رئیس دولت اقلیت

با توجه به تحریم نمایش انتخابات توسط اکثریت مردم و میزان بسیار پایین مشارکت، پزشک‌ها بیشتر از آنکه رئیس «جمهور» باشد رئیس دولت اقلیت است. تقریباً اغلب منتقدان و مخالفان نظام از طیف‌های مختلف تأکید می‌کنند پزشک‌ها کسی نیست که بتواند و یا اصلاً بخواهد که در سیاست‌های کلی نظام تغییری ایجاد کند. برخی مطرح می‌کنند پایگاه رأی او نسبت به رؤسای پیشین دولت آنقدر ضعیف و کوچک است که به معنای واقعی فقط می‌تواند «تدارکاتچی» باشد.

شاید تنها تفاوت پزشک‌ها در زمینه سیاست خارجی با سایر رقبای خود در جریان تبلیغات انتخاباتی، تأکید مدام وی بر ضرورت پیوستن به FATF بود. اما واقعیت است که عدم پیوستن ایران به کنوانسیون‌های آن «پارامو» (مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی) و «CFT» (مبارزه با تأمین مالی تروریسم) نیز با تصمیم علی‌خامنه‌ای است. رهبر جمهوری اسلامی ۳۰ خرداد ۱۳۹۷ در یک سخنرانی اتمام حجت کرد و گفت «ضرورتی ندارد به کنوانسیون‌های مشکل‌دار بپیوندیم». حتا اواسط بهمن‌ماه ۱۳۹۷ هشت وزیر دولت حسن روحانی در نامه به خامنه‌ای درخواست کردند که او در مورد پیوستن به FATF تعیین تکلیف کند که باز هم هیچ تأثیری نداشت زیرا در بالاترین سطوح نظام پیوستن به آن را «خالی کردن زیر پای مقاومت» و تقویت «ابزار تحریم‌های هوشمند» می‌دانند.

محمدجواد ظریف بهمن ۱۳۹۹ در مصاحبه با روزنامه «اعتقاد» اعتراف کرد «صفر درصد سیاست خارجی دست من بود.» او خودش وقتی متصدی وزارت خارجه جمهوری اسلامی بود از دخالت‌های سپاه پاسداران به ویژه شخص قاسم سلیمانی انتقاد کرد و کار به جایی رسید که بشار اسد دیکتاتور سوریه بدون هماهنگی او به تهران آمد و به همراه سلیمانی به دیدار خامنه‌ای رفتند و ظریف که از این سفر خبر نداشت «قهر» و در اینستاگرام استعفا داد! اگرچه خیلی زود آن را پس گرفت. علی‌خامنه‌ای اردیبهشت ۱۴۰۰ در واکنش به انتقادات ظریف از این قبیل دخالت‌ها گفته بود، «وزارت امور خارجه در تعیین سیاست‌ها مشارکت دارد اما تصمیم‌گیر نیست بلکه مجری است... در کشور

ما نیز سیاست خارجی در شورای عالی امنیت ملی و با حضور مسئولان تعیین می‌شود و وزارت امور خارجه باید با شیوه‌های خود آن را اجرا کند.»

ترس از فعال شدن مکانسیم ماشه

در حال حاضر آنچه برای نظام حیاتی به نظر می‌رسد جلوگیری از فعال شدن «مکانسیم ماشه» است. در شرایطی که اصلاح‌طلبان وانمود می‌کنند پزشک‌ها با چراغ سبز خامنه‌ای به دنبال «احیای برجام» است، آنهم در حالی که اساساً چیزی از عمر توافق اتمی باقی نمانده اما شواهد نشان می‌دهد که حرکت رژیم همچنان در مسیر افزایش غنی‌سازی اورانیوم است و چه بسا «روغمایی از پب اتم» است. این موضوع وقتی جدی‌تر می‌شود که عوامل سیاسی نزدیک به خامنه‌ای صحبت از «تغییر دکترین هسته‌ای» می‌کنند.

در ماه‌های منتهی به انتخابات نمایشی تیرماه، علاوه بر کمال خرازی مشاور علی‌خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، عباس عراقچی معاون سابق ظریف نیز که از وی به عنوان یکی از پیشنهاددهای پزشک‌ها برای تصدی وزارت خارجه نام برده می‌شود، احتمال بازنگری جمهوری اسلامی در سیاست‌های هسته‌ای خود را تأیید کرد.

در غرب امیدی به تغییر سیاست در جمهوری اسلامی نیست

در این میان، در عرصه بین‌المللی تغییراتی در حال شکل‌گیری است که به نظر نمی‌رسد به نفع جمهوری اسلامی باشد از جمله اینکه در غرب پس از سه دهه اتلاف وقت، شفاف‌تر از گذشته مطرح می‌شود که امید چندانی به تغییر سیاست‌های تهاجمی حکومت با روی کار آمدن پزشک‌ها نیست.

ژنرال سر پاتریک سندرز فرمانده مستعفی ارتش بریتانیا اخیراً هشدار داد که انگلیس و ناتو با تهدید واقعی جنگ جهانی سوم در پنج سال آینده روبرو هستند و در صورت عدم تجهیز مجدد به صورت اساسی، احتمال حمله به خاک کشورهای عضو این پیمان نظامی وجود خواهد داشت. وی توضیح داد «روسیه، چین و ایران قدرت‌های محور جدید هستند» که به گفته وی «تهدید آنها حتا از نازی‌ها در سال ۱۹۳۹ بزرگتر است و نسبت به قدرت‌های محور در آن دوران به یکدیگر وابسته‌تر و همسوتر هستند.»

از سوی دیگر، سران کشورهای عضو ناتو چهارشنبه ۲۰ تیرماه با انتشار بیانیه‌ای تأکید کردند که همچنان روسیه را مهم‌ترین و مستقیم‌ترین تهدید برای کشورهای خود می‌دانند اما بارها با نام بردن از جمهوری اسلامی هشدار دادند که اقدامات این حکومت خطری جدی برای ناتو و شرکای آن به شمار می‌رود. اشاره آنها به همکاری‌های نظامی تهران و مسکو و ارسال پهپاد و موشک‌های بالستیک به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین است.

به گفته رهبران کشورهای عضو ناتو، «بلاروس، جمهوری دموکراتیک خلق کره و جمهوری اسلامی ایران با ارائه حمایت نظامی مستقیم از روسیه از جمله مهمات و پهپاد به جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین دامن می‌زنند.» در چنین شرایطی دولت‌های اروپایی از جمله آلمان و هلند گام‌های اولیه برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برداشته‌اند.

در ارتباط با احتمال تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با گزینش پزشک‌ها در مقام رئیس دولت، جان کری مشاور امنیت ملی کاخ سفید ۱۸ تیرماه در کنفرانس خبری گفت، «متأسفانه ما انتظار هیچ تغییری در رفتار مقامات ایرانی نداریم.» مقامات آمریکایی از جمله چند سناتور و

نماینده پارلمان گفته‌اند پزشک‌ها رویکرد تهران را به سمت «میان‌رو» تغییر نمی‌دهد.

اینهمه در حالیست که برخی مبانی در جمهوری اسلامی همچنان بدون تغییر باقی خواهد ماند از جمله نظام دست‌انزیاست‌های ضداسرائیلی و پشتیبانی مالی و نظامی از گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها و حشدالشعبی برنخواهد داشت. روابط عمیق امنیتی و نظامی با روس‌ها و ارسال انواع پهپاد و موشک به روسیه که در جنگ علیه اوکراین مورد استفاده قرار می‌گیرد که بر سیاست «نگاه به شرق» متکی است، با تغییر رئیس دولت در جمهوری اسلامی تغییر نمی‌کند. همچنین غنی‌سازی اورانیوم با درجه تسلیحاتی، ساخت و آزمایش موشک با قابلیت حمل کلاهک‌های متعارف و هسته‌ای، حضور نظامی در سوریه و عراق و مرزهای لبنان، گروگانگیری شهروندان خارجی و دوتابعیتی با هدف معامله با دولت‌های غربی، که نظام از همگی اینها به عنوان ابزار پیشبرد سیاست خارجی و «اقتدارآفرینی» استفاده می‌کند، مواردی نیستند که برای رژیم قابل چشم‌پوشی باشند.

خوش خدمتی پزشک‌ها به نظام و «مقاومت»

با توجه به مجموعه‌ی شواهد و شرایط، پزشک‌ها نه توان و نه تمایل به تغییر روابط عمیق امنیتی و نظامی با روس‌ها، مشارکت استراتژیک با چین، دشمنی با اسرائیل و یا قطع پشتیبانی مالی و نظامی از گروه‌های نیابتی را دارد.

اتفاقاً برعکس! وی حتا از آنچه هم نظام از او توقع دارد بیشتر خوش خدمتی می‌کند؛ چنانکه ۲۰ تیرماه در تماس تلفنی با بشار اسد گفت: «سیاست‌های جمهوری اسلامی تحت هدایت و رهبری مقام معظم رهبری مبتنی بر حمایت از فلسطین، جریان مقاومت و ملت و دولت سوریه به عنوان متحد راهبردی ایران ادامه خواهد یافت.»

چهار روز بعد از پیروزی در نمایش انتخابات نیز در نامه به حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران همواره پشتیبان مقاومت مردم منطقه در مقابل رژیم نامشروع صهیونیستی بوده است. حمایت از مقاومت ریشه در سیاست‌های اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران، آرمان‌های امام راحل و رهنمودهای مقام معظم رهبری دام‌طله‌العالی داشته و با قدرت تداوم خواهد داشت.»

قابل توجه اینکه روزنامه کیهان چاپ تهران به سانسور این پیام در روزنامه‌های اصلاح‌طلب انتقاد کرده است. اصلاح‌طلبان پزشک‌ها را طوری معرفی کرده‌اند که بتوانند غرب را بفریبند. ولی پزشک‌ها شبیه همین نامه را به اسماعیل هنیه از رهبران ارشد گروه تروریستی حماس نیز فرستاد و اعلام کرد تا «آزادی قدس از مقاومت فلسطین در برابر اسرائیل حمایت خواهیم کرد.»

علاوه بر همه اینها، وی در یادداشتی که ۲۰ تیرماه در روزنامه «العربی جدید» منتشر شد تأکید کرده «آبرولویت سیاست خارجی ایران گسترش همکاری با همسایگان است.» منظور پزشک‌ها در واقع همان راهبرد خامنه‌ای در مورد «همسایگی» است. کشورهایی مثل عمان، قطر، ترکیه و امارات نقش دلال سیاسی را برای جمهوری اسلامی بازی می‌کنند و کانال‌های مالی برای پولشویی و دور زدن تحریم‌ها از طریق آنهاست که باز می‌ماند.

حالا محمدجواد ظریف که برای تبلیغ پزشک‌ها سنگ تمام گذاشته، ۱۹ تیرماه با تأکید بر ضرورت رفع تحریم‌ها گفته است: «تقریباً بیشتر مسیرها به روی ما بسته شده» و بعد نتیجه گرفت که خود خامنه‌ای «راه حل بحران است!»

متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی»: شریک جرم اصلی آیت‌الله‌ها ضعف و ساده‌لوحی سیاسی دولت آمریکا است



شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی»

با قدرت برای تحقق صلح تلاش کنید، با ضعف و مماشات خود، هرج و مرج ایجاد نکنید.»

● «شما نبردی در برابر خود دارید. اما این نبرد شما با ملت ایران نیست. نبرد شما با ایدئولوژی رادیکال جمهوری اسلامی و مدافعان آن در واشنگتن است. ولی شما در این مبارزه تنها نیستید زیرا این همان مبارزه‌ای است که ایرانیان هر روز در خیابان‌های کشور پیش می‌برند. هم‌میهنان من در نبرد بین جمهوری اسلامی و ایران مصمم هستند به ندای تاریخ گوش فرا داده و برای پس گرفتن سرزمین‌شان مبارزه کنند. من نیز چنین کرده‌ام. و امیدوارم شما هم به ما بپیوندید.»

شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی» موسوم به «NatCon» که روز چهارشنبه ۱۰ ژوئیه (۲۰ تیرماه) در واشنگتن برگزار شد، با اشاره به جنبش مقاومت مدنی مردم ایران در برابر جمهوری اسلامی عنوان کرد، «ایران امروز با الهام از تاریخ کهن و تمدن بزرگ ما، در جریان یک تجدید حیات ملی، یک بیداری ملی، یک نوزایی ملی است.»

وی در این نشست که شماری از چهره‌های سیاسی آمریکایی و ایرانی در آن حضور داشتند گفت، حکومت جمهوری اسلامی منشاء ظهور «اسلام رادیکال» در سراسر جهان است و مشکلی که در ایران آغاز شده، باید در ایران پایان یابد.

ولیعهد ایران همچنین در باره چشم‌انداز آینده کشور در فردای پس از سرنگونی جمهوری اسلامی گفت: «ایران بار دیگر به مرکز صلح و ثبات در خاورمیانه» و «مرکز رونق و رفاه منطقه و مکانی امن برای سرمایه‌گذاری خارجی» و به متحد آمریکا و شریک نزدیک کشورهای عربی و اسرائیل تبدیل خواهد شد و پیمان ابراهیم به پیمان کوروش گسترش خواهد یافت.

خوبی دارند به من می‌گویند بهتر است به مبارزه پایان دهم، از تلاش دست بکشم زیرا آنها برنامه‌های بزرگتر و جهانی در دست دارند! برخی می‌خواهند رژیم را برای همیشه حفظ کنند و برخی می‌خواهند کشور را به آتش بکشند تا از انفجار اجتناب‌ناپذیر آن، دولت‌های [کشورهای] کوچکی بسازند که بتوانند نقش خیرخواه و ارباب و خدا را برای آنها ایفا کنند. اما من چنین چیزی را نمی‌پذیرم و تسلیم نمی‌شوم، زیرا هم‌میهن‌انم شایسته‌ی بهتر از اینها هستند.»

● «ایران واقعی، ایران کهن و ایرانی که به زودی آزاد خواهد شد، به دنبال حمایت قیوم‌آبانه‌ی شما نیست، بلکه به دنبال مشارکت شماست. به دنبال کمک مالی شما نیست، بلکه به دنبال دوستی شماست زیرا منافع ما به منحصراً به فردترین شکل همسو هستند.»

● بجز جنگ و مماشات «راه دیگری برای مشارکت بین دو ملت بزرگ ایران و آمریکا وجود دارد. راهی که مماشات با اسلامگرایان افراطی را که ایران را به گروگان گرفته‌اند و جنگ‌شان را به سمت شما، درست همینجا در خاک آمریکا گسترش می‌دهند، رد می‌کند. راهی که جنگ و تحمیل ساختارهای ناهمساز غربی را بر ملتی مغرور و کهن رد می‌کند. این راه جدید، این راه سوم، نیازمند فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی و حمایت حداکثری از مردم ایران است.»

● «ایرانی‌ها به دنبال دریافت صدقه نیستند. آنها نمی‌خواهند که شما رژیم را برای آنها تغییر دهید. آنها در خیابان‌های شهرهای سراسر ایران برای حق زندگی، آزادی، تلاش برای خوشبختی و برای پس گرفتن ارزشمندترین میراث خود-یعنی ملت‌شان، مبارزه می‌کنند. چیزی که آنها می‌خواهند این است که شما قاتلان و گروگانگیرهای آنها را با ارسال میلیاردها دلار گستاخ‌تر نکتید و بجای اینکه

● شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی» موسوم به «NatCon» که روز چهارشنبه ۱۰ ژوئیه (۲۰ تیرماه) در واشنگتن برگزار شد، با اشاره به جنبش مقاومت مدنی مردم ایران در برابر جمهوری اسلامی عنوان کرد، «ایران امروز با الهام از تاریخ کهن و تمدن بزرگ ما، در جریان یک تجدید حیات ملی، یک بیداری ملی، یک نوزایی ملی است.»

● «تمدن غرب و به ویژه ایالات متحده در معرض خطر است. من این را می‌گویم زیرا این دقیقاً همان چیزی است که ۴۵ سال پیش برای کشور من رخ داد. می‌توان گفت ایران محل آزمایشی بود برای آنچه پدر فقیدم اتحاد نامقدس سرخ و سیاه- مارکسیسم رادیکال و اسلامگرایی رادیکال می‌نامید. این دو ایدئولوژی نه برای ساختن، بلکه برای تخریب بهم نزدیک شدند.»

● «به راستی ظهور اسلام رادیکال در سراسر جهان را می‌توان پیامد مستقیم موفقیت انقلاب اسلامی در ایران و استقرار این رژیم اشغالگر و ضدایرانی دانست که مورد حمایت یک اقلیت قرار دارد و با خشونت و سرکوب پابرجاست. مشکلی که از ایران شروع شد باید در ایران تمام شود.»

● «شریک جرم اصلی آیت‌الله‌ها در لشکرکشی خشونت‌آمیزشان برای استقرار یک خلافت جهانی، ضعف و ساده‌لوحی سیاسی آمریکا در شناخت ماهیت واقعی این رژیم و احساس گناه و ترس اروپایی‌ها از «اسلام‌هراسی» بوده است.»

● «جمهوری اسلامی ممکن است ایران را اشغال کرده باشد اما هرگز نتوانسته عشق ایرانیان به میهن‌شان را غصب کند. امروز ایران با الهام از تاریخ کهن و تمدن بزرگ ما در کشاکش دردناک یک تجدید حیات ملی، یک بیداری ملی، یک نوزایی ملی قرار دارد.»

● «مردان قدرتمند، مردان ثروتمند، مردانی که ارتباطات

که بتوانند نقش خیرخواه و ارباب و خدا را برای آنها ایفا کنند. اما من چنین چیزی را نمی‌پذیرم و تسلیم نمی‌شوم، زیرا هم‌میهنانم شایسته‌ی بهتر از اینها هستند.

اما اشتباه نکنید. این بیداری ملی یک پروژه ایرانی است و نه چیزی که در واشنگتن، لندن، برلین یا پاریس می‌بایست تهیه [و به خورد مردم داده] شود.

پس چرا امروز اینجا با شما هستیم؟ من اینجا با پیمای از سوی هم‌میهنانم، از سوی ملت ایران حضور یافته‌ام. دوستان من، مردم ایران دوست دارند شما را در ایالات متحده به عنوان شریک ببینند.

پیام آنها این است که آنها به دنبال اتحاد دست و پاگیر نیستند بلکه به دنبال اتحاد بر اساس ارزش‌های مشترک و منافع مشترک هستند؛ اتحادی که در خدمت منافع واقعی ملی ایران و منافع شما باشد. در واقع، ایران یکی از معدود مسائل سیاست خارجی [آمریکا] است که ایالات متحده می‌تواند در ارتباط با آن، منافع خود را با ارزش‌های خویش نیز هماهنگ کند.

در حالی که دیکتاتور تلاش می‌کند هر روز با شعار «مرگ بر آمریکا» به شستشوی مغزی جوانان ایران بپردازد، هم‌میهنان من به خیابان می‌روند و می‌گویند «مرگ بر جمهوری اسلامی!» و «دشمن ما همین‌جاست، دروغ می‌گن آمریکا است!» وقتی رژیم پرچم‌های آمریکا را روی زمین پهن می‌کند تا لگدمال شود، هم‌میهنان من از پا گذاشتن روی آن امتناع می‌کنند و آن را دور می‌زنند و یا از روی آن می‌پزند. و این یک پدیده جدید نیست. ایرانیان تنها مردمی در خاورمیانه هستند که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خیابان‌ها ریختند تا با شما سوگواری کنند و در کنار شما بایستند.

آنها همچنان می‌بایست شاهد کشته شدن هم‌میهنان خود و نیز هم‌میهنان شما در درگیری‌های بی‌هدفی باشند که جمهوری اسلامی در خاورمیانه به راه انداخته است. آنها راه حلی را به شما پیشنهاد می‌کنند تا خود را از این درگیری‌ها رها کنید، دوباره توازن را به منطقه برگردانید و مسائل خاورمیانه را با یک راهکار خاورمیانه‌ای حل کنید. زیرا در حالی که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا خلافت رادیکال خود را به سراسر منطقه گسترش دهد، هم‌میهنان من این سلطه‌جویی را محکوم می‌کنند و با فریاد «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» به آن پاسخ می‌دهند.

آنها خسته شده‌اند از اینکه کشورشان که زمانی جایگاهی درخشان داشت، بطور افراطی اداره شود. آنها دولتی می‌خواهند که به فکر مردم خودش باشد و خون و ثروت آنها را هزینه‌ی دخالت در جنگ‌های خارجی مانند سوریه، عراق، لبنان و یا یمن نکند. آنها می‌خواهند ایران همانطور که از بیش از دو هزار سال پیش داشته‌ایم، دوباره یک دولت-ملت باشد.

اینهمه چگونه می‌تواند اتفاق بیفتد؟ دوستان، ما مداخله شما را نمی‌خواهیم. ما به دنبال دریافت صدقه از شما نیستیم.

من اینجا نیامدم که از شما برای رها شدن از شر جمهوری اسلامی اجازه بگیرم و همچنین نیامدم که از شما بخواهم این کار را برای ما انجام دهید.

ایران واقعی، ایران کهن و ایرانی که به زودی آزاد خواهد شد، به دنبال حمایت قیم‌آبانه‌ی شما نیست، بلکه به دنبال مشارکت شماست. به دنبال کمک مالی شما نیست، بلکه به دنبال دوستی شماست زیرا منافع ما به منحصر به فردترین شکل همسو هستند.

به این ترتیب دوستان من، برخلاف تهدید فزاینده‌ی اتحاد نامقدس سرخ و سیاه، مشارکت با ملت ایران به چه شکل می‌تواند باشد؟ این مشارکت به چه شکل خواهد بود ←

اسلامی با پلیدی در رسانه‌ها سر درآورده تا شما را متقاعد کند که رئیس جمهوری اسلامی جدید یک اصلاح طلب است! اما او به دنبال اصلاح نیست! او کسی نیست جز یک وفادار و نوکر این رژیم و طرفدار ایدئولوژی رادیکال و سلطه‌جویانه‌ای که همین هفته با صراحت به رهبر حزب‌الله لبنان نوشت و تعهد رژیم را به نیابتی‌هایش و تروریسم آنها تکرار کرد.

به راستی ظهور اسلام رادیکال در سراسر جهان را می‌تواند پیامد مستقیم موفقیت انقلاب اسلامی در ایران و استقرار این رژیم اشغالگر و ضدایرانی دانست که مورد حمایت یک اقلیت قرار دارد و با خشونت و سرکوب پابرجاست. مشکلی که از ایران شروع شد باید در ایران تمام شود. اما این ایده را با جنگ بین ایران و غرب و یا فراخوان به این جنگ اشتباه نگیرید. هیچکدام از این دو نیست.

این درگیری بین دولت-ملت‌ها نیست، بلکه جنگ یک ایدئولوژی رادیکال و بین‌المللی با همه ملت‌ها، از ملت ایران گرفته تا ملت شماست.

درواقع این ملت بزرگ و تاریخی ایران بود که اولین قربانی این اتحاد نامقدس و جمهوری اسلامی ناشی از آن شد. ۴۵ سال است که ایران اسیر است و هم‌میهنانم به گروگان گرفته شده‌اند. آنها نه توسط تحریم‌های آمریکا یا سیاست‌های غرب، بلکه گروگان اسلامگرایی افراطی شده‌اند. اما در حقیقت نخبگان سیاسی غرب شریک جرم بوده‌اند؛ آنها نه تنها در گروگان گرفتند هم‌میهنانم، بلکه در جنایت علیه شهروندان و ملت‌های خود شما شریک جرم بوده‌اند. شریک جرم اصلی آیت‌الله‌ها در لشکرکشی خشونت‌آمیزشان برای استقرار یک خلافت جهانی، ضعف و ساده‌لوحی سیاسی آمریکا در شناخت ماهیت واقعی این رژیم و احساس گناه و ترس اروپایی‌ها از «اسلام‌هراسی» بوده است.

شما مجبور نیستید به تنهایی با این ایدئولوژی مسموم و مرگبار مبارزه کنید، اما باید آگاهی داشته باشید که این ایدئولوژی در حال جنگ علیه شماست!

من اما خبر خوبی برای شما دارم و آن اینکه ارتشی علیه این ایدئولوژی زهرآگین و این اتحاد نامقدس بپا خاسته است. این ارتش، مردم ایران، ملت متحد ایران، است. من امروز با پیمای از این ارتش بپاخاسته، این ملت در اسارت... و شهروندانی که به گروگان گرفته شده‌اند، نزد شما آمده‌ام. جمهوری اسلامی ممکن است ایران را اشغال کرده باشد اما هرگز نتوانسته عشق ایرانیان به میهن‌شان را غصب کند. امروز ایران با الهام از تاریخ کهن و تمدن بزرگ ما در کشاکش دردناک یک تجدید حیات ملی، یک بیداری ملی، یک نوزایی ملی قرار دارد.

ایرانیان مردمانی مغرور، قوی و با تاریخی پرافتخار و کهن هستند و حاضر نیستند آن را به این اتحاد نامقدس ببازند. چنانکه هم‌میهنانم در خیابان‌ها یا در آرامگاه کوروش بزرگ شعار می‌دهند: «می‌جنگیم، می‌میریم، ایران را پس می‌گیریم!»

اما کسانی هستند که در مقابل مردم ایران ایستاده‌اند. منافع جهانی وجود دارد که ترجیح می‌دهد رژیم اسلامی ایران در قدرت بماند. آنها پول زیادی به دست می‌آورند، امتیازات و سود زیادی می‌برند و یا شاید همینطور برایشان خیلی راحت‌تر است. من این را می‌دانم زیرا مردان قدرتمند، مردان ثروتمند، مردانی که ارتباطات خوبی دارند به من می‌گویند بهتر است به مبارزه پایان دهم، از تلاش دست بکشم زیرا آنها برنامه‌های بزرگتر و جهانی در دست دارند! برخی می‌خواهند رژیم را برای همیشه حفظ کنند و برخی می‌خواهند کشور را به آتش بکشند تا از انفجار اجتناب‌ناپذیر آن، دولت‌های [کشورهای] کوچکی بسازند

بخشی از سخنرانی وی در این کنفرانس به اشتباهات سیاسی و تصمیم‌گیری‌های غرب در برخورد با مسائل خاورمیانه میانه مربوط بود از جمله روی کار آمدن تروریست‌های طالبان در همسایه شرقی ایران. او گفت: «در افغانستان، زمانی که ۷۰ درصد از پارلمان قبیله‌ای کشور پساتالبانی خواستار احیای پادشاهی مشروطه ظاهرشاه بودند، زیرا مردم او را حتا در سنین بالا نیز نماد و سرچشمه‌ی وحدت ملی می‌دانستند، دولت آمریکا این خواست ملی و این حق حاکمیت آنها را رد کرد و یک ساختار غیراصیل غربی را بر جامعه‌ای با سنت‌ها، هنرها و ابزارهای حکومتی ویژه‌ی خود تحمیل کرد. نتیجه‌اش فساد، هرج و مرج و فروپاشی دولت بود. این یک خطای ویرانگر بود که پیامد آن را امروز می‌بینیم.»

او همچنین با متهم کردن جمهوری اسلامی به تلاش خشونت‌آمیز برای برپا کردن یک «خلافت جهانی» افزود، «شریک جرم اصلی آیت‌الله‌ها» در مسیر دستیابی به این هدف، «ضعف سیاسی آمریکا درباره ماهیت واقعی رژیم ایران» و «احساس گناه و ترس اروپایی‌ها» در ارتباط با «اسلام‌هراسی» بوده است.

متن کامل سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی به این شرح است: خانم‌ها و آقایان، صبح بخیر،

تمدن غرب و به ویژه ایالات متحده در معرض خطر است. من این را می‌گویم زیرا این دقیقاً همان چیزی است که ۴۵ سال پیش برای کشور من رخ داد. می‌توان گفت ایران محل آزمایشی بود برای آنچه پدر فقیدم اتحاد نامقدس سرخ و سیاه-مارکسیسم رادیکال و اسلامگرایی رادیکال می‌نامید. این دو ایدئولوژی نه برای ساختن، بلکه برای تخریب بهم نزدیک شدند. در واقع برای از بین بردن مفهوم ایران. همانطور که خود آیت‌الله خمینی در بازگشت به ایران گفت: «وطن‌پرستان برای ما فایده‌ای ندارند. ما مسلمان می‌خواهیم. اسلام با ملی‌گرایی مخالف است؛ ملی‌گرایی یعنی ما ملت و ملیت می‌خواهیم نه اسلام.»

او به سرعت ایدئولوژی خود را عملی کرد. مجلس شورای ملی ما شد مجلس شورای اسلامی. ارتش متعارف و ملی ما به نفع سیاه‌پاسداران انقلاب اسلامی به حاشیه رفت. نماد شیروخورشید که قرن‌ها پرچم ملی ما را آراسته بود با الله اکبر جایگزین شد.

جبهه متحد سرخ و سیاه

این جبهه متحد مارکسیست‌ها و اسلامگرایان میهن مرا فتح کرد اما هرگز به تسلط بر ایران بسنده نکرد، زیرا این دو ایدئولوژی به مفهوم ملت، یا حتی کمتر از آن، به مرزهای ملی اعتقادی ندارند. در واقع جمهوری اسلامی ایران خود را مدافع یا محدود به «ملت» یا «ملت ایران» نمی‌داند، بلکه به «امت» [واحد] یا «برادری اسلامی» [اخوان‌المسلمین] معتقد است.

این توسعه‌طلبی بسیار فراتر از خاورمیانه رفته است. هر روز عکس‌ها و تصاویری ترسناک از پیامدهایی می‌بینیم که توسعه‌طلبی این رژیم برای اروپا و غرب به ارمغان آورده است. از فتح دانشگاه‌هایی که زمانی رشک جهانیان بودند، تا حمایت از هسته‌های تروریستی در اروپا، تلاش برای نابودی اسرائیل و گسترش رد پای جنایتکارانه آن به آمریکای لاتین. اینهمه تصادفی نیست بلکه استراتژی سیاسی جمهوری اسلامی است.

متأسفانه این موضوع از سوی بسیاری از رسانه‌های جریان اصلی و همراهی‌کنندگانی که در این میان به عنوان تحلیلگر در این رسانه‌ها مسلط شده‌اند، اغلب نادیده گرفته شده است. همین هفته هم شاهد هستیم که ستون پنجم رژیم

پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت ۱۸ تیر و حمله‌ی دولت اصلاح طلب به دانشجویان



شاهزاده رضا پهلوی در پیامی به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر ۷۸ یکی از نقاط عطف جنبش دانشجویی و اعتراضات مدنی نسل جوان پس از انقلاب ۵۷ در پیامی یاد جانبختگان و ناپدیدشدگان آن خیزش را گرامی داشت و تأکید کرد که به پرونده این جنایت نیز روزی در یک دادگاه ملی رسیدگی خواهد شد. متن این پیام به شرح زیر است:

«بیست و پنج سال قبل در چنین ساعتی، اوباش جمهوری اسلامی شبانه به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران حمله کردند و دانشجویان را به شکل وحشیانه‌ای مورد ضرب و شتم قرار دادند؛ آنها را از بالای ساختمان‌ها به پایین پرت کردند؛ شماری‌شان را نیز به قتل رساندند.

در واکنش به آن حمله خونین، دانشجویان و مردم در تظاهراتی بی‌سابقه تا آن زمان، برای چندین روز خیابان‌های مرکزی تهران را به کنترل خود در آوردند و نقطه عطفی تاریخی را در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی رقم زدند.

نام جانبختگان و ناپدیدشدگان آن اعتراضات شجاعانه، جاوید و یادشان زنده است. هم‌چنین، فراموش نخواهیم کرد که از حسن روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت رژیم، تا محمد خاچی رئیس این شورا و رئیس‌جمهور وقت، تا فرماندهان ارشد سپاه پاسداران از جمله قاسم سلیمانی، همگی در سرکوب اعتراضات دانشجویی و مردمی تیر ۷۸ به سرکوبگر اعظم، علی خامنه‌ای یاری رساندند.

آمران و عاملان جنایت #کوی_دانشگاه بدانند که پرونده آن جنایت هنوز باز است و روزی در یک دادگاه ملی به آن رسیدگی خواهد شد.»

واشنگتن، منافع ملی و حاکمیت عراق را تحت سلطه منافع کوتوله‌های فکری و فرقه‌ای قرار داد که نه تنها نتوانست کشور را متحد کند، بلکه آن را بیشتر دچار انشقاق کرد. شهروندان عراق مجبور شدند پیش از آنکه خود را به عنوان شهروندان برابر حقوق ملت عراق ببینند، به عنوان اعضای فلان فرقه‌ی مذهبی و گروه‌های قومی یا قبیله‌ای تعریف کنند! و فراموش نکنیم که همه اینها با نیروی نظامی اتفاق افتاد.

بگذارید روشن و آشکار بگویم. این اشتباه نباید در ایران تکرار شود و من حامی و مدافع آن عده معدود افراطی که ممکن است از آن دفاع کنند، چه ایرانی و چه آمریکایی، نخواهم بود.

اما راه دیگری برای مشارکت بین دو ملت بزرگ ایران و آمریکا وجود دارد. راهی که مماشات با اسلامگرایان افراطی را که ایران را به گروگان گرفته‌اند و جنگ‌شان را به سمت شما، درست همینجا در خاک آمریکا گسترش می‌دهند، رد می‌کند. راهی که جنگ و تحمیل ساختارهای ناهمساز غربی را بر ملتی مغرور و کهن رد می‌کند. این راه جدید، این راه سوم، نیازمند فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی و حمایت حداکثری از مردم ایران است.

ایرانی‌ها به دنبال دریافت صدقه نیستند. آنها نمی‌خواهند که شما رژیم را برای آنها تغییر دهید. آنها در خیابان‌های شهرهای سراسر ایران برای حق زندگی، آزادی، تلاش برای خوشبختی و برای پس گرفتن ارزشمندترین میراث خود- یعنی ملت‌شان، مبارزه می‌کنند. چیزی که آنها می‌خواهند این است که شما قاتلان و گروگانگیرهای آنها را با ارسال میلیاردها دلار گستاخ‌تر نکنید و بجای اینکه با قدرت برای تحقق صلح تلاش کنید، با ضعف و مماشات خود، هرج و مرج ایجاد نکنید.

دوستان من، شما نبردی در برابر خود دارید. اما این نبرد شما با ملت ایران نیست. نبرد شما با ایدئولوژی رادیکال جمهوری اسلامی و مدافعان آن در واشنگتن است. ولی شما در این مبارزه تنها نیستید زیرا این همان مبارزهای است که ایرانیان هر روز در خیابان‌های کشورم پیش می‌برند. هم‌میهنان من در نبرد بین جمهوری اسلامی و ایران مصمم هستند به ندای تاریخ گوش فرا داده و برای پس گرفتن سرزمین‌شان مبارزه کنند. من نیز چنین کرده‌ام. و امیدوارم شما هم به ما بپیوندید. همانطور که ادموند پرک [تئورسین، سیاستمدار و فیلسوف سیاسی انگلیسی- ایرلندی دوران روشنگری/ قرن هجدهم که به عنوان «پدر معنوی محافظه‌کاری» شناخته می‌شود] گفته است: «وقتی بدها یکی می‌شوند، خوب‌ها نیز باید یکی شوند؛ وگرنه یک به یک سقوط خواهند کرد.»

بودن در جمع شما تنها چند روز پس از جشن استقلال آمریکا [۴ ژوئیه] تصادف خوشایند نیست زیرا حدود ۲۵۰ سال پیش وقتی توماس جفرسون اعلامیه استقلال را می‌نوشت، آن را با الهام از ارزش‌های کوروش بزرگ پادشاه ایران تدوین کرد. ایرانیان هرگز این پیوند را فراموش نکرده‌اند و امروز که نه برای ساختن بلکه برای راهی ملت خود می‌جنگند، از مبارزه شما برای آزادی و عشق به میهن الهام گرفته‌اند. هر دو ملت بزرگ ما در این پیوند خاص مشترک‌اند.

تمدن‌های بزرگ و ملت‌های واقعی، هرگز تحت سلطه باقی نمی‌مانند. و ما ایرانی‌ها کشورمان را پس خواهیم گرفت. و زمانی که این امکان در حال تبدیل شدن به واقعیت است، شما نیز در این مبارزه با ما باشید- نه به عنوان حامیان ما، بلکه به عنوان شرکای ما. نه به عنوان سرمایه‌گذاران ما، بلکه به عنوان دوستان ما؛ زیرا نبرد ما یکپس است. سپاسگزارم.

وقتی حاکمیت بر ملت کهن ما به حاکم واقعی آن یعنی مردم ایران بازگردانده شود؟

ایران بار دیگر لنگر صلح و ثبات در خاورمیانه خواهد بود، تا شما در نهایت بتوانید پسران و دختران خود (سربازان آمریکا) را از سرزمین‌های دور به خانه بیاورید، آنهم با کرامت.

ایران بار دیگر مرکز رونق و رفاه و بندرگاه امنی برای سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه خواهد بود و نه دریافت کمک‌های خارجی!

ایران بار دیگر متحد ایالات متحده و شریک نزدیک هم اسرائیل و هم کشورهای عربی خواهد بود و شاهد تبدیل پیمان ابراهیم به پیمان کوروش خواهد بود.

ایران بار دیگر موتور پیشرفت و مدافع آزادی و عدالت خواهد بود و نه گسترش دهنده تروریسم و شر.

شما متوجه هستید که من عبارت «بار دیگر» را به کار می‌برم زیرا هیچکدام از اینها جدید نیستند. این نوع روابطی است که دو ملت ما قبلاً داشتند، به ویژه تحت رهبری پدر من و رئیس‌جمهور نیکسون.

در آن زمان، ایران به دنبال برقراری صلح و روابط سازنده بر اساس منافع متقابل با همه ملت‌ها بود. ما با آمریکا و متحدان اروپایی آن دوست بودیم. اما همچنین با داشتن روابط پایدار و صمیمانه با اتحاد جماهیر شوروی و چین، یک سیاست خارجی متوازن را حفظ می‌کردیم. ما هم با هند و هم با پاکستان همکاری کردیم و هم با اسرائیل و هم با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس رابطه داشتیم. ایران، حافظ صلح در خاورمیانه بود و ما می‌توانیم دوباره به تحقق این موضوع کمک کنیم. اما چه چیزی در این میان کم است؟

آنچه تا کنون مانع از این امر شده، عمدتاً سیاست آمریکا در قبال ایران بوده که با ضعف و ساده‌لوحی روشنفکرانه بر اساس این فرض نادرست قرار داشت که می‌توان رفتار کسانی را که به چنین ایدئولوژی رادیکالی معتقدند تغییر داد. اما این یک درگیری بین دولت-ملت‌ها نیست، بلکه علیه ایدئولوژی رادیکال و مخربی است که می‌توان با آن مذاکره کرد. نمی‌توان برای این ایدئولوژی با منطق استدلال کرد. این یک رژیم غیرقابل تغییر است. هیچ «معامله‌ی بهتری» با آنها وجود ندارد. این رژیمی است که باید از بین برود، و این دقیقاً همان چیزی است که هم‌میهنان من برای دست یافتن به آن در حال مبارزه هستند.

شاید برخی از این یادآوری‌ها شما را خسته کند. می‌دانم. ممکن است اینطور باشد. برخی مباحث مشابه در دهه‌های گذشته، رهبری سیاسی شما را به مسیر اشتباه سوق داده است. در افغانستان، زمانی که ۷۰ درصد از پارلمان قبیله‌ای کشور پساتالبانی خواستار احیای پادشاهی مشروطه ظاهرشاه بودند، زیرا مردم او را حتا در سنین بالا نیز نماد و سرچشمه‌ی وحدت ملی می‌دانستند، دولت آمریکا این خواست ملی و این حق حاکمیت آنها را رد کرد و یک ساختار ناهمساز غربی را بر جامعه‌ای با سنت‌ها، هنرها و ابزارهای حکومتی ویژه‌ی خود تحمیل کرد. نتیجه‌اش فساد، هرج و مرج و فروپاشی دولت بود. این یک خطای ویرانگر بود که پیامد آن را امروز می‌بینیم.

اینهمه نه امنیت برای آمریکا به همراه داشت و نه در دفاع از ارزش‌های شما موفق بود. امروز بار دیگر حملات تروریستی از قندهار به راه افتاده و زنان بار دیگر در کابل به بردگی گرفته می‌شوند. زیرا اگرچه اهداف آمریکا ممکن است با نیت خوب بوده باشد، اما ناتوانی در گوش دادن به صحبت افغان‌ها، آن کشور را به سوی جهنم سوق داد که راه‌اش با همان نیت‌های خوب هموار شده بود.

تنها چند سال بعد در عراق، غرور و جهل نخبگان سیاسی

بازنشر

بازنشر به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر ۱۳۵۹؛

بلندآسمان جایگاه من است! در ستایش آزادی و آبادی میهن و بزرگداشت سرتیپ خلبان آیت محقق



افسرانی که تیرباران شدند اما تا آخر با ملتی ماندند که هنوز نمی‌دانست به چه مصیبتی گرفتار آمده و امروز نگاه نسل‌های جوانش به پشتیبانی و همراهی همان ارتش و نظامیان و نیروهای پلیس و انتظامی دوخته شده تا در برابر جمهوری اسلامی و متجاوزان داخلی بایستند و از ملت و مملکت پشتیبانی کنند.

سپهبد خلبان محمدحسین مهرمند از فرماندهان ارشد نیروی هوایی شاهنشاهی، سرلشکر عبدالحسین مینوسپهر از فرماندهان ارشد نیروی هوایی شاهنشاهی، خسرو بیت‌اللهی خلبان شکاری نیروی هوایی شاهنشاهی و فرهاد نصیرخانی از خلبانان ارشد نیروی هوایی شاهنشاهی در این ویدئو از سرتیپ خلبان آیت محقق می‌گویند.

سرتیپ خلبان آیت محقق ۴ دی ۱۳۱۰ به دنیا آمد و ۲۸ تیر ۱۳۵۹، ده روز پس از آنکه عملیات «نقاب» (نجات قیام ایران بزرگ) که قرار بود از پایگاه شاهرخی همدان آغاز شود، از جمله به گفته‌ی سران «حزب توده» توسط این حزب لو رفت، تیرباران شد.

جمهوری اسلامی نام «پایگاه شاهرخی» را به اسم سرهنگ دوم «محمد نوژه» که در تابستان ۵۸ در پناه کشته شده بود تغییر داد.

سعید حجاریان از کارگزاران «پروژه اصلاحات» سربازجوی افسران و درجه‌داران و همافران دستگیرشده در دادگاهی بود که ریاست آن را محمدری شهری حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی بر عهده داشت. این دادگاه حکم تیرباران بیش از ۲۰۰ نظامی و غیرنظامی از جمله اعضای خانواده‌های آنها را به جرم شرکت یا آگاهی از عملیات «نقاب» صادر کرد. ۱۲ تن از افسران اعدام شده در تابستان ۱۳۵۹ خلبان و شماری از آنها از نظر دانش و توانایی‌های فنی در نیروی هوایی جایگاه برجسته داشتند:

سپهبد خلبان سیدسجاد مهدیون، سرتیپ خلبان آیت محقق، سرهنگ خلبان داریوش جلالی، سروان خلبان فرخزاد جهانگیری، سروان خلبان محمد ملک، سروان خلبان علی‌اصغر سلیمانی، سروان خلبان کریم افروز، سروان خلبان امیدعلی بویری، سروان خلبان ناصر زندی، ستوان یکم خلبان مهدی عظیمی فرد، سروان خلبان محمد بهروزفر، ستوان یکم خلبان نجات یحیی، سروان فنی هوایی بیژن ایران‌نژاد، سروان فنی هوایی هرمز زمانپور، ستوان یکم فنی هوایی ایوب حبیبی، سرهمافر سوم یوسف پوررضایی، سرهمافر جعفر مظاهری کاشانی، استوار یکم فنی پرویز بینایی، ستوان دوم فنی سیدجلال عسگری، ستوان دوم فنی هوایی ناصر رکنی، ستوان دوم فنی هوایی جعفر راستگو، سرگرد هوایی سیاوش بیاتی.

اندکی پس از این خونریزی هولناک، در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رژیم صدام حسین فرودگاه مهرآباد در تهران را در شرایطی بمباران کرد که ارتش از تیرباران‌ها و پاکسازی‌ها و جلای وطن به شدت زخمی بود اما با اینهمه توانست در طول دو سال متجاوزان عراقی را از خاک کشور براند. ولی رهبری جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه پاسدارانش شش سال جنگ را به طمع فتح کربلا و «قدس» ادامه داده و پیر و جوان را با دست‌های خالی و کلید پلاستیکی بهشت بر گردن به جبهه‌های خونین جنگ فرستادند تا سرانجام جام زهر شکست را سر بکشند.

این ویدئو به مناسبت نود سالگی [سال ۱۴۰۰] قهرمانی تهیه شد که به تسلیم شدن کشورش در برابر رژیم فرقه‌ای و ضدبشری جمهوری اسلامی تن نداد و در ۴۹ سالگی با ایستادگی بر آرمان‌های میهنی خود و بر دوش گرفتن مسئولیت تمامی آنچه که آن زمان به شکست انجامید، در کنار دیگر افسران میهن‌دوست اعدام شد. اما شکست عظیم ملت و مملکت با تداوم نظام جمهوری اسلامی هنوز در راه بود! چهار دهه بعد، تاریخ و تجربه درست مانند همه آنهایی که در برابر رژیم‌های ضدانسانی و سرکوبگر ایستادند، با نگاه دیگری به ده‌ها افسری که تیرباران شدند می‌نگرد.

و... نتیجه‌ی... شعبده‌بازی این دوره از سیرک انتخابات...



کیشان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی ©

تشکیل پرونده فساد اداری و پولشویی برای ۹۸ تن از مدیران دولتی استان کرمان در یک سال

● مدیرکل بازرسی استان کرمان: در یک سال گذشته تعداد ۹۸ نفر از کارکنان و مدیران اجرایی که فساد اداری داشتند و افرادی که فرار مالیاتی و یا پولشویی داشتند، توسط سازمان بازرسی شناسایی و به دستگاه قضایی معرفی شدند.

● رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی گفته ۹ نفر که ۶ نفر از آنها از اعضای شورای اسلامی شهر سردشت بودند به جرم «رشا و ارتشا» (رشوه‌دهی و رشوه‌گیری) تحت تعقیب قرار گرفته و دستگیر شدند.

● طی سال‌های گذشته برای تصویب قانون‌های بازدارنده یا اصلاح ساختار اداری و بانکی بازبینی هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

مدیرکل بازرسی استان کرمان خبر داده که برای ۹۸ نفر از کارکنان و مدیران اجرایی این استان به دلیل فساد اداری، فرار مالیاتی و یا پولشویی پرونده قضایی تشکیل شده است.

احمد آبیار مدیر کل بازرسی استان کرمان گفته «در یک سال گذشته تعداد ۹۸ نفر از کارکنان و مدیران اجرایی که فساد اداری داشتند و افرادی که فرار مالیاتی و یا پولشویی داشتند، توسط سازمان بازرسی شناسایی و به دستگاه قضایی معرفی شدند.»

طی سال‌های گذشته و در پی نمایش مبارزه با فساد از سوی جمهوری اسلامی صدها مدیر دولتی و بانکی، کارمند دستگاه قضایی و اعضای شورای اسلامی شهر به دلیل فساد و تخلفات اداری از جمله رشوه‌گیری و اختلاس بازداشت یا با پرونده قضایی روبرو شدند.

روز گذشته بابک آرامش دادستان شهرستان ایذه در استان خوزستان از بازداشت یک پیمانکار شهرداری این شهر خبر داد. بابک آرامش گفته بود این پیمانکار با هدف حفظ حقوق عامه به اتهام پولشویی بازداشت شد. برای مقابله با فساد مالی و پس از انجام تحقیقات لازم، یکی از پیمانکاران طرح‌های شهرداری به اتهام پولشویی بازداشت شد.

در روزهای گذشته خبر دیگری درباره بازداشت شش عضو شورای اسلامی شهر سردشت به دلیل دریافت رشوه ۳۲ هزار دلاری منتشر شد.

ناصر عتباتی رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی در این‌باره گفته بود این پرونده اردیبهشت‌ماه امسال و با گزارش «مرجع امنیتی» در دستور کار دادستانی این شهرستان قرار گرفت و با دستور قضایی و تحقیقات انجام شده تعداد ۹ نفر که ۶ نفر از آنها از اعضای شورای اسلامی شهر سردشت بودند به جرم «رشا و ارتشا» (رشوه‌دهی و رشوه‌گیری) تحت تعقیب قرار گرفته و دستگیر شدند.

بر اساس توضیحات ناصر عتباتی «۶ نفر از اعضای شورای اسلامی شهر سردشت جمعاً مبلغ ۳۲ هزار دلار از ۳ متهم دیگر رشوه دریافت کرده‌اند و با توجه به گزارش مرجع امنیتی، تحقیقات مقدماتی صورت گرفته، بزه ارتكابی توسط این افراد محرز و پرونده با صدور کیفرخواست به منظور صدور رای به محاکم کیفری دو ارسال شد.»

خبر بازداشت اعضای شوراهای شهر و روستا هر هفته در رسانه‌های داخلی منتشر می‌شود. هفته گذشته نیز



محمد یوسف وند دادستان عمومی و انقلاب رباط‌کریم از بازداشت یک عضو شورای اسلامی شهر یکی از روستاهای این شهرستان خبر داد.

او گفته بود که این عضو شورای اسلامی به اتهام سوء استفاده از موقعیت شغلی و اخذ انشعابات غیرمجاز آب و برق و گاز دستگیر و روانه زندان شده است.

نبی‌الله داودی مازندران رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات از رسیدگی به ۱۰ هزار پرونده در دادگاه عالی انتظامی قضات در سال ۱۴۰۲ خبر داد و گفت: در سال جدید هدفمند کردن مجازات‌های انتظامی با استفاده از آمار بانک‌های اطلاعاتی و دادنامه‌های گذشته را در دستور کار داریم.

در سال ۹۹ فیاض شجاعی دادستان سابق دیوان محاسبات کل کشور اعلام کرده بود که ۲۰ هزار و ۶۷ مدیر و مسئول نظام جمهوری اسلامی طی مدت شش سال با اتهامات فساد مالی و اداری روبرو شدند و از این تعداد برای ۴۶۱۶ قرار بازداشت صادر شده بود.

آمار بالای فساد در میان مدیران حکومتی در حالیکه این افراد همگی از فیلترهای امنیتی و حراستی، شورای نگهبان و وزارت کشور عبور کرده و از چهره‌های مورد اعتماد حکومت هستند.

روند فساد در یک دهه گذشته چنان با سرعت در حال گسترش بوده که خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۹۹ یک سامانه «سوت‌زنی» دایر کرد که شهروندان مختلف اگر از روند فساد اداری و مالی در یکی از نهادها و سازمان‌های حکومتی مطلع شدند در آن سامانه اطلاع دهند.

بگیر و ببندها و خبرهای پیوسته درباره بازداشت مدیران مختلف در حالیکه ساختار جمهوری اسلامی و قوانین ناکارآمد بسترساز بروز انواع فساد اداری و مالی در نهادهای مختلف حکومتی است. با اینهمه طی سال‌های گذشته برای تصویب قانون‌های بازدارنده یا اصلاح ساختار اداری و بانکی بازبینی هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

بازی شکست خورده‌ی خامنه‌ای با کارت ظریف



● جدی شدن بازگشت ترامپ به کاخ سفید از یکسو و دومینوی شکست احزاب چپ‌گرای اروپایی و حامی مذاکره با جمهوری اسلامی از سوی دیگر و جایگزینی آنها با دولت‌هایی راست‌گرا که صلح و ثبات در خاورمیانه را برای رهایی از بحران مهاجرت در اروپا در اولویت سیاست خارجی خود می‌دانند، رژیم را به وحشت انداخته تا بلکه بار دیگر بتواند کارت ظریف را رو کرده و خود را حامی گفتگو و مذاکره نشان دهد تا شاید غرب او را به حال خود رها کند.

● هرچند رژیم همه آنچه در سیاست خارجی برای ارائه دارد همان محمدجواد ظریف و لابی‌های متعدد او از نایاب تا دیگر خبرنگاران و تحلیلگرانی است که در مراکز مختلف اروپایی و آمریکایی از پول نفت ایران تغذیه می‌شوند تا اهداف رژیم اسلامی را به زبان غربی‌ها بیان کنند، اما به نظر نمی‌رسد اینبار این سیاست در مقابل احزاب و دولت‌های راست‌گرای اروپایی و دولت ترامپ جوابگو باشد.

● آنچه خامنه‌ای و تحلیلگران اطراف او متوجه نیستند تفاوت در راهبردها و اهداف احزاب چپ و راست غربی در حوزه سیاست خارجی است. ظریف و باند‌های او اگرچه در دوره‌های قبل قادر به تاثیرگذاری بر سیاست‌های دولت‌های غربی بوده‌اند اما این تاثیرگذاری از زرنگی و خردمندی بیش از حد ظریف نبوده بلکه ناشی از خواست دولت‌های غربی برای یک خاورمیانه آشفته و در عین حال تحت کنترل بوده است.

سپاوش پندار - سیرک انتخابات همانطور که پیش‌بینی می‌شد به صحنه‌های مضحک برای نمایش فقدان مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی بدل شد و این ابتدال تا جایی پیش رفت که خامنه‌ای را در دور دوم انتخابات به دعا و آرزوی مشارکت مردم واداشت که البته با ترفندهای گوناگونی هم که رژیم به کار برد از جلیلی‌هراسی تا به ضریب رساندن تعداد آرا و تقلب‌های گوناگون، نهایتاً اکثریت با آنان شد که به رژیم و سیرک انتخابات آن‌ها نه گفتند. ولی خامنه‌ای در این انتخابات به دنبال یک هدف مشخص بود و ←

مطالبات زودرس!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کيهان لندن شماره ۱۰۸۱) آبان ماه ۱۳۸۴

با نشر



خریزه‌ای برای ما حاضر کن. متنبتی سه روز مهلت خواست. پادشاه گفت همین لحظه حاضر ساز و الا معلوم خواهد شد که تو پیغمبر نیستی و به دروغ ادعا می‌کنی. گفت ای ملک، انصافت کجا رفته است. خداوند جل ذکره در کمال قدرت، در مدت سه ماه خریزه می‌آفریند، تو به من سه روز هم مهلت نمی‌دهی؟

«مقام معظم رهبری» فرموده‌اند «دولت در خدمت به مردم مصمم است و نباید با طرح مطالبات زودرس، آن را تحت فشار قرار داد بلکه باید ضمن کمک به دولت، فرصت لازم را برای تحقق شعارهای مطرح شده ایجاد کرد». این هم فرمایش متینی است مثل مابقی فرمایشات رهبری. برای آن که رئیس جمهور منتخب شعارهای مطرح شده را تحقق بخشد مختصر کمکی هم از جانب مردم لازم است.

یکی به شهری وارد شد. دید خشکسالی است. مردم را گفت این کوهی که شهر شما در پناه آن قرار گرفته است مانع از آن می‌شود که ابرها بیایند و باران بیاورند. من معجزه‌گرم. اگر چهل روز مرا جای دهید و با خوراکی‌های مقوی پذیرایی کنید این کوه را به دوش می‌کشم و کمی آنطرفتر می‌گذارم تا راه برای ورود ابرها باز شود (چیزی مثل طرح آیت‌الله رفسنجانی برای آباد کردن کویر). مردم چنان کردند. روز چهلهم همگان را دعوت کرد که بیایند و شاهد معجزه باشند. مردم جمع شدند. معجزه‌گر طناب خواست. طناب زیادی آوردند. او سر طنابها را به صخره‌ها و سنگها گره زد. آنگاه گفت شما کمک کنید و این کوه را بر دوش من بگذارید تا آن را جابه‌جا کنم!

خوب، اگر مردم يك شهر نتوانند جمعاً همین کار کوچک را انجام دهند و مختصر کمکی کرده باشند از معجزه‌گر چگونه می‌توان انتظار داشت باری به سنگینی کوه بر دوش بکشد و از جایی به جای دیگر انتقال دهد!؟

«مقام معظم رهبری» گله کرده‌اند که مردم در مطالباتشان از دولت جدید و رئیس جمهور منتخب ایشان (به‌نام‌اندگی امام زمان) بی‌طاقتی به خرج می‌دهند. حالا بگذریم که رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با مردم پر توقع همصدا شده و از این که چهار وزارتخانه چهار ماه بی وزیر مانده انتقاد کرده و آن را عیب دانسته است.

طفل معصوم، این آقای احمدی‌نژاد معلوم نیست در چند جبهه باید بجنگد. با اسرائیل برای حذف آن از نقشه جغرافیا درگیر شود یا جواب نیش گولی‌های امثال کروی و خامی را بدهد. با آمریکا و انگلیس در پرونده هسته‌ای دست و پنجه نرم کند یا دشمنان داخلی را بر سر جایشان بنشانند. جواب سرمایه‌گذاران را بدهد و جلو فرار سرمایه‌ها را بگیرد یا از پس مردم پرتوقع و کم طاقتی برآید که هر روز بر فشارشان می‌افزایند و می‌گویند پس وعده‌های انتخاباتی چه شد؟ کار کو؟ نان کو؟ پول نفت بر سر سفره‌هایمان کو؟!

بابا، انتخاباتی بود، تمام شد و رفت. در انتخابات دروغ جایز است مخصوصاً انتخاباتی که هدفش جاده‌سازی برای تشریف‌فرمایی امام زمان باشد. ظهور امام زمان هم شرایطی دارد. مقدماتی دارد. اول باید جهان پر از ظلم و جور شود. بعد، دجال بیاید و برود. آن وقت امام زمان از پرده غیبت بدر آید و جهان را پر از عدل و داد کند.

حالا امام زمان به‌کنار. کدام پیغمبری بوده است که فرمان خدا را نیز در جیب داشته و سه، چهار ماهه به اوضاع جهان سر و سامان داده باشد؟

در «زینت‌المجالس» آمده است شخصی را که دعوی نبوت می‌کرد به خدمت پادشاه زمان آوردند. ملک از او پرسید تو کیستی؟ گفت پیغمبر خدایم. گفت معجزه‌ات چیست؟ گفت هر چه مقرر کنی به‌تقدیم رسانم. ملک گفت هم الان

شاید حتی رئیس جمهور محبوبش، ابراهیم ریسی را نیز در پی همین هدف قربانی فرود سخت در کوه‌های آذربایجان کرد. آنهم چیزی نبود جز برگرداندن جناح ضربه‌گیر رژیم و مشخصاً جواد ظریف که تنها شخصی در رژیم خامنه‌ای است که قادر به صحبت با خارجی‌ها به نحو‌یست که بتواند نرمش‌های قهرمانانه خامنه‌ای و رژیم او را به گوش غرب برساند.

جدی شدن بازگشت ترامپ به کاخ سفید از یکسو و دومینوی شکست احزاب چپ‌گرای اروپایی و حامی مذاکره با جمهوری اسلامی از سوی دیگر و جایگزینی آنها با دولت‌هایی راستگرا که صلح و ثبات در خاورمیانه را برای رهایی از بحران مهاجرت در اروپا در اولویت سیاست خارجی خود می‌دانند، رژیم را به وحشت انداخته تا بلکه بار دیگر بتواند کارت ظریف را رو کرده و خود را حامی گفتگو و مذاکره نشان دهد تا شاید غرب او را به حال خود رها کند.

در عین حال به احتمال قریب به یقین دولت پزشکیان برخلاف ادعاهای برخی اصلاح‌طلبان نه تنها در سیاست داخلی نرمشی بیش از دولت ریسی نخواهد داشت بلکه برعکس می‌توان انتظار فساد و ازهم‌گسیختگی و وحشیگری بیشتری را در داخل از رژیم انتظار داشت تا خیلی زود آن اندک افرادی که فریب سیرک انتخابات را خورده و فریفته جلیلی‌هراسی شده بودند متوجه خطای خود بشوند. رژیم همواره نشان داده در زمان‌هایی که قصد نرمش قهرمانانه دارد در داخل وحشیگری خود را شدت می‌بخشد تا مبادا عقب‌نشینی‌هایش در مقابل خارجی‌ها، نزد مردم به احساس ضعف تعبیر شود.

هرچند رژیم همه آنچه در سیاست خارجی برای ارائه دارد همان محمدجواد ظریف و لابی‌های متعدد او از نایاک تا دیگر خبرنگاران و تحلیلگرانی است که در مراکز مختلف اروپایی و آمریکایی از پول نفت ایران تغذیه می‌شوند تا اهداف رژیم اسلامی را به زبان غربی‌ها بیان کنند، اما به نظر نمی‌رسد اینبار این سیاست در مقابل احزاب و دولت‌های راستگرای اروپایی و دولت ترامپ جوابگو باشد. آنچه خامنه‌ای و تحلیلگران اطراف او متوجه نیستند تفاوت در راهبردها و اهداف احزاب چپ و راست غربی در حوزه سیاست خارجی است. ظریف و باند‌های او اگرچه در دوره‌های قبل قادر به تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت‌های غربی بوده‌اند اما این تأثیرگذاری از زرنگی و خردمندی بیش از حد ظریف نبوده بلکه ناشی از خواست دولت‌های غربی برای یک خاورمیانه آشفته و در عین حال تحت کنترل بوده است.

نفوذ جمهوری اسلامی در عراق، سوریه، لبنان و یمن نه صرفاً ناشی از قدرت جمهوری اسلامی بلکه ناشی از سیاست مداخلات غرب با جمهوری اسلامی بود که آخرین نقطه برای تلنگر به غرب برای فهم غلط بودن این سیاست بعد از کمک تسلیحاتی جمهوری اسلامی به روسیه، حمله هفت اکتبر به اسرائیل و آثار پس از آن بود که غرب و به‌خصوص راستگرایان غرب که امروز دولت‌های غربی را تشکیل می‌دهند به این صرافت انداخت که با جمهوری اسلامی نمی‌توان کار کرد. امری که در کنار مشاهده آثار مخرب فعالیت‌های رژیم، محصول سفرها و مصاحبه‌ها و مذاکرات متعدد شاهزاده رضا پهلوی با سیاستمداران غربی بوده و هست.

به همین سبب نیز استفاده خامنه‌ای از کارت ظریف را باید آخرین تلاش او برای نجات رژیم شکست‌خورده‌اش و در عین حال تلاشی از پیش باخته دانست که خیلی زود آثار این شکست سیاسی وی و رژیم‌اش بر همگان آشکار خواهد شد.



برخورد سخت من با هویدا بر سر مسأله نرخگذاری

هویدا گفت آقا، اگر مخالفید باید به عرض اعلیحضرت برسانیم. گفتم من خودم به عرض اعلیحضرت می‌رسانم که مخالفم!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن‌ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاد در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیاهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجا رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.

دکتر علینقی عالیخانی از اختلاف نظر خود با هویدا، نخست وزیر، می‌گوید که سرانجام به خروج وی از دولت منتهی شد

دنباله گفتگو را با غلامرضا افخمی می‌خوانید...

غ. ا - معذک، در دورانی که با هویدا سر کردید، اوضاع اقتصادی بسیار درخشان شد. نرخ تورم هم خیلی پایین بود

ع. ع - بله، اما یک مقدار از آن مسائلی که در دهه ۷۰ کاملاً رو شد و گرفتاری ایجاد کرد، ریشه‌اش در همان دهه ۶۰ وجود داشت که من با آن مخالفت می‌کردم. یعنی همین نرخها و نرخگذاریها که حضراتان عرض کردم، عدم توجه به لزوم مراعات بخش خصوصی، اینکه در کارها اصولی رفتار نکنیم و جنبه فردی به کارها ندهیم و استثنا ایجاد نکنیم، ریشه‌هایش در همان زمان وجود داشت. اگر در آن زمان ما تورم نداشتیم، یکی به این دلیل بود که در دنیا تورم وجود نداشت. از آن طرف هم ما برنامه‌هایی داشتیم که اگر برنامه‌های عمرانی‌مان کاهش پیدا می‌کرد جبران می‌کردیم با بخش خصوصی، که فعالیتش را روزافزون کرده بود. اما در آن اواخر که هنوز خودم در وزارت اقتصاد بودم برخورد میان هویدا و من خیلی شدیدتر شد. عرض کردم، چیزهایی را که به صورت خیلی روشنتر بعداً همه می‌توانستند ببینند، در آن موقع من به خاطر اینکه درگیر در کار بودم می‌دیدم. هویدا در این مورد به عقیده من مسئولیت داشت. من به شما داستان امپروینگ دولو را خواهم گفت که یکی از آن موردهایی بود که او به من فشار می‌آورد.

جریان دیگری که شد، در همان آغاز سال ۱۳۴۸ ناگهان در بازار جهانی قیمت فولاد بالا رفت. یعنی میزان تقاضا در بازار جهانی بیش از میزان عرضه فولاد شد. در این مورد وارد کننده‌های آهن ناچار بودند که قیمت کالای خودشان را بالا ببرند. توضیح باید بدهم که شما وقتی واردکننده یا تولیدکننده یک جنسی هستید، قیمت فروش خودتان را بر



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران
(بخش ۲۲)
خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

آید ضرر می‌کنید. اگر خاطراتان باشد، در بازار تهران خیلی معمول بود که بشنوید فلان تاجر آهن ورشکست شده. چرا؟ به‌خاطر اینکه او مراعات آن دوره‌های افزایش و کاهش بهای آهن را درست نکرده بود. یعنی آنجایی که سودی گیرش آمده بود، این سود کاذب را به عنوان سود همیشگی خودش حساب می‌کرد. آنجایی که زیان می‌داد دیگر نمی‌توانست جبران بکند. برعکس، آن کسانی که در تجارت آهن موفق شدند و ثروتی برای خودشان ساختند، در این فراز و نشیبها آگاهی کافی داشتند که این پول مال آنها نیست، بلکه یک بیمه‌ای است برای آینده‌شان.

در اینجا هویدا به من فشار آورد که می‌بایست به واردکنندگان بگویم که فرآورده‌های فولادی را، بیشتر تیرآهن و میله‌گرد، بر پایه همان قیمتی که خریده‌اند بفروشند. استدلال من این بود که شما فقط برای یک عده سفته‌باز دارید یک امکان فوق‌العاده ایجاد می‌کنید. برای اینکه واردکننده بدبخت را که می‌بایست فردا به نرخ بالاتری جنس وارد بکند و اداری می‌کنید به قیمت پیشین جنس خود را به یک شخصی بفروشید، ولی شخص دوم آزاد است که در بازار همان جنس را به قیمت بالاتر بفروشد. این حرفی که شما می‌زنید اصلاً منطقی ندارد. ولی هویدا بدون اینکه با من صحبتی کرده باشد، با اعلیحضرت صحبت کرد، و اعلیحضرت هم که سر نرخگذاری خیلی حساسیت داشتند و مایل بودند که قیمتها بالا نرود، قانع به استدلال هویدا شدند و قرار گذاشتند که اصولاً یک مقررات تازه‌ای تهیه بکنند که اگر کسی گرانفروشی بکند بتوانند او را زندانی و حتی اعدام بکنند و ارتش هم مأمور اجرای این مقررات باشد. یک روز به من خبر دادند که جلسه‌ای هست در حضور نخست وزیر، و من باید بروم درباره آهن صحبت بکنم. من رفتم. مرحوم ناصر یگانه که آن موقع وزیر مشاور بود و همچنین مرحوم منوچهر پرتو که وزیر دادگستری بود هم بودند.



ناصر یگانه

دولار. پس در طول زمان یک جایی که قیمت بالا می‌رود شما یک استفاده موقتی می‌کنید، جایی که قیمت پایین می‌



در چه سالی؟

– سال ۱۳۴۸. آخرین ماههایی است که من در وزارت اقتصاد بودم. در آنجا هویدا گفت مسأله به عرض رسیده و اعلیحضرت فرمودند که لایحه‌ای تهیه بشود که این گرانفروشان را بتوانیم جلوشان را بگیریم. چون با هم قبلاً صحبت کرده بودیم و می‌دانست من مخالف این کار هستم، رو کرد به پرتو، که پرتو هم کمی تعجب کرد از این کار تند. پرتو گفت ما درباره منع احتکار یک قانونی داریم و احتیاج به قانون تازه نیست. قانونی بود که در زمان جنگ دوم گذشته بود. هویدا فوری گفت که یعنی شما مخالفید با اینکه این کار بشود. پرتو هم فوری جا زد، گفت نخیر، امر می‌فرمایید می‌رویم این لایحه را تهیه می‌کنیم. بعد از ناصر یگانه پرسید، که البته قبلاً با او صحبت کرده بود. او هم گفت نخیر، ما می‌رویم این لایحه را تهیه می‌کنیم. بعد از من پرسید. من گفتم کاملاً با این کار مخالفم و حاضر هم نیستم در تهیه این لایحه شرکت بکنم. گفت آقا اگر مخالفید باید به عرض اعلیحضرت برسانیم. گفتم من به عرض اعلیحضرت می‌رسانم که مخالفم. هویدا هیچ انتظار نداشت که من به این شدت بایستم.

از آنجا که بیرون آمدیم یگانه خیلی اصرار کرد که من در جلسه‌ای که آنها می‌خواهند این طرح را تهیه بکنند باشم.

– یک موضع‌گیری خاص هویدا بود که هم اعتقادی به این واردکننده‌ها و بخش خصوصی نداشت و هم هیچ بدش نمی‌آمد که من با شاه برخوردی به این صورت داشته باشم. چون یک احساس رقابتی می‌کرد، که البته واقعاً ناروا بود. برای اینکه من هیچ وقت قصد اینکه پست دیگری داشته باشم و رقیب هویدا بشوم نداشتم. کسان دیگری بودند که شاید این آرزو را داشتند، ولی، صمیمانه، من چنین چیزی را نمی‌خواستم و اصلاً دنبال این کار نبودم. به هر حال، او وقتی احساس خطر می‌کرد می‌بایست یک مقداری محکم کاری خودش را بکند. از این گذشته، به مداخله دولت در فعالیت اقتصادی اعتقاد داشت. یعنی با آن سیاستی که من در پیش گرفته بودم، موافقتی نداشت. اما باید بگویم چیزهای متضاد و متناقض همراه هم بودند. یعنی باز هم دوستی خودمان را به یک صورتی، البته من دلخور بودم، ولی به یک صورتی داشتیم. اما اعتقادی من دیگر به کار با او نداشتیم. شما وقتی در دهه ۷۰ می‌بینید او چه کارهایی را کرد، می‌بینید که ریشه‌هایش در همین دهه ۶۰ وجود داشت.

بعد از این جریان شما با اعلیحضرت صحبت کردید در این زمینه؟

– معنی حرف اعلیحضرت در مورد قیمت فولاد این بود که

هلیکوپتر وارد شدند هویدا ما سه نفر را برد به نزدیک هلیکوپتر، دور از هیأت وزیران. اعلیحضرت مثل اینکه وارد بودند که من با این جریان مخالف هستم. به من اشاره کردند چه اتفاقی افتاده. به عرضشان رساندم که یک چنین مسأله‌ای مطرح شده و این کار مطلقاً به مصلحت کشور نیست. بخصوص استدلالی کردم و گفتم که با توجه به اینکه در بودجه تغییراتی داده‌ایم، البته اشاره نکردم که تغییرات بیشتر برای کارهای ارتشی بوده، و با توجه به اینکه وضع تولید کشاورزی‌مان هم هیچ در آن سال روشن نیست، اگر بخواهیم کم و بیش میزان رشد اقتصادی سالهای پیش را داشته باشیم تنها راهی که داریم این است که بخش خصوصی را تشویق بکنیم که فعالیت بیشتری بکنند. اگر آنها را تشویق نکنیم و دلسرد بکنیم به تحقیق میزان رشد اقتصادی ما خیلی پایین خواهد آمد. این از آن چیزهایی بود که شاه هیچ حاضر نبود بشنود و به فکر فرو رفت. در همین ضمن هم هویدا مرتب به آن دو نفر اشاره می‌کرد که طرحتان را به عرض اعلیحضرت برسانید و به علت همین اصرار و اشاره هویدا پرتو هم سعی می‌کرد که متن لایحه را تقدیم اعلیحضرت کند و دستش را جلو و عقب می‌برد. شاه هم که کاملاً وارد بود که جریان چه هست، خیلی با عصبانیت گفت این کاغذ چیست که می‌خواهید به من



از راست: ناصر یگانه (نفر چهارم و در کنار او به ترتیب هویدا- هوشنگ نهاوندی- منصور روحانی

از نرخ‌گذاری صرف نظر شود. خیلی روشن بود برای اینها. اتفاقاً در همین زمان من به شوروی می‌بایست می‌رفتم برای شرکت در کمیسیون مختلط‌مان. من از شورویها کمک خواستم. آنها، با وجود اینکه خودشان کمبود فولاد داشتند، حاضر شدند در کادر پایاپای چند صدهزار تن بیش از آن چیزی که پیش بینی شده بود به ما فولاد بدهند، که کمکی به ما شده باشد. و کردند این کمک را که بتوانیم قیمتها را پایین نگهداریم. خوب، قیمتها هم بعداً پایین آمد، چون طبیعی است که این طور می‌شود. ولی اگر هر باری که این اتفاق می‌افتد شما بخواهید مردم را به شلاق ببندید که جور در نمی‌آید. (ادامه دارد)

بدهید؟ هویدا گفت قربان، آن طرحی که فرموده بودید پرتو و یگانه تهیه کردند. شاه گفت لازم نیست، من حالا می‌روم به آذربایجان وقتی برگشتم در این باره صحبت می‌کنیم. یعنی اینکه بایگانی شود. ولی هویدا دست بردار نبود. یعنی در ضمن آن که جلو آن دو وزیر یک حالت خیلی ناراحت کننده‌ای پیش آمده بود که در اثر مخالفت من شاه تغییر نظر داده بود، اما با وجود همه اینها خودش روزنامه نگاران را وادار می‌کرد چیزهایی که مایل بود بنویسند و حمله بکنند به وارد کنندگان آهن و غیره، یعنی ملاحظه می‌فرمایید...

ولی من نپذیرفتم و برگشتم سر کارم. این هم یک عامل دیگری بود که کاملاً احساس می‌کردم که می‌بایست وزارت اقتصاد را ترک بکنم. روز بعد قرار شد صبح ما برویم به فرودگاه. اعلیحضرت می‌رفتند به آذربایجان چون سیل آمده بود آنجا و می‌خواستند خودشان ببینند که چه آسیبی وارد شده. در فرودگاه هم معمول بود که هیأت وزیران همیشه می‌رفت مشایعت بکنند از اعلیحضرت. ولی هویدا ما سه وزیر را به کنار کشید...

یعنی شما، یگانه و پرتو؟

– بله. که با اعلیحضرت صحبت بکنیم. ایشان وقتی با

یعنی این یک موضع‌گیری خاص هویدا بود؟

پایگاه خبری «هیل»:

مسعود پزشکیان سرسپرده و نوکر علی خامنه‌ای است

«انتخابات» در مورد برنده‌ی ادعایی آن نیست، بلکه در مورد کسانی است که انتخاب کردند که اصلاً رأی ندهند. جمهوری اسلامی برای نخستین بار در تاریخ خود شاهد تحریم گسترده و وسیع ایرانیان بود. آمار خود رژیم نشان می‌دهد که کمترین میزان مشارکت در تاریخ این رژیم ثبت شده که نشانه‌ای از سرخوردگی گسترده نه تنها از نامزدهای انتخاباتی، بلکه از خود رژیم است.

به گفته منابع در داخل کشور، میزان مشارکت به زیر ۲۰ درصد رسید و این بسیار کمتر از آن چیزیست که اعلام شده است. میلیون‌ها ایرانی این رأی‌گیری را فرصتی برای نشان دادن نافرمانی مدنی عمومی از این رژیم می‌دانستند. آنها آن را نه انتخابات، بلکه «سیرک انتخابات» نامیدند که نامزدهای آن چیزی بیش از دلک‌های علی خامنه‌ای نبوده‌اند.

در بخش دیگری از این نوشتار آمده، برگزاری انتخابات همواره دست‌مایه جمهوری اسلامی برای لاپوشانی دیکتاتوری وحشیانه خود به عنوان یک دموکراسی برای دنیا بوده است. مقامات رژیم از خامنه‌ای گرفته تا رئیس تبلیغات رژیم به زبان انگلیسی، یعنی محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین، همواره حضور مردم در انتخابات را نشانه مشروعیت رژیم دانسته‌اند. تحریم اما این افسانه را در هم شکست و ضربه سنگینی به مشروعیت رژیم وارد کرد.

در حالی که اعتراضات خیابانی ممکن است پس از یک سرکوب خونین بطور موقت فروکش کرده باشد، تحریم اما نشان می‌دهد که جنبش آزادیخواهانه مردم ایران علیه رژیم وارد فاز جدیدی شده است. سرخوردگان از رژیم شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا» را جامه عمل پوشاندند و آن را به یک اقدام جمعی و نافرمانی مدنی مبدل کردند.

جنبش آنها علیه رژیم از خیابان‌ها به ماندن در خانه‌ها تبدیل شد. این اتفاق مهم بیانگر اعتدال جعلی پزشکیان نیست بلکه یک فرصت سیاسی برای غرب است.

خوانساری‌نیا در پایان تأکید می‌کند، غرب بجای اینکه انتخاب پزشکیان را فرصتی برای نزدیک شدن به یک رژیم تضعیف شده و نامشروع بداند، باید پیام آشکار مردم ایران را درک کند: «خود را مشغول مباحثات با جمهوری اسلامی نکنید، جمهوری اسلامی نماینده ما نیست. بجای آن با ما در ارتباط باشید».

با توجه به این موضوع، جامعه جهانی باید تمرکز خود را از نامزدهای از پیش انتخاب شده خامنه‌ای به جنبش گسترده‌تر برای آزادی در ایران تغییر دهد. تحریم بی‌سابقه گواهی بر تمایل مردم ایران برای تغییر واقعی است. حمایت از این جنبش به معنای تأیید حقانیت خواست‌های مردم و همبستگی با فراخوان آنها برای یک نظام سیاسی است که واقعاً دموکراتیک و نماینده مردم باشد.

معرفی پزشکیان به عنوان یک اصلاح‌طلب، دروغی است که خامنه‌ای و لابی او در غرب برای تقویت و نجات یک رژیم در حال غرق شدن ارائه می‌کند. او لایق توجه شما نیست، بلکه مردم شجاع ایران شایستگی این توجه را دارند.



مسعود پزشکیان

دبیر سیاست‌گذاری «نوفدی» معتقد است پزشکیان یک لیبرال اصلاح طلب یا روشنفکر نیست، بلکه او یک سرسپرده و نوکر رژیم است. با اینهمه ما در حال حاضر شاهد احیای «هیاهوهای رسانه‌ای» در خصوص توافق هسته‌ای غرب با جمهوری اسلامی هستیم که رئیس دولت جدید را به عنوان فردی که دارای تفاوت‌های سیاسی اساسی با رژیم حاکم است، معرفی می‌کند و این در حالیست که او نمی‌تواند بر خلاف سوگند التزام عملی به ولی‌فقیه و نظام، رفتار دیگری کند. درواقع او باز هم آب سردی روی آن نظریه مستهلک و قدیمی ریخته است.

پزشکیان با افتخار نقش خود را در ایجاد محدودیت برای زنان در همان ابتدای انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بازگو می‌کند و می‌گوید: «در زمان انقلاب، پوشش جدیدی را ابلاغ کردم... بحث حجاب هنوز پیش نیامده بود... گفتم، آنها باید با حجاب کامل بیایند... من این کار را در ده روز نخست انقلاب انجام دادم. انقلاب فرهنگی از اینجا شروع شد». به باور خوانساری‌نیا، این گفتار یک اصلاح‌طلب نیست، بلکه گفتار معمار سرکوب اجتماعی و سیاسی رژیم است.

پزشکیان برای افرادی که تمایل به نادیده گرفتن جنایات جمهوری اسلامی علیه ایرانیان دارند، اما همچنان امیدواری حداقلی به تغییر در سیاست خارجی تهران دارند نیز امیدی به همراه نخواهد داشت. تمجدید او از قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این ناامیدی را بیش از پیش تقویت می‌کند. وی با اعلام اینکه سردار سلیمانی مایه افتخار ایران بود، خود را با نماد سیاست خارجی جنایتکارانه رژیم همسو می‌کند.

بنابراین پزشکیان هیچ تغییری در تهران ایجاد نخواهد کرد. اما این «انتخابات» یک تغییر را در سیاست ایران برجسته کرد که قابل توجه است. حقیقت موضوع در این

● کامران خوانساری‌نیا دبیر سیاست‌گذاری «نوفدی» (اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران) معتقد است پزشکیان یک لیبرال اصلاح‌طلب یا روشنفکر نیست، بلکه او یک سرسپرده و نوکر رژیم است.

● «میلیون‌ها ایرانی این انتخابات را فرصتی برای نشان دادن نافرمانی مدنی عمومی از این رژیم می‌دانستند. آنها آن را نه انتخابات، بلکه «سیرک انتخابات» نامیدند که نامزدهای آن چیزی بیش از دلک‌های علی خامنه‌ای نبوده‌اند».

● «برگزاری انتخابات همواره دست‌مایه جمهوری اسلامی برای لاپوشانی دیکتاتوری وحشیانه خود به عنوان یک دموکراسی برای دنیا بوده است».

● «در حالی که اعتراضات خیابانی ممکن است پس از یک سرکوب خونین بطور موقت فروکش کرده باشد، تحریم اما نشان می‌دهد که جنبش مردم ایران علیه رژیم وارد مرحله جدیدی شده است. سرخوردگان از رژیم شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» را جامه عمل پوشاندند و آن را به یک اقدام جمعی و نافرمانی مدنی مبدل کردند».

● «معرفی پزشکیان به عنوان یک اصلاح‌طلب، دروغی است که خامنه‌ای و لابی او در غرب برای تقویت و نجات یک رژیم در حال غرق شدن ارائه می‌کند. او لایق توجه شما نیست، بلکه مردم شجاع ایران شایستگی این توجه را دارند».

کامران خوانساری‌نیا دبیر سیاست‌گذاری «نوفدی» (اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران) در مقاله‌ای که نهم ژوئیه (۱۹ تیرماه) در پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا منتشر شد عنوان کرد که مسعود پزشکیان که در رسانه‌های غربی وی را «میان‌رو» معرفی می‌کنند تابع محض علی خامنه‌ای است و تنها مأموریت وی تلاش برای نجات حکومت از سرنگونی است.

در مقدمه این مقاله آمده، تنها چند هفته پس از مرگ ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلی‌کوپتر در مناطق کوهستانی شمال غرب ایران، تمرکز رسانه‌های بین‌المللی به ریاست جمهوری اسلامی در ایران و ادعای تفاوت گزینه جدید آن، مسعود پزشکیان با سلف خود معطوف شده است. بسیاری از اخبار و تحلیل‌ها، پزشکیان را به عنوان یک «اصلاح‌طلب» یا «میان‌رو» معرفی کرده‌اند.

خوانساری‌نیا می‌نویسد، تجربه و سوابق نشان می‌دهد که او اینگونه نیست. منش و روش پزشکیان به دور از اینکه چراغی برای تغییر در ایران باشد، با وفاداری تزلزل‌ناپذیر به ولی‌فقیه و سیاست‌های افراطی جمهوری اسلامی تعریف شده است.

مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های عمومی پزشکیان جای چندانی برای ابهام باقی نمی‌گذارد. وی خطاب به کسانی که فکر می‌کنند ممکن است روند سیاسی تازه‌ای در ایران ایجاد کند، گفته است: «ما با توجه به روشن بودن سیاست‌های مقام معظم رهبری، قرار نیست سیاست‌های جدیدی را ارائه کنیم». تعهد و پیمان او به ولی‌فقیه و وضع موجود فقط سیاسی نیست. این برای پزشکیان یک موضوع شخصی و ذاتی است. وی در این ارتباط می‌گوید: «من به مقام معظم رهبری اعتقاد دارم. من او را دوست دارم».

مدیر اطلاعات ملی آمریکا: عوامل سایبری حکومت ایران به دنبال تحریک اعتراضات حمایتی از فلسطینی‌ها هستند



تظاهرات حامیان «آرمان‌های فلسطین» در آمریکا

کرده است تا واکنش خود را به حمله اسرائیل به غزه را طوری تنظیم کند که از درگیری مستقیم طولانی مدت بین دو کشور جلوگیری کند اما همچنان به دنبال تحمیل کردن هزینه به آمریکا و اسرائیل است.

درگیری در غزه باعث راه افتادن اعتراضات در سراسر ایالات متحده شد، به ویژه در دانشگاه‌ها، جایی که برخی از آمریکایی‌ها از میزان تلفات غیرنظامیان ناشی از حمله اسرائیل برای نابودی حماس ابراز نگرانی کردند اما بر اساس گزارش منابع آمریکایی و همینطور منابع امنیتی اروپا و بریتانیا عوامل جمهوری اسلامی به دنبال تحریک افراطی‌ها و به آشوب کشیدن اعتراضات است.

مقامات ایالات متحده از جمله هاینز با صراحت هشدار داده‌اند که حکومت ایران به شدت در اقدامات خود برای نفوذ حالت تهاجمی گرفته است.

در یک ارزیابی اطلاعاتی ایالات متحده که در دسامبر منتشر شد، آمده بود که رژیم ایران تلاش کرده در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۲ آمریکا مداخله کند.

سی‌ان‌ان پیش از این گزارش داده بود که چند عملیات که حکومت ایران آن را مدیریت کرده با کمک هوش مصنوعی به دنبال کمپین‌هایی برای انتشار محتوای دروغ برای تأثیرگذاری در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا بود.

روزنامه «نیویورک پست» اوایل اردیبهشت ۱۴۰۳ گزارش داد جُرج سوروس و همفکران چپ‌گرای افراطی او به همراه غول‌های وال‌استریت (شرکت‌های مالی) میلیون‌ها دلار برای تقویت اعتراضات خشونت‌بار ضداسرائیلی در دانشگاه‌های آمریکا خرج کرده‌اند.

به گزارش سی‌ان‌ان هاینز عنوان کرد، «عوامل مرتبط با ایران در پوشش فعالان فضای مجازی افراد را تحریک به شرکت در تجمعات حمایت از فلسطین می‌کنند و حتی از معترضان حمایت مالی کرده‌اند.»

مدیر اطلاعات ملی آمریکا در ادامه با اشاره به شهادت خود در کنگره آمریکا در اردیبهشت ماه در ارتباط با همین موضوع توضیح داد: «[حکومت] ایران بطور گسترده در تلاش برای نفوذ تهاجمی، ایجاد اختلاف و تضعیف اعتماد به نهادهای دموکراتیک ما است.»

او در این بیانیه به سوابق این قبیل اقدامات جمهوری اسلامی در گذشته در دوران برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده اشاره کرد و توضیح داد: «نیروهای سایبری جمهوری اسلامی با استفاده از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی و تهدید به فعالیت‌های سایبری و نفوذ خود ادامه می‌دهند و این احتمال وجود دارد که آنها در این تلاش‌ها با استفاده از سرویس‌های اطلاعاتی خود و همچنین اکانت‌های آنلاین مستقر در ایران که دنبال‌کننده‌های زیاد دارند به گسترش نفوذ خود ادامه دهند.»

این مقام امنیتی در ادامه افزود: «آمریکایی‌هایی که هدف این کارزار قرار می‌گیرند ممکن است ندانند که عوامل با یک دولت خارجی در مراد هستند و یا از آن حمایت می‌کنند. ما از همه آمریکایی‌ها می‌خواهیم که مراقب باشند زیرا با حساب‌ها و بازیگرانی که شخصاً آنها را نمی‌شناسند گرفتار می‌شوند.»

مقامات آمریکایی بر این باورند که حکومت ایران با وجود حمایت‌های قبلی خود از گروه تروریستی حماس، تلاش

● مدیر اطلاعات ملی آمریکا سه‌شنبه نهم ژوئیه ۱۹ تیرماه در بیانیه‌ای هشدار داد عوامل جمهوری اسلامی بطور مخفیانه با فرصت‌طلبی، به دنبال سوء استفاده از اعتراضات حامیان فلسطین در ایالات متحده هستند.

● آوریل هاینز تأکید کرد «عوامل مرتبط با جمهوری اسلامی در پوشش فعالان فضای مجازی افراد را تحریک به شرکت در تجمعات حمایت از فلسطین می‌کنند و حتی از معترضان حمایت مالی کرده‌اند.»

● مدیر اطلاعات ملی آمریکا در ادامه با اشاره به شهادت خود در کنگره آمریکا در اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ گفت: «[حکومت] ایران بطور گسترده در تلاش برای نفوذ تهاجمی و ایجاد اختلاف و تضعیف اعتماد به نهادهای دموکراتیک ما است.»

● وی با اشاره به اقدامات جمهوری اسلامی پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده توضیح داد: «نیروهای سایبری جمهوری اسلامی با استفاده از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی و تهدید به فعالیت‌های سایبری و نفوذ خود ادامه می‌دهند و این احتمال وجود دارد که آنها در این تلاش‌ها با استفاده از سرویس‌های اطلاعاتی خود و همچنین اکانت‌های آنلاین مستقر در ایران که دنبال‌کننده‌های زیاد دارند به گسترش نفوذ خود ادامه دهند.»

آوریل هاینز مدیر اطلاعات ملی آمریکا سه‌شنبه نهم ژوئیه ۱۹ تیرماه در بیانیه‌ای هشدار داد عوامل جمهوری اسلامی بطور مخفیانه با فرصت‌طلبی، به دنبال سوء استفاده از اعتراضات حامیان فلسطین در ایالات متحده هستند.

گمانه‌زنی‌ها درباره کابینه احتمالی پزشکیان اعمال نظر مستقیم رهبر جمهوری اسلامی



مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضاییه به رییس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.»

اعمال نظر علی خامنه‌ای در تعیین وزار در سال ۹۲ و هنگام تشکیل دولت حسن روحانی نیز مطرح شده بود. دفتر علی خامنه‌ای با انتشار متنی به این موضوع واکنش نشان داده و نوشته بود رهبر جمهوری اسلامی درباره «برخی وزارتخانه‌ها مثل علوم، آموزش و پرورش و ارشاد اسلامی» حساس است.

دفتر علی خامنه‌ای درباره این وزارتخانه‌ها توجیه کرده بود که «انحراف در آنها، موجب ایجاد انحراف در حرکت کلان کشور به سمت آرمان‌ها می‌شود و نگرهبانی و مراقبت در خصوص حرکت عمومی به سمت آرمانها وظیفه قطعی رهبری است.»

به این ترتیب علی خامنه‌ای دست‌کم درباره یک سوم از ۱۹ وزیر کابینه دولت نظر مستقیم خواهد داد. این در حالیست که اصلاح‌طلبان اکنون برای بستن فهرستی اصلاح‌طلب خیز برداشته‌اند.

محمدصادق جوادی حصار، سخنگوی حزب اعتماد ملی و فعال سیاسی اصلاح طلب در همین رابطه گفته «عادلانه نیست که جریان‌های منتقد آقای پزشکیان در دولت نقش بگیرند.»

حسین کنعانی مقدم فعال سیاسی اصولگرا اما معتقد است که «هیچ‌کس باید در کار نیست که آقای پزشکیان بخواهد در دولت خود از اصولگراها استفاده کند.»

و مدارکشان را بررسی می‌کنند و سپس در صحن علنی دفاع می‌کنند. احتمالاً معرفی کابینه به اوایل شهریورماه می‌کشد.»

گمانه‌زنی‌ها درباره ترکیب کابینه چهاردهم با رئیس دولت اصلاح‌طلب آغاز شده است. برخلاف انتظار برخی اصلاح‌طلبان به نظر نمی‌رسد علی خامنه‌ای اجازه چیدن کابینه‌ای صرفاً اصلاح‌طلب را به مسعود پزشکیان بدهد. برخی از اعضای کابینه که در رابطه با مسائل امنیتی و نظامی هستند مانند وزیر اطلاعات و وزیر دفاع معمولاً با نظر مستقیم علی خامنه‌ای تعیین می‌شوند.

هادی طحان نظیف که در حال حاضر سخنگوی شورای نگهبان را به عهده دارد، چند سال پیش در یک مصاحبه گفته بود انتخاب وزیر دو سه تا از وزارتخانه‌ها در هماهنگی با رهبر جمهوری اسلامی انجام می‌شود و افزوده بود «وزارتخانه‌هایی که به تعبیر من نوع امور آنها فراقوه‌ای است و یا آثار و اقتضات فراقوه‌ای دارد مثل وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات.»

او تأکید کرده بود این روند در قانون اساسی نیامده اما «هماهنگی رئیس جمهور با رهبری در انتخاب برخی از وزرا به یک عرف حقوق اساسی تبدیل شده است.» به گفته هادی طحان نظیف «قانون اساسی برای معرفی وزیر دادگستری، طریقه خاصی مشخص شده است که نظر رئیس قوه قضائیه در مورد وزیر دادگستری باید اخذ شود. این مورد در اصل ۱۶۰ قانون اساسی آمده «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضاییه با قوه

● برخلاف انتظار برخی اصلاح‌طلبان به نظر نمی‌رسد علی خامنه‌ای اجازه چیدن کابینه‌ای صرفاً اصلاح‌طلب را به مسعود پزشکیان بدهد.

● برخی معتقدند محمدجواد ظریف به عنوان وزیر امور خارجه و برخی معتقدند او به عنوان معاون اول مسعود پزشکیان در کابینه نقش خواهد گرفت.

● گمانه‌زنی‌های دیگری علی طیب‌نیا را به عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد یا معاون اول پزشکیان معرفی و عباس عراقچی را به عنوان وزیر پیشنهادی امور خارجه ارزیابی می‌کنند.

مراسم تحلیف مسعود پزشکیان به عنوان رئیس چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی قرار است کمتر از یک هفته دیگر برگزار شود. اصلاح‌طلبان در حالی خود را پیروز انتخابات نمایشی می‌دانند که برخی حدس و گمان‌ها کابینه دولت چهاردهم را در انحصار اصلاح‌طلبان ارزیابی می‌کنند و معتقدند علی خامنه‌ای کابینه‌ای ترکیبی را در نظر دارد.

مراسم تحلیف مسعود پزشکیان احتمالاً بین ۱۲ تا ۱۵ مرداد برگزار خواهد شد. علیرضا سلیمی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی با اعلام این خبر گفته بعد از تحلیف، طبق قانون، رئیس‌جمهور منتخب دو هفته فرصت دارد کابینه را معرفی کند.

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفته روند بررسی صلاحیت و برگزاری جلسات رأی اعتماد به اعضای کابینه در شهریورماه برگزار خواهد شد: «در این دو هفته، کمیسیون‌های مربوطه یک هفته برنامه‌های وزرا و توانایی

ادامه اختلافات انتخاباتی میان جناحین حکومت

تأکید دوباره خامنه‌ای به «تداوم راه رئیسی» با پزشکیان



محمدباقر قالیباف یا سعید جلیلی، یکی به سود دیگری انصراف نداد تا، به خیال آنها، مانع از پیروزی اصلاح‌طلبان شوند. این در حالیست که برای بیرون آوردن نام پزشکیان از صندوق از پیش تصمیم گرفته شده بود درست همانطور که در سال ۱۳۹۲ تصمیم بر این شد که حسن روحانی و ظریف برای معامله با غرب «نرمش قهرمانانه» و «صلح حسنی» را پیش ببرند که البته ناموفق ماند. وگرنه برای حکومتی که با وجود تحریم اکثریت مردم توانست آمار غیرواقعی را برای اعلام پیروزی پزشکیان بسازد، می‌توانست همان را برای جلیلی اعلام کند!

از سوی دیگر، برخی تسویه‌حساب‌های انتخاباتی نیز بلافاصله آغاز شده و محسن برهانی از مبلغان سازمانیافته‌ی مسعود پزشکیان بازداشت شده است.

چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی نه تنها بار دیگر فاصله عمیق میان مردم و حکومت را به نمایش گذاشت بلکه عاملی برای تشدید شکاف‌های میان جریان‌های حکومتی شده است. جناح اصولگرا که اکنون چند دسته شده با دو نامزد اصلی، محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی، در انتخابات حاضر شده بود.

تا ساعاتی پیش از برگزاری دور نخست انتخابات در هشتم تیرماه تلاش شد که بین سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف، یکی به سود دیگری کناره‌گیری کند تا همه آرای اصولگرایانی که در انتخابات شرکت می‌کردند تنها به یک نام به صندوق ریخته شود و شانس پیروزی این جناح را افزایش دهند؛ این تلاش‌ها اما ناکام ماند و در حالی که مجموع آرای

● در حالی که مجموع آرای اصولگرایان در دور نخست انتخابات از اصلاح‌طلبان بیشتر بود اما ظاهراً شکسته شدن آرا به نام دو نفر سبب عدم پیروزی آنها شد. این در حالیست که اگر تصمیم علی خامنه‌ای و نظام بر انتصاب جلیلی می‌بود، می‌توانستند آمارسازی را که برای بالا بردن نرخ مشارکت انجام دادند به سود او پیش ببرند! اما هدف رژیم روی پزشکیان و بازی دادن بقایای اصلاح‌طلبان در نهاد اجرایی نظام متمرکز بود و بر همین اساس نیز عمل کرد.

● درگیری‌های بین جناحی در حالی تشدید شده که در آنسوی ماجرا علی خامنه‌ای به دنبال ایجاد چارچوبی برای مسعود پزشکیان است که بتواند او نیز که خودش را پیشاپیش وفادار و ذوب در ولایت فقیه اعلام کرده، مانند ابراهیم رئیسی هدایت کند.

● مسعود پزشکیان هرچند به عنوان یک اصلاح‌طلب وارد رقابت‌های انتخابات چهاردهم شد اما یک اصولگرا و به شدت مدافقی و حامی رهبر جمهوری اسلامی است. او در حالی که خود را مطیع سیاست‌های رهبر می‌داند، سخنان مشاوران اصلاح‌طلب‌اش را برای حمایت از برداشته شدت تحریم‌ها و لزوم مذاکره تکرار می‌کند تا به این شکل پایگاه اجتماعی این جریان رژیم را برای توازن بین «دو بال نظام» ترمیم کند.

اختلافات انتخاباتی میان جناحین حکومت همچنان ادامه دارد؛ جریان‌ات اصولگر از یکسو با جناح راه یافته به پاس‌تور اختلاف دارند و از سوی دیگر همچنان دلخور از اینکه چرا

طبیعتاً ایشان به دنبال وزارتی خواهد بود که هم خط، هم‌فکر و هم‌کار خودش باشند. احتمالاً ایشان وزارتی می‌خواهند که اهل تبعیت کردن باشند.»

حسین کنعانی مقدم افزوده که «درباره پست‌های کلیدی که باید حتماً نظر مقام رهبری روی آنها گرفته شود، شرایط متفاوت است. درباره وزارت اطلاعات، وزارت دفاع یا وزارتخانه‌هایی که کارشان با کار امنیتی و نظامی سر و کار دارد، رایزنی با رهبری انجام خواهد شد و درباره این وزارتخانه‌ها هم بعید می‌دانم آقای پزشکیان چندان کار سختی را پیش رو داشته باشد. در خصوص سایر وزرا نیز قطعاً در شرایط فعلی کشور، وزیر کشور، وزیر امور خارجه و وزرای اقتصادی و رئیس بانک مرکزی نیز باید با احتیاط و حساسیت بالایی انتخاب شوند تا هر چه سریعتر کشور را از بلاتکلیفی نجات دهند.»

این فعال اصولگرا همچنین از وجود یک دولت در سایه خبر داده و گفته «بسیار خوشبینانه است که تصور کنیم آقای پزشکیان از نزدیکان آقای جلیلی یا اصولگرایان نزدیک به طیف ایشان شخصی را به کابینه خود دعوت کند یا بخواهد با این طیف ائتلاف کند. از روز اول دیدیم که آقای پزشکیان با آقایان ظریف، روحانی و جهانگیری و امثالهم نزدیک بودند و آنها در ستاد آقای پزشکیان فعالیت زیادی داشتند؛ بنابراین حضور این افراد نشان می‌دهد که آقای پزشکیان یک دولت در سایه دارد که خواه ناخواه باید در چارچوب خواسته‌های آنان عمل کند.»

محمدجواد ظریف مهمترین و اصلی‌ترین نقش را در دوران تبلیغات انتخاباتی بر عهده داشت تا توجه افکار عمومی را به مسعود پزشکیان جلب کند. نقش‌آفرینی محوری محمدجواد ظریف او را به عنوان نامزد نیابتی علی خامنه‌ای برای بالا بردن مشارکت در انتخابات مطرح کرده بود.

اکنون برخی معتقدند محمدجواد ظریف به عنوان وزیر امور خارجه و برخی معتقدند او به عنوان معاون اول مسعود پزشکیان در کابینه نقش خواهد گرفت.

جلال ساداتیان دبیرکل پیشین جمهوری اسلامی در انگلستان در اینبار گفته «آقای پزشکیان در مبارزه‌های انتخاباتی با تیمی همراه بود که به نظر می‌رسید مخالف تحریم‌ها هستند و آقای دکتر ظریف هم اگر خود وزیر خارجه نباشد، معمار روابط خارجی در دولت آقای پزشکیان خواهد بود. این موضوع را می‌توان با جزئیات و با اطمینان رسانه‌ای کرد و باید دید طرفین در ایران و آمریکا چگونه روابط را پیش خواهند برد.

وبسایت «تجارت نیوز» نیز علی‌طیّب‌نیا، اقتصاددان و وزیر اقتصاد دولت نخست حسن روحانی، را به عنوان یکی از جدی‌ترین گزینه‌ها برای معاون اولی دولت چهاردهم معرفی کرده است.

«تجارت نیوز» نوشته معاون اول رئیس‌جمهوری، نقش زیادی در سمت و سوی اقتصادی دولت دارد که بعضاً از این جایگاه به عنوان فرمانده اقتصادی نیز نام می‌برند. این گزارش همچنین بر پایه «برخی شنیده‌ها» نوشته که «عباس عراقچی، معاون ظریف در دولت روحانی، محتمل‌ترین گزینه وزارت امور خارجه دولت پزشکیان است.»

محمدجواد ظریف خودش درباره اینکه آیا در دولت پزشکیان پُست خواهد گرفت یا نه به وبسایت «فرارو» گفته «من به خاطر نگرانی از آینده ایران وارد عرصه انتخابات و حمایت از آقای پزشکیان شدم نه اینکه در دولت و برای کسب پست حضور پیدا کنم و آماده‌ام که در صورت لزوم و درخواست آقای پزشکیان به این مشورت‌ها و همکاری‌ها ادامه دهم.»

مرحله دیگری از جنگ قدرت در جمهوری اسلامی؛ عزل و نصب مدیران دولتی در آخرین روزهای فعالیت دولت سیزدهم

● مسعود پزشکیان در نامه‌ای به محمد مخبر دزفولی سرپرست ریاست جمهوری اسلامی خواستار آن شد که تا زمان رسمی شدن ریاست جمهوری خود و روی کار آمدن دولت جدید، دولت سیزدهم از «عزل و نصب» و هرگونه «استخدام» افراد جدید خودداری کند.

● یکی از اعضای ستاد مسعود پزشکیان خبر داده دو مدیر به دلیل طرفداری از پزشکیان در زمان انتخابات عزل شده‌اند.

● اینهمه بیانگر اختلافاتی است که با فعالیت مسعود پزشکیان و روی کار آوردن یک دولت ظاهراً اصلاح طلب و احتمالاً با اعضای تیم دو دولت حسن روحانی، قرار است در بدنه جمهوری اسلامی تشدید شود. به ویژه آنکه کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در اختیار اصولگرایانی است که آنها نیز با هم اختلافاتی دارند که با انتخابات نمایشی اخیر گسترش یافته است.

جنگ قدرت میان جناحین و جریان‌های حکومتی پس از انتخابات نمایشی و انتصاب مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت چهاردهم بالا گرفته است. نزدیکان مسعود پزشکیان معتقدند است دولت سیزدهم به صورت غیرقانونی در حال عزل و نصب گسترده مدیران در بدنه دولت و ایجاد آرایشی جدید پیش از تشکیل دولت جدید است.

مسعود پزشکیان در نامه‌ای به محمد مخبر دزفولی سرپرست ریاست جمهوری اسلامی که پس از کشته شدن ابراهیم رئیسی (۳۰ اردیبهشت) مسئولیت این نهاد را بر عهده گرفت، خواستار آن شد که تا زمان رسمی شدن ریاست جمهوری خود و روی کار آمدن دولت جدید، دولت سیزدهم از «عزل و نصب» و هرگونه «استخدام» افراد جدید خودداری کند.

پزشکیان نوشته «جز انجام امور متعارف و پرداخت‌های جاری، از عقد و یا عملیاتی کردن قراردادهای جدید و یا ایجاد هرگونه تعهد به هر شکل (از جمله صدور احکام اداری و تعهدآور) و همچنین عزل و نصب افراد و هر نوع استخدام یا به کارگیری نیروی جدید به هر شکل خودداری شود.»

او افزوده که «در موارد اجتناب‌ناپذیر» هر یک از این امور با کسب مجوز کتبی از محمد مخبر صورت بگیرد.

در پایان این نامه آمده که «مصوبات هیئت وزیران سیزدهم که دارای بار و یا آثار مالی بوده و تا کنون ابلاغ نشده پس از هماهنگی با اینجانب ابلاغ شود.»

با برخی از اعضای شورای شهر است. مرور پاسخ‌های او به انتقادات نشان می‌دهد، اولین واکنش او انکار است سپس دادن جواب‌های مبهم. اما علاقه او بیشتر به تمسخر کردن حرف‌هایی است که چندان به مذاقش خوش نمی‌آید.

از سوی دیگر محسن برهانی حقوقدان و استاد دانشگاه تهران که از جمله نیروهای سازمانیافته تبلیغاتی مسعود پزشکیان با تمرکز بر شبکه «ایکس» بود نیز یک روز پس از اعلام نتیجه نهایی انتخابات بازداشت شد.

رسانه قوه قضاییه اعلام کرده که محسن برهانی که پیشتر در فرآیند رسیدگی به یک پرونده قضایی در محاکم قضایی محکوم و حکم وی قطعی شده بود برای اجرای حکم قانونی دادگاه، احضار و به زندان معرفی شده است.

برهانی که چند هفته به شکل شبانه‌روزی و با توسل به هر ترفندی از مسعود پزشکیان حمایت و مردم را تشویق به شرکت در انتخابات می‌کرد چند روز پیش از بازداشت در شبکه «ایکس» نوشت: «با توجه به صدور حکم قطعی از سوی دادگاه تجدید نظر، بحمدالله اخراج اینجانب از دانشگاه تهران منتفی شده است و رفع تعلیق هم منوط به برخی تصمیمات اداری است. این مطلب را عرض کردم تا بدانید که برای بازگشت به دانشگاه از دکتر پزشکیان دفاع نمی‌کنم و هیچ منفعت شخصی ندارم.»

اینهمه در حالیست که نام محسن برهانی در اعتراضات جنبش ملی ۴۰۱ ناگهان مطرح شد. این استاد حقوق دانشگاه تهران با توثیبات تند از برخی اقدامات حکومت انتقاد می‌کرد و در شکل و شمایل طرفدار آزادی‌ها و حقوق مردم ظاهراً شده بود. چند ماه پس از اعتراضات خبر اخراج او از دانشگاه تهران منتشر شد؛ موضوعی که خودش به اعتراضات ارتباط می‌داد و برخی می‌گفتند بر اساس قوانین استخدامی دانشگاه رخ داده است. حالا خودش قبل از اعلام نتایج نمایش انتخابات اعلام کرد که اخراج‌اش منتفی شده و بعد از اعلام نتایج هم برای اجرای حکم قطعی بازداشت شد.

درگیری‌های بین جناحی در حالی تشدید شده که در آنسوی ماجرا علی خامنه‌ای به دنبال ایجاد چارچوبی برای مسعود پزشکیان است که بتواند او نیز که خودش را پیشاپیش وفادار و ذوب در ولایت فقیه اعلام کرده، مانند ابراهیم رئیسی هدایت کند.

در همین رابطه نخستین ضرب شست را یک روز پس از پیروزی به مسعود پزشکیان نشان داد؛ زمانی که پزشکیان برای دیدار و شرکت در میزگردی با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی آماده می‌شد، با خواست خامنه‌ای همزمان دیداری میان او و پزشکیان تنظیم و برنامه کنفرانس خبری لغو شد.

رهبر جمهوری اسلامی همچنین در پیامی که پس از اعلام نتیجه نهایی انتخابات داد، تأکید کرد که مسعود پزشکیان باید مسیر ابراهیم رئیسی را ادامه دهد. او همچنین روز گذشته در دیدار با محمد مخبر دزفولی سرپرست نهاد ریاست جمهوری و اعضای هیأت دولت سیزدهم گفت رئیس جمهور جدید باید «الگوی مدیریتی» ابراهیم رئیسی را دنبال کند.

او در بخش دیگری از سخنانش گفت دولت رئیسی دولت «کار، امید و حرکت» در بخش‌های داخلی و خارجی بود. وی افزود که رئیسی «دو پهلو حرف نمی‌زد».

مسعود پزشکیان هرچند به عنوان یک اصلاح طلب وارد رقابت‌های انتخابات چهاردهم شد اما یک اصولگرا و به شدت مدافع و حامی رهبر جمهوری اسلامی است. او در حالی که خود را مطیع سیاست‌های رهبر می‌داند، سخنان مشاوران اصلاح طلب‌اش را برای حمایت از برداشته شدت تحریم‌ها و لزوم مذاکره تکرار می‌کند تا به این شکل پایگاه اجتماعی این جریان رژیم را برای توازن بین «دو بال نظام» ترمیم کند.

اصولگرایان در دور نخست انتخابات از اصلاح طلبان بیشتر بود اما ظاهراً شکسته شدن آرا به نام دو نفر سبب عدم پیروزی آنها شد. این در حالیست که اگر تصمیم علی خامنه‌ای و نظام بر انتصاب جلیلی می‌بود، می‌توانستند آمارسازی را که برای بالا بردن نرخ مشارکت انجام دادند به سود او پیش ببرند! اما هدف رژیم روی پزشکیان و بازی دادن بقایای اصلاح طلبان در نهاد اجرایی نظام متمرکز بود و بر همین اساس نیز عمل کرد.

در دور دوم انتخابات نیز اصلاح طلبان با چراغ سبز علی خامنه‌ای و تلاش‌های چهره‌هایی چون محمدجواد ظریف و محمدجواد آذری جهرمی و شماری از دیگر «خودی‌ها» توانستند با سیاست «رقیب‌هراسی» آرای بیشتری به دست بیاورند. در روزهای گذشته و همزمان با پایان نمایش انتخابات، اختلافات میان جناحین تشدید شده است. در مجلس شورای اسلامی به ریاست محمدباقر قالیباف، طرفداران جلیلی با طرفداران قالیباف دچار تنش هستند. از دو روز پس از برگزاری نخستین دور انتخابات روابط عمومی مجلس با انتشار اطلاعیه‌ای از عدم برگزاری جلسه علنی مجلس به مدت یک هفته خبر داد.

این در حالیست که «یک هفته بعد» با تعطیلی مجلس به بهانه «هفته حضور در حوزه‌های انتخابیه» همراه و هفته آینده نیز به دلیل تعطیلات تاسوعا و عاشورا تعطیلات دیگری در پی است و در عمل جلسات صحن علنی به مدت سه هفته تعطیل شده است. موضوعی که رسانه‌های داخلی از آن به عنوان «پس‌لرزه» انتخابات یاد کرده‌اند.

از سوی دیگر حامیان مسعود پزشکیان که به نظر می‌رسد از علیرضا زاکانی شهردار تهران و نامزد اصولگرای انتخابات که پس از مناظره‌های تلویزیونی انصراف داد به شدت عصبانی هستند، پس از اعلام پیروزی پزشکیان به تخریب زاکانی پرداخته‌اند. آنها همچنین مردم را تشویق می‌کنند کارزاری را که از فرودین امسال برای برکناری وی به راه افتاده و تا شهریورماه ادامه دارد امضا کنند.

علیرضا زاکانی در مناظره‌های تلویزیونی حملات زیادی به مسعود پزشکیان و اصلاح طلبان کرده بود. روزنامه «سازندگی» از رسانه‌های اصلاح طلب و حامی مسعود پزشکیان نوشته «با حضور شهردار تهران در چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری، ماجرای ساخت و ساز در پارک‌ها و بوستان‌های پایتخت به فراموشی سپرده شد اما حالا بعد از کناره‌گیری زاکانی از انتخابات و انتخاب مسعود پزشکیان به عنوان منتخب مردم یکبار دیگر این کارزار مورد توجه قرار گرفته است!»

در ادامه اما روزنامه «سازندگی» به علت اصلی مواضع اصلاح طلبان درباره زاکانی چنین اشاره می‌کند: «ادبیات تند و تیز زاکانی در برابر برخی از منتقدان هم نکته تازه‌ای نیست. لحن بیان او در مناظره‌های انتخابی دوره گذشته و نحوه پاسخگویی او هنوز هم گاهی از سوی منتقدانش در فضای مجازی یادآوری می‌شود. زاکانی در واکنش به انتقاد مدیران و تصمیم‌گیران سابق شهرداری هم از همین ادبیات استفاده می‌کند. از پیشنهاد دوچرخه زدن در سایه به پیروز حناچی تا پاسخ به انتقاد محسن هاشمی از تراموا که سال‌ها مدیریت متروی تهران را بر عهده داشت و گفت این جملات خطاب به وی که آدم چیزی را که بلد نیست نباید بگوید چون مجبور نیست، حرف بزند!»

«سازندگی» نوشته «زاکانی حتی مراعات منتقدان کنونی‌اش در میان اعضای شورای شهر را هم نمی‌کند. بگم بگم‌های او درباره آمار اتوبوس‌های فعال در تهران در دوره محمدباقر قالیباف در صحن شورا و اینکه قرار به گفتن باشد او هم آمارها را می‌گوید، تنها یکی از بگومگوهای او

وزیر اقتصاد تأکید کرده که «بر اساس این ابلاغیه، تمامی دستگاه‌های اجرایی موظفند تا زمان استقرار دولت چهاردهم از هرگونه تغییر در ساختارهای سازمانی، جابه‌جایی نیروی انسانی و نقل و انتقال اموال دولتی، اعمال آیین‌نامه جدید، تغییر در تعرفه‌ها و عوارض و هرگونه اقدامات خارج از ضوابط و مقررات، خودداری کنند.»

فرودگاهی دفتر مرکزی ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان در نامه‌ای به وی که تصویر آن در رسانه‌های داخلی منتشر شده نوشته که رضا نخجوانی مدیرعامل شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران با نادیده گرفتن بخشنامه محمد مخبر سرپرست ریاست جمهوری دو معاونت شرکت را که طرفدار مسعود پزشکیان بوده‌اند عزل کرده است.

پس از روی کار آوردن مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت چهاردهم، حامیان وی مدعی استخدام‌های گسترده در فاصله برگزاری رأی‌گیری تا روی کار آمدن دولت چهاردهم شدند و در اینباره ابراز نگرانی کردند. حمیده زرآبادی سخنگوی ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان در پستی در شبکه اجتماعی ایکس، با اشاره به بخشنامه



حامیان پزشکیان اما ادعای مقامات دولتی درباره توقف عزل و نصب مدیران را رد می‌کنند و می‌گویند که برای نمونه دو روز پیش احمد وحیدی وزیر کشور طی حکمی مهدی جعفری را به سمت معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری خراسان جنوبی منصوب کرد.

در ادامه این نامه آمده که «این موضوع مورد اعتراض سازمان بازرسی کل کشور و همچنین اعضای هیئت مدیره شرکت مبنی بر لغو ابلاغ‌های صادره گردید ولی نامبرده هیچگونه تمکینی بر حاکمیت مقررات و قوانین مربوطه نداشته و مجدداً نسبت به انتصاب افراد مورد نظر بدون توجه به تأکید جنابعالی به معاون اول و همچنین بدون توجه به نامه سازمان بازرسی کل کشور اقدام نموده است.»

مهم محمد مخبر دزفولی به کلیه دستگاه‌های اجرایی درباره عدم تغییر و جابجایی در ساختارهای سازمانی و جابجایی نیروی انسانی، نوشته بود: «علیرغم صدور بخشنامه به تمامی دستگاه‌های اجرایی مبنی بر خودداری از هرگونه تغییر در ساختارهای سازمانی، جابه‌جایی نیروی انسانی ... تا استقرار دولت چهاردهم، گزارش‌های واصله از صدور

خواستند است دستور فرمایید به منظور پرهیز از قانون شکنی و بی‌نظمی و هرج و مرج اداری نسبت به لغو احکام صادره و بازگشت افراد به جایگاه شغلی خودشان تا استقرار دولت جدید اقدام لازم عمل آورند.»

در پایان نامه از رئیس جمهور منتخب خواسته شد «خواهشمند است دستور فرمایید به منظور پرهیز از قانون شکنی و بی‌نظمی و هرج و مرج اداری نسبت به لغو احکام صادره و بازگشت افراد به جایگاه شغلی خودشان تا استقرار دولت جدید اقدام لازم به عمل آورند.»

و... تا استقرار دولت چهاردهم، گزارش‌های واصله از صدور احکام صادره و بازگشت افراد به جایگاه شغلی خودشان تا استقرار دولت جدید اقدام لازم به عمل آورند.»

نامه مسعود پزشکیان به محمد مخبر دزفولی بر اساس تصویر منتشرشده از آن، در ۱۸ تیرماه صادر اما در نوزدهم تیرماه رسانه‌ای شده است. همزمان اما برخی رسانه‌های داخلی نیز نوشته‌اند محمد مخبر پیشتر نامه‌ای با محتوای مشابه به سازمان‌های دولتی ابلاغ کرده بود.

روزنامه «همشهری» تصویر نامه مخبر را منتشر کرد که تاریخ آن مربوط به ۱۲ خردادماه امسال است و در آن مخبر از دستگاه‌های اجرایی خواسته از هرگونه تغییر در ساختارهای سازمانی، جابجایی نیروی انسانی و نقل و انتقال اموال دولتی تا زمان استقرار دولت چهاردهم اجتناب کنند.

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم نیز در واکنش به ادعای عزل و نصب مدیران دولتی از سوی حامیان پزشکیان گفته «با توجه به قانون بودجه و تعیین ردیف بودجه هر دستگاه و در نظر گرفتن این مسئله که تک‌تک حکم‌ها و اقدامات از قبل در بودجه مشخص شده کسی نمی‌تواند ریالی بیشتر اختصاص دهد.»

خاندوزی افزوده «در خصوص صدور احکام نیز دکتر مخبر ابلاغیه‌ای صادر کرد که تا زمان واگذاری امور به دولت چهاردهم در احکام صادره باید الزامات قانونی رعایت شود.»

محمد صادق دستفروشان رئیس کمیته هوانوردی و

محمد صادق دستفروشان رئیس کمیته هوانوردی و

احکام بی‌رویه، بدون ضابطه و خلاف بخش‌نامه مذکور در دستگاه‌های اجرایی و زیرمجموعه‌های آن خبر می‌دهد.» در آنسو یکی از اعضای ستاد مسعود پزشکیان خبر داده دو مدیر به دلیل طرفداری از پزشکیان در زمان انتخابات عزل شده‌اند.

محمد صادق دستفروشان رئیس کمیته هوانوردی و

محمد صادق دستفروشان رئیس کمیته هوانوردی و

بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران با استناد به مجله «اشپیگل» - (بخش ۷)

بازنشر



الاهه بقراط

ویژه اروپا در ارتباط با ایران باشد، علاوه بر منابع دیگر از آرشیو مستندات و مطالب خود «اشپیگل» از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ (دوران اصلاحات و دولت اول احمدی نژاد) استفاده شده است.
این گزارش مفصل اکنون پس از ۱۶ سال به مناسبت مصاحبه اخیر «اشپیگل» با شاهزاده رضا پهلوی که با عنوان «بله، من خواهان یک انقلاب هستم» منتشر شد، در چند شماره کیهان هفته بازنشر می‌شود.

این گزارش تحقیقی در پاییز ۲۰۰۸/۱۳۸۷ منتشر شد. روی جلد مجله «اشپیگل» با عکس شاه جوان که در این گزارش آمده مربوط به شماره ۳۴ این هفته‌نامه آلمانی به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ درست یکسال پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که یکی از خوانندگان کیهان لندن سال‌ها پیش از آن از کتابخانه شخصی خود به نویسنده هدیه کرده بود.
در تهیه این گزارش که می‌تواند نمونه‌ای از برخورد رسانه‌های غرب به

بخش هفتم

به گزارش خبرگزاری‌های آلمان، شرکت‌های آلمانی نقش بزرگی در قاچاق تکنولوژی هسته‌ای به ایران بازی می‌کنند. در تاریخ دوم دسامبر ۲۰۰۲ دادستانی شهر اشتوتگارت علیه چند شرکت از ایالت بادن وورتمبرگ و هم چنین چند شرکت ایرانی شکایت می‌کند. براساس شکایت دادستانی یادشده، این شرکت‌ها در معاملات اتمی غیرقانونی دست داشته‌اند.
همزمان آمریکا تلاش می‌کند اسناد مربوط به فعالیت‌های اتمی ایران را طبقه بندی کند. در اتحادیه اروپا، وزرای خارجه آلمان، فرانسه و انگلیس (فیشر، ویلین و استراو) سعی می‌کنند با پیشبرد مذاکرات اتمی، راه حل بحران بعدی در خلیج فارس را تنها بر عهده آمریکا نگذارند. این وزرای خارجه حتی با یکدیگر به تهران سفر می‌کنند تا با تأثیرگذاری بر رژیم تهران، درگیری اتمی‌را در مسیر دیگری هدایت کنند (اشپیگل ۱۳ اکتبر ۲۰۰۳).

در اینجا نیز گذشت زمان نقش بزرگی بازی می‌کند. هرگاه برنامه اتمی رژیم ایران در رابطه با جوانب سیاسی و مذهبی «حکومت الله» در نظر گرفته شود، آنگاه خیلی پیش از این می‌شد دریافت که تلاش تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه، انگلیس) محکوم به شکست است. در طی هفت سال اخیر، رژیم ایران به اندازه کافی وقت به دست آورد تا برنامه اتمی خود را پیش برد. رئیس پیشین هیئت مذاکره کننده رژیم ایران، حجت الاسلام حسن روحانی، پس از آنکه دور دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی به پایان رسید، در یک گفتگو در پاسخ به رقبای سیاسی و در توجیه اینکه دولت‌های خاتمی در پیشبرد برنامه اتمی هیچگونه کوتاهی نورزیده‌اند، اعتراف کرد که این وقت برای آنها بسیار ارزشمند بوده است و هیئت ایرانی توانست در این مدت بسیاری از اطلاعات اتمی‌را مخفی نگاه دارد. و این در حالی است که وزرای خارجه سه کشور اروپایی به نقش خود چنان اطمینان داشتند که نسبت به اسنادی که از سوی این هیئت در اختیار آنها قرار گرفته بود و در آنها نشان داده می‌شد که رژیم ایران قصد دارد غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد، به شدت ابراز خوشحالی می‌کردند. آنها برای اینکه این همکاری تهران را جبران کنند به آنها قول دادند استفاده صلح آمیز ایران از تأسیسات اتمی‌را خواهند پذیرفت. این همه در پاییز ۲۰۰۳ اتفاق افتاد یعنی درست در زمانی که اولتیماتوم سازمان بین‌المللی انرژی اتمی به پایان می‌رسید.

بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دادند هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه ایران می‌خواهد سلاح اتمی تولید کند، وجود ندارد ولی در عین حال همین بازرسی‌ها تأکید می‌کردند ایران برنامه اتمی خود را مدتها مخفی نگاه داشته بود.

ایران پس از ماه‌ها درگیری، در دسامبر ۲۰۰۳ پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاح‌های کشتار همگانی (ان پی تی) را امضا کرد. این پروتکل به آژانس بین‌المللی انرژی



اتمی این امکان را می‌داد که بازرسی‌های خود را بر روی تأسیسات اتمی ایران گسترش دهد (۱۸ دسامبر ۲۰۰۳).
در همین زمان معمر قذافی رهبر کشور لیبی از برنامه‌های اتمی خود چشم می‌پوشد و اعلام می‌دارد سازمان ملل می‌تواند تمامی تأسیسات این کشور را بازرسی کند. قذافی نه تنها حاضر است زرادخانه‌های تسلیحاتی خود را به تماشای جهان بگذارد، بلکه حتی خواهان آن است که بقیه کشورها نیز از وی پیروی کرده و مانند او رفتار کنند (۲۳ دسامبر ۲۰۰۳).

رژیم ایران در کنار برنامه اتمی، به تولید موشک‌هایی با برد دو هزار کیلومتر می‌پردازد. برنامه‌های موشکی توسط علی اکبر رفسنجانی، رئیس جمهوری اسلامی پیشین، اعلام می‌شود. رفسنجانی تا امروز منظور زمان تهیه این گزارش تحقیقی است [امید سیاستمداران و رسانه‌های آلمانی به شمار می‌رود. رفسنجانی تأکید می‌کند این موشک‌ها می‌توانند نقاطی در اسرائیل و جنوب شرقی اروپا را مورد هدف قرار دهند (۰۵ اکتبر ۲۰۰۴). آنچه چندی بعد بعد احمدی نژاد درباره نابودی اسرائیل بر زبان آورد، تنها یک ترجمه روشن از زبان سیاسی زمامداران قدرت در ایران بود. و اما گفتگوهای وزرای خارجه سه کشور اروپایی با تهران به کجا رسید؟ اشپیگل آنلاین می‌نویسد: «دولت تهران اطلاع می‌دهد کار غنی سازی چندین تن اورانیوم آغاز شده است»

(۰۷ اکتبر ۲۰۰۴).
همزمان «آخرین دقیقه» درگیری اتمی نیز در اکتبر ۲۰۰۴ آغاز می‌شود. اشپیگل می‌نویسد: «اتحادیه اروپا برنامه‌ای در دست دارد تا درگیری اتمی‌با ایران را در آخرین دقیقه به کناری نهد. قرار است روز جمعه موافقت آمریکا درباره این برنامه جلب شود. با این همه طرح تحریم علیه ایران نیز همچنان در دستور کار است» (۱۳ اکتبر ۲۰۰۴).
ولی رژیم اسلامی همچنان سرسختی به خرج می‌دهد و حاضر نیست از غنی سازی اورانیوم چشم ببندد. به این ترتیب آیت الله‌ها آخرین پیشنهاد توافق از سوی آلمان، فرانسه و بریتانیای کبیر را رد می‌کنند و به این ترتیب گام در راه خطرناک تشدید درگیری می‌نهند (۱۷ اکتبر ۲۰۰۴).
اما آن «آخرین دقیقه» که اشپیگل از آن سخن می‌گفت، همچنان ادامه یافت. شورای امنیت سازمان ملل در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۷۳۷ را تصویب کرد و یک مهلت دو ماهه به رژیم ایران داد. سه ماه بعد قطعنامه ۱۷۴۷ در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ به تصویب رسید که در آن تنبیهات شدیدتری علیه رژیم ایران در نظر گرفته شد. بر روی قطعنامه سوم که در راه است، کار می‌شود [در زمان تهیه این گزارش هنوز این قطعنامه تصویب نشده بود. قطعنامه یادشده به شماره ۱۸۰۳ در سوم مارس ۲۰۰۸ به تصویب رسید].

گزارش‌های مربوط به «ادامه مذاکره- ادامه غنی سازی» بر همه مشکلات مردم ایران سایه می‌افکند. رسانه‌ها تنها درباره برنامه اتمی گزارش می‌دهند. خبررسانی در آلمان خود را بر روی برنامه اتمی متمرکز کرده است. و این در حالیست که رژیم ملایان برنامه هسته‌ای خود را بی‌اعتنا به جهان به پیش می‌برد و جهان نیز خود را برای یک برخورد جدی آماده می‌سازد.

در این میان، تهران تلاش می‌کند افکار عمومی جهان را با عوام فریبی به سوی خود جلب نماید. اشپیگل می‌نویسد: «ایران درهای تأسیسات اتمی‌را به روی جهانگردان باز می‌کند. بنا به دستور رئیس جمهوری ایران، جهانگردان خارجی می‌توانند از تأسیسات اتمی ایران بازدید کنند» (۰۴ اکتبر ۲۰۰۶).

در کجای جهان می‌توان توریستی را یافت که بخواهد مرخصی خود را در تأسیسات اتمی بگذراند؟! روشن است هیچ «جهانگرد خارجی» علاقه‌ای به تأسیسات اتمی ندارد بخصوص اگر این تأسیسات در جمهوری اسلامی قرار گرفته باشند. از سوی دیگر، در پس گزارش‌هایی که درباره برنامه اتمی پخش می‌شوند، خبرهای مربوط به امکان بروز یک جنگ قوت می‌گیرند. جنگی که درواقع از مدتها پیش آغاز شده است، بدون آنکه واقعا آغاز شده باشد.

پس از جنگ عراق، شایعات مربوط به یک حمله پیشگیرانه علیه برنامه‌های اتمی ایران بیش از پیش به ←

رَبوده بودند» (۰۶ نوامبر ۲۰۰۶).

درباره چه چیز گزارش داده نمی‌شود و یا کمتر گزارش داده می‌شود؟

بطور متناوب دوره‌هایی وجود دارد که در آنها بطور مشروح درباره زیرپا نهادن حقوق بشر گزارش داده می‌شود. دوره‌هایی نیز وجود دارد که در آنها با وجود سرکوب خشن، حتی یک کلمه حرف هم درباره اش زده نمی‌شود. برای مثال به هنگام اعدام‌های گروهی در دهه هشتاد میلادی که هیچ کس نمی‌تواند انکارشان کند، و یا درباره فتوای قتل سلمان رشدی و عملیات تروریستی میکونوس در دهه نود می‌توان گزارش‌هایی را دید.

به هنگام ریاست جمهوری محمد خاتمی درباره جنبش دانشجویی گزارش داده می‌شود چرا که سیاستمداران و کارشناسان غربی گمان می‌کردند چنین جنبش‌هایی سبب تقویت «اصلاحات» می‌شوند. اما به محض اینکه معلوم شد



که خود «اصلاح طلبان» مخالف جنبش‌هایی هستند که سرخ اش در دست آنها نباشد و دانشجویان و زنان را خطری علیه جمهوری اسلامی به شمار می‌آورند، قاب‌های (فریم) ژورنالیستی در رابطه با رویدادهای مشابه دوباره محدودتر می‌شوند بطوری که در پایان تنها «اصلاح طلبان» باقی می‌مانند که در دوران آنها آلمان به دومین شریک اقتصادی جمهوری اسلامی تبدیل شد.

در همین زمان بسیاری از ژورنالیست‌های آلمان کشف کردند که آزادی، دموکراسی و حقوق بشر نیز می‌توانند «نسبی» باشند. آدم باید «فرهنگ‌های دیگر» را و «سنت‌ها» را درک کند و احترام بگذارد و حتی بپذیرد، البته تنها در صورتی که همه این «دگرباشی‌ها» کاملاً دور از ما باشند و شامل ما در آلمان نشوند. از همین رو، نقض حقوق بشر و سرکوب اجتماعی و سیاسی از زاویه دیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد. تو گویی این همه سنت و فرهنگ ایرانیان است و به همین دلیل توجیه مقبول می‌یابد.

بر همین اساس، در دوران «اصلاحات» آلمان خواب «کرانه‌های نو» را می‌بیند («دیدار خاتمی: به سوی کرانه‌های نو» ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۰). کرانه‌هایی که تنها با سرمایه و پول می‌توان به آنها رسید و مطلقاً اجازه «دخالت در امور کشورهای دیگر» را به ویژه در زمینه حقوق بشر ←

دهی می‌کنند.

رد پای فعالیت‌های تروریستی رژیم ایران حتی به آرژانتین نیز می‌رسد. گفته می‌شود هادی سلیمان پور، سفیر ایران، در عملیات تروریستی ۱۹۹۳ علیه مرکز یهودیان در بوئنوس آیرس که طی آن هشتاد نفر کشته شدند، نقش داشته است (۱۳ نوامبر ۲۰۰۳).

بر اساس این مجموعه و با وزنی که اخبار اتمی در رسانه‌های آلمان پیدا کردند، نه تنها برنامه اتمی و سپس تروریسم دست بالا را در گزارش‌های اشپیگل نسبت به موقعیت حقوق بشر و سرکوب همگانی در ایران دارند، بلکه مقالاتی درباره سفر، خاویار، فرش ایرانی، زلزله و بلاهای طبیعی، سقوط هواپیما و سینما و ربودن توریست‌های آلمانی و باستان شناسی و ماجرای «روابط نامشروع» هلموت هوفر بازرگان آلمانی نیز بیش از گزارش‌های مربوط به سرکوب سیاسی و اجتماعی است.

در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۳ بیش از چهار هزار نفر در زلزله شهر

گوش می‌رسند. بسیاری بر این عقیده‌اند دولت بوش پس از عراق همانا ایران را هدف گرفته است. این پرسش که آیا آمریکا حمله موشکی علیه ایران را تدارک می‌بیند، مجله اشپیگل را نیز به خود مشغول می‌سازد. اشپیگل در این مورد بیش از هر چیز از مطبوعات آمریکایی مانند «واشنگتن پست» نقل قول می‌کند.

گفتگوی مستقیم بین آمریکا و ایران به مثابه بدیل جنگ مطرح می‌شود. و این در حالیست که ایران و آمریکا، هر دو، آن را رد می‌کنند. پیشنهادات بیکر از سوی خانم رایس وزیر امور خارجه آمریکا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. در این میان اگرچه هر دو طرف مدام جنگ را محتمل ارزیابی نمی‌کنند، لیکن فضا بوی جنگ و درگیری می‌دهد. گویا همان گونه که زمانی شیمون پرز وزیر خارجه پیشین و رییس جمهوری کنونی اسرائیل گفته بود، مردم زمانی جنگ را باور می‌کنند که مپ‌ها بر سرشان فرود آیند.

تحریم‌ها در راهدن و با این همه تهران آن را «جنگ



روانی» می‌نامد (۱۴ اکتبر ۲۰۰۶) و هنگامی که اوایل سال ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۷۳۷ با موافقت هر پانزده عضو شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید، تهران همچنان بی‌اعتنا اعلام می‌کند قصد دارد دهها هزار سانتریفوژ را جهت غنی سازی اورانیوم نصب کند. دولت ایران اعلام می‌کند قطعنامه سازمان ملل غیرقانونی است. احمدی نژاد نخستین قطعنامه را «کاغذپاره» می‌نامد و می‌گوید که غرب باید این واقعیت را که ایران دیگر یک قدرت اتمی است بپذیرد (۲۴ دسامبر ۲۰۰۶).

برنامه اتمی رژیم ایران گاهی فعالیت‌های تروریستی آن را نیز در سایه قرار می‌دهد. اوایل اکتبر ۲۰۰۱ کمی‌پیش از سقوط رژیم طالبان در افغانستان، افراد طالبان متحدان خود را در ایران می‌جویند. آنها نمایندگان را به ایران می‌فرستند. اواخر ماه اکتبر یوشکا فیشر وزیر امور خارجه آلمان در سفر خود به خاورمیانه در ایران توقف می‌کند. در این دیدار زمامداران ایران صریحاً مخالفت خود را با حمله نظامی آمریکا به افغانستان به فیشر اعلام می‌کنند. محمد خاتمی، رییس جمهوری اسلامی وقت، بر این باور است که بن لادن از اسلام سوء استفاده می‌کند. مدتی بعد، دیگر طالبان در قدرت نیستند. گفته می‌شود پسر بن لادن به همراه تقریباً ۲۵۰ نفر از شبکه تروریستی القاعده به ایران فرار کرده و در آنجا زیر نظر سعد بن لادن عملیات تروریستی را سازمان

درست در همین روزها رییس نیروی انتظامی تهران و همکارانش که یک ماه پیش از این (۱۸ تیر ۱۳۷۹/۰۹ ژوئن ۲۰۰۰) به دانشجویان تظاهرکننده حمله برده بودند، آزاد می‌شوند (۱۱ ژوئیه ۲۰۰۰). در شهر وایمار نیز در روز ۱۲ ژوئیه بیش از چهل تظاهرکننده ایرانی در اعتراض به سفر خاتمی به آلمان دستگیر می‌شوند. اشپیگل می‌نویسد: «هزاران پلیس در محل استقرار یافته و تیراندازها بر روی بام‌ها موضع گرفته‌اند». به این ترتیب جمهوری اسلامی فرهنگ سرکوب خود را به آلمان نیز صادر می‌کند. در اینجا نیز ایرانیان دگراندیش حق ندارند آزادانه علیه رژیم به تظاهرات بپردازند.

در جنگ قدرت بین «اصلاح طلبان» و «محافظه کاران» در حکومت الله، خبرسانی آلمان جانب «اصلاح طلبان» را می‌گیرد. به این ترتیب از یک سو تظاهرات در ایران و از سوی دیگر اعتراضات مخالفان و ایرانیان تبعیدی در خارج از کشور بازتابی نمی‌یابد. این گروه‌ها برای خبرسانی در آلمان وجود ندارند اگرچه تمامی اخبار و گزارش‌های مربوط به سرکوب و اعتراض در ایران از طریق ایرانیان تبعیدی و مدافع حقوق بشر منتشر می‌شوند و یا به سازمان‌های بین‌المللی ارائه می‌گردند. تمامی این اخبار و گزارش‌ها را می‌توان به زبان‌های مختلف در اینترنت یافت و به سادگی آنها را چاپ کرد.

با سفر خاتمی، اشپیگل درباره «پایان دوران سرد» گزارش می‌دهد و می‌نویسد: «آلمان و ایران درباره یک آغاز جدید و بنیادین و ترمیم مناسبی که مدتها به سردی گرایده بود، برنامه ریزی می‌کنند». دولت سرخ و سبز آلمان رییس جمهوری اسلامی را با پنج برابر کردن بیمه هرمس (بیمه کالاهای صادراتی) به بهای یک میلیارد مارک همراهی می‌کند. خاتمی آلمان را با قول‌های دولت سرخ و سبز که متضمن منافع اقتصادی آلمان است، ترک می‌گوید.

اشپیگل مانند دیگر رسانه‌های آلمان و هم چنین مانند دولت آلمان بطور تمام و کمال از پروژه اصلاحات در ایران حمایت می‌کند و در گزارشی به تاریخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۰ به هنگام دیدار رییس جمهوری اسلامی از آلمان وی را به عنوان «گورباچف ایران» مفتخر می‌سازد.

اشپیگل آنالین نیز درباره این سفر می‌نویسد: «محمد خاتمی رییس دولت ایران تحت اقدامات امنیتی شدید و همراه با تظاهرات دیدار رسمی خود را از آلمان آغاز کرد». اما اینکه چرا «تظاهرات» وجود دارد و این تظاهرکنندگان چه کسانی هستند و چه می‌خواهند، ظاهراً اهمیت ندارد و درباره اش سخنی گفته نمی‌شود. رسانه‌های آلمان زحمت پرداختن به مخالفان رژیم ایران و هزاران ایرانی تبعیدی را که در این کشور زندگی می‌کنند و از «پروژه اصلاحات» دفاع نمی‌کنند، به خود نمی‌دهد. و این در حالیست که برای این دگراندیشان مسلم است که اصلاحات درون حکومت الله امری ناممکن است.

بلاکلیفی و گرفتاری آلمان در رابطه با ایران خود را در مناسبات رسمی نیز نشان می‌دهد. گرهارد شرودر، صدراعظم پیشین آلمان سفر خود را به ایران لغو می‌کند (۱۵ ژانویه ۲۰۰۱). ولی یک ماه بعد، ولفگانگ تیرزه رییس پارلمان این کشور به ایران می‌رود تا به «اصلاح طلبان» دلگرمی دهد. بر اساس گزارش اشپیگل «روابط بازرگانی با ایران در حال حاضر از این روابط جدید و عادی به شدت سود می‌برد» (۱۹ فوریه ۲۰۰۱).

اما چند ماه بعد، یازده سپتامبر فرا می‌رسد. این روز جهان را تغییر می‌دهد. در اکتبر ۲۰۰۱ افغانستان با حمایت بین‌المللی و پشتیبانی سازمان ملل متحد مورد حمله قرار

می‌گیرد. رژیم طالبان سقوط می‌کند و تروریسم اسلامی به دنبال پناه گاه‌های دیگری می‌گردد. بسیاری از تروریست‌ها به پاکستان، ایران و هم چنین به برخی کشورهای عربی فرار می‌کنند. بسیاری از آنها بطور ناشناس ساکن کشورهای اروپایی می‌شوند. آمریکاییان موفق می‌شوند خطر تروریسم را از خود و کشورشان دور کنند.

در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۲ جرج بوش رییس جمهوری آمریکا سه کشور عراق، ایران و کره شمالی را «محور شرارت» می‌نامد. یک سال بعد، در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ آمریکا بدون پشتیبانی سازمان ملل و در ائتلاف با چند کشور به عراق حمله می‌کند. ارتش این ائتلاف در هفتم آوریل وارد بغداد می‌شود.

با جنگ عراق، برنامه اتمی ایران به عقب صحنه رانده می‌شود. با کره شمالی گفتگوهایی به جریان می‌افتد. لیبی از برنامه اتمی خود پس از گفتگوهای سری طولانی با غرب چشم می‌پوشد و تلاش می‌کند با پرداخت میلیون‌ها دلار غرامت، فعالیت‌های تروریستی خود را در گذشته جبران کند. گفتگوهایی که در خفا انجام می‌شد، دلیل خوبی است بر اینکه چرا نام لیبی در میان کشورهای «محور شرارت» نیامد.

پروژه اصلاحات در ایران اما همچنان مورد حمایت قرار می‌گیرد بدون آنکه نشانه‌ای از «اصلاح» وجود داشته باشد. جایزه صلح نوبل که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ به شیرین عبادی، وکیل ایرانی، اعطا شد، در چارچوب همین پشتیبانی است. هم چنین بسیاری از جوایز دیگر و حتی جایزه‌های شناخته شده سینمایی مانند کان، برلین، ونیز در خدمت به اصطلاح پروژه اصلاحات در ایران قرار دارند. با شکست اصلاحات شمار این جایزه‌ها به شدت کاهش یافته و تقریباً به هیچ می‌رسد. همزمان با این دست دل بازی‌ها اما همواره و همچنان از رژیم ایران خواسته می‌شود تا برنامه اتمی مخفی خود را در برابر چشم جهانیان به نمایش بگذارد.

وضعیت افغانستان و عراق به رژیم ایران این امکان را می‌دهد تا خود را به مثابه امکانی در حل «موقعیت نابسامان» آمریکاییان در منطقه عرضه کنند. رژیم اسلامی خواب یک قدرت شیعی را در خاورمیانه می‌بیند که می‌بایست بر جهان اسلام حکومت کرده و می‌تواند پس از فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، خود را به عنوان یک قدرت جهانی به نمایش بگذارد. یک قدرت اسلامی که چنان بزرگ و ثروتمند است که قادر خواهد بود سرانجام دولت یهودی را از قلمرو اسلام براند. این همان فکر پنهانی است که بعداً، پس از شکست قطعی پروژه اصلاحات، توسط رییس جمهوری اسلامی کنونی صاف و پوست کنده بر زبان آمد. احمدی نژاد اما تنها آن شعارهایی را تکرار می‌کند که پیش از وی در دهه هفتاد میلادی توسط آیت الله خمینی در کتاب «حکومت اسلامی» تعیین شده بود: بر این اساس تفاوتی بین سیاست و اسلام وجود ندارد. فقهای اسلامی باید قدرت سیاسی را در دست داشته باشند تا بتوانند حکومت اسلامی را پیاده کنند. آیت الله خمینی توانست این حکومت را تحقق ببخشد. او توسط اراده‌های که برای کسب قدرت نشان داد و به همراهی به اصطلاح «روشنفکران»، چپ‌ها و یک جامعه از نظر سیاسی عقب مانده و البته با یاری غرب که با سیاست «کمربند سبز» در فکر محاصره «خطر سرخ» بود، و همچنین با یاری بی کم و کاست رسانه‌های غربی موفق شد نخستین «حکومت الله» را در جهان بنیاد بگذارد، آن هم در پایان قرن بیستم. حالا همه اینها، حتی بخشی از همراهان صادق انقلاب اسلامی در پی جبران آنند. (ادامه دارد)

کاخ سفید ادعای مذاکره از طریق واسطه با جمهوری اسلامی را رد کرد

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرده بود «با واسطه» در حال مذاکره با آمریکا هستیم اما جان کربی مشاور امنیت ملی کاخ سفید روز دوشنبه ۱۸ تیرماه به «صدای آمریکا» گفت: «ما در موقعیتی نیستیم که مایل به بازگشت به میز مذاکره با ایران فقط بر اساس این واقعیت باشیم که آنها رئیس جمهوری جدیدی را انتخاب کرده‌اند».

● جان کربی در پاسخ به این پرسش که برخی رئیس جدید دولت جمهوری اسلامی را از طیف موسوم به «اصلاح‌طلب» می‌دانند گفت: «خواهیم دید این مرد می‌خواهد چه کاری را انجام دهد. اما انتظار هیچ تغییری در رفتار مقامات ایرانی نداریم».

● در شرایطی که از سوی اصلاح‌طلبان رژیم اینطور تبلیغ شده که گویا پزشک‌ها و افرادی مثل محمدجواد ظریف و عباس عراقچی در وزارت خارجه نظام می‌توانند روزنه‌هایی برای توافق با غرب باز کنند، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اولین سخنرانی خود بعد از اعلام نتایج انتخابات غمناکی علیه آمریکا سخنرانی کرد و گفت: «ایالات متحده آمریکا را مستهلک کرده‌ایم و این آمریکا همان آمریکای ۲۰ یا ۳۰ سال پیش نیست، امروز کسی نمی‌تواند ایران را در جهان منزوی تلقی کند، زیرا ثابت کردیم جهان بسیار بزرگتر از آمریکا و آمریکا بسیار کوچک‌تر از جهان است».

یک مقام کاخ سفید ادعای سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی مربوط به «مذاکره با واسطه» با ایالات متحده را رد کرد.

جان کربی مشاور امنیت ملی کاخ سفید روز دوشنبه ۱۸ تیرماه به «صدای آمریکا» گفت: «ما در موقعیتی نیستیم که مایل به بازگشت به میز مذاکره با ایران فقط بر اساس این واقعیت باشیم که آنها رئیس جمهوری جدیدی را انتخاب کرده‌اند».

این مقام کاخ سفید تأکید کرد که جمهوری اسلامی «همچنان از گروه‌های تروریستی مانند حماس و حزب الله حمایت می‌کنند. آنها همچنان از حوثی‌ها حمایت می‌کنند، حوثی‌هایی که به کشتی‌ها در دریای سرخ حمله می‌کنند. آنها همچنان به کشتیرانی آزاد حمله می‌کنند و همچنان در حال ارائه پهپادها و فناوری پهپاد برای روس‌ها هستند تا روس‌ها بتوانند مانند آنچه آخر هفته شاهد بودیم، به کشتار اوکراینی‌های بی‌گناه ادامه دهند».

جان کربی در پاسخ به این پرسش که برخی رئیس جدید دولت جمهوری اسلامی را از طیف موسوم به «اصلاح‌طلب» می‌دانند گفت: «خواهیم دید این مرد می‌خواهد چه کاری را انجام دهد. اما انتظار هیچ تغییری در رفتار



→ مقامات ایرانی نداریم.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۸ تیرماه مدعی شد «مذاکرات با واسطه» با طرف آمریکایی در حال انجام است و «هر زمانی که نیاز باشد جزئیات آن منتشر خواهد شد».

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی:

مذاکرات با آمریکایی‌ها «با واسطه» ادامه دارد



راهپیمایی حزب اللهی‌ها در اعتراض به مذاکرات با غربی‌ها پس از ترور قاسم سلیمانی

نسبت به اخبار منتشر شده در این زمینه موضع‌گیری کردم. همانطور که پیش از این گفتم کانال‌های دیپلماتیک بین ما و طرف‌های مذاکره کننده برقرار است و روش‌های مختلفی برای تبادل پیام داریم.»

دولت ابراهیم رئیسی در شرایطی روی کار آمد که اصلی‌ترین اولویت آن در سیاست خارجی تلاش برای «احیای برجام» بود. تمایل دولت بایدن به مباحثات با جمهوری اسلامی را رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا و تیم مشاوران وی که با لابیگران حکومت همسویی جدی داشتند تقویت می‌کرد. مذاکرات تا جایی پیش رفت که حتا موضوع خارج شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا نیز مطرح شد. اما در نهایت رابرت مالی به دلیل مسائل امنیتی برکنار شد و مذاکرات به بن‌بست رسید هرچند در داخل ایران برخی مقامات و شخصیت‌های سیاسی عنوان کردند اصلی‌ترین دلیل شکست مذاکرات کارشکنی روس‌ها بود.

بعد از کشته شدن ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در سقوط مشکوک هلی‌کوپتر (۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳) که خود را ادامه دهنده راه قاسم سلیمانی در سیاست خارجی می‌دانستند، جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تا با همان کارت‌های قبلی که در عمل سوخته شده‌اند، مذاکرات را با غرب به ویژه با آمریکا پیش ببرد.

تحلیلگران معتقدند اکنون حکومت امیدوار است با میدان دادن به تیم محمدجواد ظریف و عباس عراقچی و لابیگران وابسته به آنها که احتمالاً پس از ریاست مسعود پزشکیان بر دولت چهاردهم دوباره موقعیت‌شان تثبیت می‌شود بتواند شرایط وخیمی را که در آن گرفتار شده تغییر دهد. به ویژه آنکه پس از صدور قطعنامه توبیخی در شورای حکام بر سر فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی موضوع فعال شدن «مکانیسم ماشه» و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت بسیار جدی است.

محمدجواد ظریف وزیر خارجه دو دولت حسن روحانی کلیدی‌ترین عضو کارزار تبلیغاتی انتخاباتی پزشکیان بود و در اغلب سخنرانی‌های خود مدام دولت رئیسی و تیم سعید جلیلی را متهم می‌کرد که عامل تحریم‌ها هستند و اگر این جریان قدرت بگیرد وضعیت از آنچه هست وخیم‌تر می‌شود.

● ناصر کنعانی روز دوشنبه ۱۸ تیرماه در یک کنفرانس خبری عنوان کرد «ایران پایبند به میز مذاکره است و در مسیر تامین منافع ملی کشور همواره تلاش داشته که از مسیرهای دیپلماتیک به بهترین نحو استفاده کند».

● این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که پیش از این مقامات آمریکایی گفته بودند با سنگ‌اندازی و زیاده‌خواهی‌های جمهوری اسلامی مذاکرات برای «احیای برجام» به بن‌بست رسید.

● محمدجواد ظریف وزی خارجه پیشین جمهوری اسلامی کلیدی‌ترین عضو کارزار تبلیغاتی انتخاباتی پزشکیان بود و در اغلب سخنرانی‌های خود مدام دولت رئیسی و تیم سعید جلیلی را متهم می‌کرد که عامل تحریم‌ها هستند و اگر این جریان قدرت بگیرد وضعیت از آنچه هست وخیم‌تر می‌شود.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید «مذاکرات با واسطه» با طرف آمریکایی در حال انجام است. وی تأکید کرد «هر زمانی که نیاز باشد جزئیات آن منتشر خواهد شد».

ناصر کنعانی روز دوشنبه ۱۸ تیرماه در یک کنفرانس خبری عنوان کرد «ایران پایبند به میز مذاکره است و در مسیر تامین منافع ملی کشور همواره تلاش داشته که از مسیرهای دیپلماتیک به بهترین نحو استفاده کند».

این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که پیش از این مقامات آمریکایی گفته بودند با سنگ‌اندازی و زیاده‌خواهی‌های جمهوری اسلامی مذاکرات برای «احیای برجام» به بن‌بست رسید.

این مقام جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره «مذاکرات رفع تحریم‌ها» نیز گفت که این موضوع «ساز و کار مشخص و روشن» دارد و دولت سیزدهم در چارچوب سیاست‌های کلان کشور، تمام تلاش‌های دیپلماتیک خود را تا این لحظه به کار بسته و تا روزی که دولت مسئولیت را بر عهده دارد تمام تلاش‌های خود را در چارچوب ساز و کار تعریف شده ادامه می‌دهد.

وی همچنین در پاسخ به پرسشی در ارتباط با برخی اخباری که چندی پیش در مورد مذاکره ایران و آمریکا در عمان مطرح شده نیز گفت: «من در همان مقطع



جان کربی مشاور امنیتی کاخ سفید

در ایران اصلاح‌طلبان بسیار امیدوارند مسعود پزشکیان بتواند قفل سیاست خارجی جمهوری اسلامی را باز کند هرچند که احتمالاً مقامات کاخ سفید می‌دانند تصمیم‌گیر نهایی در ایران رئیس دولت نیست و علی‌خامنه‌ای تصمیم‌گیرنده و رئیس دولت و وزیرایش فقط مجری اوامر و تصمیمات او هستند.

در همین ارتباط مقامات کاخ سفید بعد از اعلام نتایج انتخابات حکومتی در بیانیه‌ای اعلام کردند، «ما هیچ انتظاری نداریم که این انتخابات منجر به تغییر اساسی در مسیر جمهوری اسلامی یا احترام بیشتر به حقوق بشر شهروندان شود. همانطور که خود کاندیداها گفته‌اند، سیاست ایران توسط رهبر تعیین می‌شود.»

مسعود پزشکیان در جریان مناظره‌های انتخاباتی بارها گفت کشور در بن‌بست قرار دارد. بسیاری از تحلیلگران باور دارند وی سکان هدایت دولتی را در دست خواهد گرفت که تابع محض خامنه‌ای و سپاه پاسداران است و با این وضعیت هرگز هیچ دولتی نخواهد نتوانست راهی برای خروج ایران از انزوای بین‌المللی پیدا کند.

در شرایطی که از سوی اصلاح‌طلبان رژیم اینطور تبلیغ شده که گویا پزشکیان و افرادی مثل محمدجواد ظریف و عباس عراقچی در وزارت خارجه نظام می‌توانند روزنه‌هایی برای توافق با غرب باز کنند، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اولین سخنرانی خود بعد از اعلام نتایج انتخابات نمایشی علیه آمریکا سخنرانی کرد و گفت: «ایالات متحده آمریکا را مستهلک کرده‌ایم و این آمریکا همان آمریکای ۲۰ یا ۳۰ سال پیش نیست، امروز کسی نمی‌تواند ایران را در جهان منزوی تلقی کند، زیرا ثابت کردیم جهان بسیار بزرگتر از آمریکا و آمریکا بسیار کوچک‌تر از جهان است.»

برخلاف ادعای نیروی دریایی ارتش، ناوچه «سهند» کاملاً غرق شد

● تلاش‌ها برای بازگرداندن ناوچه «سهند» بی‌نتیجه بود و بطور کامل در اسکله غرق شد.
● در اطلاعیه پایگاه یکم نیروی دریایی ارتش ادعا شده بود، «خوشبختانه به علت محدودیت عمق ساحل، بازگشت ناو به حالت تعادل به سرعت در حال انجام است».
● روابط عمومی پایگاه یکم نیروی دریایی ادعا کرده بود ناوچه سهند در حال تعمیر در اسکله به خاطر نفوذ آب به مخازن، تعادلش را از دست داد اما منابع غیررسمی می‌گویند انفجار در مخزن کشتی سبب نفوذ آب به درون آن شد.

● یک منبع غیررسمی می‌گوید ناویان دوم خسروی در این سانحه جان خود را از دست داده است اما تأیید یا رد این خبر به صورت مستقل ممکن نیست.

ناوچه «سهند» متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی که یکشنبه ۱۷ تیرماه در اسکله بندرعباس واژگون شده بود، بطور کامل غرق شد.

در اطلاعیه پایگاه یکم نیروی دریایی ارتش ادعا شده بود، «خوشبختانه به علت محدودیت عمق ساحل، بازگشت ناو به حالت تعادل به سرعت در حال انجام است».

روابط عمومی پایگاه یکم نیروی دریایی ادعا کرده بود ناوچه سهند در حال تعمیر در اسکله به خاطر نفوذ آب به مخازن، تعادلش را از دست داد اما منابع غیررسمی می‌گویند انفجار در مخزن کشتی سبب نفوذ آب به درون آن شد.

ناوچه ارتش در حال تعمیرات در اسکله مجتمع کشتی‌سازی و صنایع فراساحلی (ایزوایکو) بود. مشخص نیست علت این سانحه خرابکاری بوده یا نقص فنی.

در این سانحه دست‌کم هشت نفر مصدوم شدند که جراحات برخی از آنها شدید است.

تلاش‌هایی برای بازگرداندن ناوچه به حالت تعادل انجام شد اما نه تنها بی‌نتیجه بود بلکه باعث شد ناو بیشتر به عمق آب فرو رود. برخی منابع می‌گویند بعید است حتی اگر این ناوچه را بیرون بکشند به راحتی قابل تعمیر باشد.

یک منبع غیررسمی می‌گوید ناویان دوم خسروی در این سانحه جان خود را از دست داده است اما تأیید یا رد این خبر به صورت مستقل ممکن نیست.

از سال ۱۳۹۸ تا کنون، انفجار زیردریایی در تأسیسات صنایع دفاع در بندرعباس، غرق شدن ناوشکن «جماران» در بندر انزلی با بیش از هشت کشته، انفجار شناور لجستیک «گنارک» با بیش از ۳۰ کشته و زخمی و همچنین آتش سوزی در ناو پشتیبان خارک که منجر به غرق شدن آن در حوالی بندر جاسک شد، شاحص‌ترین سوانح خسارت‌بار در نیروی دریایی ارتش بوده‌اند.

ادعای منابع منطقه‌ای: اسرائیل دو کشتی ایرانی حامل سلاح و مهمات به سوریه را هدف قرار داد



کشتی اقیانوس‌پیما «کاشان»

پی‌انفجارهای شدید در شهر لاذقیه در شمال غرب سوریه منتشر شده است.

چند منبع امنیتی اعلام کردند سپاه پاسداران از طریق بندر غیرنظامی سوریه در لاذقیه که در شمال بانیاس قرار دارد سلاح قاچاق می‌کرده است.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن به نقل از منابع میدانی شنیده شدن دو انفجار در بندر بانیاس را تأیید کرده است.

بعضی از کانال‌های تلگرامی که اخبار سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی را پوشش می‌دهند شنیده شدن صدای انفجار در بندر بانیاس را تأیید کردند.

این حملات یک روز پس از آن صورت گرفت که ناوچه سهند متعلق به نیروی دریایی ارتش به دلایل نامعلوم در بندرعباس غرق شد و هشت مصدوم برجای گذاشت و چند ساعت بعد صدای مهیب انفجار در تأسیسات بندر «بهشتی» چابهار شنیده شد که منابع حکومتی ادعا کردند «رزمایش شبانه سپاه» بود. برخی معتقدند که این دو رویداد بی‌ارتباط با درگیری میان جمهوری اسلامی و اسرائیل نیست.

سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی هر دو از حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المندب پشتیبانی می‌کنند. شورشیان حوثی یمن می‌گویند در حمایت از حماس این کشتی‌ها را هدف قرار می‌دهند.

بر اساس گزارش منابع امنیتی غربی و همچنین نهادهای اطلاعاتی اسرائیل، طی هفته‌های اخیر جمهوری اسلامی ارسال سلاح به سوریه و لبنان را افزایش داده است.

روزنامه «تلگراف» چاپ انگلیس روز یکشنبه ۲۳ ژوئن (سوم تیرماه) گزارش داد حزب‌الله لبنان مقادیر زیادی تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی از جمله انواع موشک و مواد منفجره در فرودگاه بیروت ذخیره کرده است.

● پایگاه خبری «الحدث» بامداد سه‌شنبه ۱۹ تیرماه گزارش داد کشتی کانتینر «کاشان» که تحت تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار دارد و کشتی «DAISY» که هر دو محموله تسلیحاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به مقصد «بندر لاذقیه» انتقال می‌دادند هدف حمله اسرائیل قرار گرفتند.

● همچنین گزارش شد جنگنده‌های اسرائیل یک سایت پدافند هوایی متعلق به نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در ساحل شهر بانیاس سوریه هدف قرار دادند. احتمالاً در این حملات یک عضو سپاه کشته شده است.

● این حملات یک روز پس از آن صورت گرفت که ناوچه سهند متعلق به نیروی دریایی ارتش به دلایل نامعلوم در بندرعباس غرق شد و هشت مصدوم برجای گذاشت و چند ساعت بعد صدای مهیب انفجار در تأسیسات بندر «بهشتی» چابهار شنیده شد که منابع حکومتی ادعا کردند «رزمایش شبانه سپاه» بود. برخی معتقدند که این دو رویداد بی‌ارتباط با درگیری میان جمهوری اسلامی و اسرائیل نیست.

منابع منطقه‌ای بامداد سه‌شنبه نهم ژوئیه (۱۹ تیرماه) گزارش دادند که اسرائیل دو ناو پشتیبانی متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حوالی بندر لاذقیه در غرب سوریه را هدف قرار دادند.

گفته می‌شود کشتی «کاشان» که تحت تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار دارد و کشتی «DAISY» محموله سلاح و مهمات به سوریه منتقل می‌کردند که شناسایی شدند.

همین منابع اعلام کردند، جنگنده‌های اسرائیل یک سایت پدافند هوایی متعلق به نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در ساحل شهر بانیاس سوریه هدف قرار دادند. در این حملات احتمالاً یک عضو سپاه کشته شده است. در شبکه‌های اجتماعی تصاویری از وقوع آتش‌سوزی در

افشای مکاتبات رهبران و فرماندهان حماس؛ «تلفات حمله اسرائیل سنگین است، زودتر توافق کنید!»



تشییع جنازه صالح محمد سلیمان العاروری مشهور به «ابومحمد» نفر دوم حماس که دیماه ۱۴۰۲ کشته شد

گفته می‌شود یحیی سنوار از فرماندهان ارشد حماس که ظاهراً در غزه حضور دارد تمایلی به توافق ندارد. بر اساس مکالمات یا مکاتبات بین فرماندهان میدانی حماس با اعضای سیاسی آن، کشته شدن بسیاری از نیروها و ویرانی‌های سنگین ناشی از عملیات ارتش اسرائیل در غزه نیز تأیید شده است. در همین حال، دفتر بنیامین نتانیاهاو نخست وزیر اسرائیل پیش از این خطوط قرمز اسرائیل در مذاکرات برای معامله گروگان را منتشر کرده بود. بر اساس این اعلامیه، توافق احتمالی نمی‌تواند جلوی نبرد تا نابودی توان نظامی و سیاسی حماس را بگیرد. هنوز مشخص نیست آیا جمهوری اسلامی با این عقب‌نشینی رهبران حماس موافق است یا نه اما مقامات تهران چندان مایل به توافق نبوده‌اند و دست‌کم اصرار شفاهی آنها مثل همیشه بر ادامه «مقاومت» بوده است اما به نظر می‌رسد فشار سایر بازیگران منطقه‌ای از جمله مصر، عربستان و قطر تأثیر خود را گذاشته است. در ماه‌های اخیر وزارت خزانه‌داری آمریکا در همکاری با بریتانیا و دولت‌های اروپایی چندین شبکه تأمین کننده مالی حماس را که مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند تحریم کرد. اخیراً مطرح شده بود که قرار است رهبران حماس و درواقع دفتر مرکزی آنها از دوحه به عراق (بغداد) منتقل شوند. قطری‌ها اسماعیل هنیه را زیر فشار گذاشتند تا این طرح و همچنین پیشنهاد توافق را بپذیرد و گزینه حمایت‌های مالی خود را از حماس قطع خواهند کرد. برخی منابع فاش کرده بودند رهبران حماس تحت فشار فزاینده قطر جهت پذیرش پیشنهادهای آمریکا برای آتش‌بس و مبادله گروگان‌ها و زندانیان فلسطینی با اسرائیل قرار دارند. حماس این پیشنهادها را رد کرده و خواسته‌های خود را تکرار کرده بود که هر توافقی باید امکان آتش‌بس دائمی در منطقه، خروج کامل نیروهای اسرائیلی، بازسازی غزه و بازگشت بی‌قید و شرط فلسطینی‌های آواره را فراهم کند.

● منابع اسرائیلی روز دوشنبه هشتم ژوئیه (۱۸ تیرماه) گزارش دادند، بر اساس پیام‌های داخلی ارسال شده میان مقامات ارشد نظامی حماس در داخل غزه با رهبران سیاسی این گروه تروریستی در خارج از غزه، حماس به دلیل افزایش تلفات خود در جنگ مجبور شده از بعضی خواست‌های خود عقب‌نشینی کند تا زودتر با اسرائیل به توافق برسد و بیش از این متحمل خسارات و تلفات سنگین نشود.

منابع اسرائیلی روز دوشنبه هشتم ژوئیه (۱۸ تیرماه) گزارش دادند، بر اساس پیام‌های داخلی ارسال شده میان مقامات ارشد نظامی حماس در داخل غزه با رهبران سیاسی این گروه تروریستی در خارج از غزه، حماس به دلیل افزایش تلفات خود در جنگ مجبور شده از بعضی خواست‌های خود عقب‌نشینی کند تا زودتر با اسرائیل به توافق برسد و بیش از این متحمل خسارات و تلفات سنگین نشود. به نظر می‌رسد رهبران حماس دست از خواسته‌های کلیدی خود که مورد موافقت اسرائیل نبود برداشته‌اند. در همین ارتباط آسوشیتدپرس گزارش داد، با توجه به خبر پیشرفت در مذاکرات برای معامله گروگان‌ها، مقامات خاورمیانه و ایالات متحده بر این باورند که سطح ویرانی ناشی از عملیات زمینی اسرائیل در نوار غزه، ظاهراً حماس را مجبور کرده است تا خواسته‌های خود را کاهش دهد. بر پایه همین گزارش‌ها، مقامات ارشد شاخه نظامی حماس در بخشی از پیام‌های داخلی از رهبری سیاسی این سازمان در خارج از کشور خواسته‌اند تا با آخرین پیشنهاد جو بایدن موافقت کنند.

از آخرین مذاکرات طرفین که در ماه مه و ژوئن انجام شد، اینگونه برداشت می‌شود که جنگ به تروریست‌های حماس ضربه سنگینی وارد کرده و آنها از اعضای ارشد سیاسی این سازمان که اغلب در قطر مخفی هستند درخواست کرده‌اند تا هرچه زودتر با اسرائیل توافق شود هرچند که

شنیده شدن صدای انفجار در بندر چابهار ادعای صداوسیماي جمهوری اسلامی: رزمایش شبانه سپاه بود!



اسکله «شهید بهشتی» بندر چابهار

● خبرگزاری صداوسیماي جمهوری اسلامی یکشنبه شب ۱۷ تیرماه با تأیید این انفجار، به نقل از «منابع آگاه» مدعی شد صدای مهیب مربوط به «تیرین رزمی شبانه» پایگاه دریای نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. ● در شبکه‌های اجتماعی برخی کاربران ادعای «رزم شبانه» را به تمسخر گرفته و به کنایه می‌گویند صدای انفجار از «عصای موسی» بوده است. اشاره آنها به عملیات مخفیانه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی بر اساس موارد گذشته است.

ساعاتی پس از غرق شدن ناوچه «سهند» نیروی دریایی ارتش در بندرعباس، منابع محلی گزارش دادند در چابهار حوالی اسکله «بهشتی» صدای مهیب انفجار شنیده شده است. برخی گفتند که دیده‌اند تعدادی آمبولانس به سمت بندر می‌رود.

خبرگزاری صداوسیماي جمهوری اسلامی یکشنبه شب ۱۷ تیرماه با تأیید این انفجار، به نقل از «منابع آگاه» مدعی شد صدای مهیب مربوط به «تیرین رزمی شبانه» پایگاه دریای نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. اسکله راهبردی «بهشتی» به عنوان ورودی اقیانوس هند برای بارگیری کشتی‌های اقیانوس‌پیما طراحی شده که برخی فازهای آن تحت مدیریت هندی‌ها است.

در شبکه‌های اجتماعی برخی کاربران ادعای «رزم شبانه» را به تمسخر گرفته و به کنایه می‌گویند صدای انفجار از «عصای موسی» بوده است. اشاره آنها به عملیات مخفیانه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی بر اساس موارد گذشته است. بندر چابهار یکی از نقاط اتصال کریدور راهبردی شمال به جنوب است که برای روس‌ها نیز حیاتی به شمار می‌رود و تأمین امنیت آن از مشکلات بزرگ جمهوری اسلامی است به ویژه آنکه در سال‌های اخیر چندین حمله انتحاری و درگیری بین گروه‌های مسلح در این بندر استراتژیک روی داده است.

تأیید حکم اخراج یک آموزگار معترض در دیوان عدالت اداری



● عزیز قاسم‌زاده به تازگی در بیانیه‌ای مشترک با اسماعیل عبدی، دیگر فعال صنفی آموزگاران، چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرده بود.

● عزیز قاسم‌زاده آموزگار ساکن استان گیلان با ۲۵ سال سابقه تدریس، و در حال حاضر در زندان لاکان رشت محبوس است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی آموزگاران گزارش داده که حکم اخراج عزیز قاسم‌زاده فعال صنفی آموزگاران که هم‌اکنون زندانی است از سوی دیوان عدالت اداری تأیید شده است. دیوان عدالت اداری این حکم را «مجازات با تخفیف» خوانده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان گزارش داده که دیوان عدالت اداری با تأیید اخراج عزیز قاسم زاده از سوی هیئت تجدید نظر تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش این مجازات را قانونی و نسبت به رای بدوی که انفصال دائم از خدمات دولتی بوده، مجازاتی با تخفیف خوانده است.

بر اساس این گزارش در رأی صادر شده آمده که «رسیدگی در هیئت تخلفات اداری با رعایت موازین و مقررات قانونی بوده و دلایل و مدارکی که از سوی شاکی ارائه و ابراز گردیده است، بیانگر عدم رعایت تشریفات قانونی در رسیدگی نبوده است.» شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نوشته دیوان عدالت اداری در حالی رأی صادر شده وزارت آموزش و پرورش را در اخراج عزیز قاسم زاده قانونی و همراه با تخفیف خوانده که موارد ۲۵ گانه اتهامی این فعال صنفی معلمان هیچ تناسبی با ماده ۸ قانون تخلفات اداری ندارد.

بر اساس ماده ۸ قانون تخلفات اداری «اعمال و رفتار خلاف شئون اداری یا شغلی» و «تبعیض یا اعمال غرض در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص» از موارد رسیدگی این نهاد است. به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در دادخواست عزیز قاسم زاده با در نظر گرفتن ماده ۸ قانون تخلفات اداری، علیه وزارت آموزش و پرورش آمده بود که هنوز این نهاد فرق میان تخلف و جرم را نمی‌داند و در رای صادر شده خود را در مسند قاضی نشانده و از مفاهیمی چون احراز جرم سخن گفته است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان افزوده با توجه به این نکته برخی استنادات هیئت تخلفات از جمله «مصاحبه عزیز قاسم زاده با رسانه‌ها» در حیطه مدعی العموم است و در دایره رسیدگی به تخلفات اداری نیست. همچنین تأکید شده که این آموزگار قاسم‌زاده بابت انجام مصاحبه‌ها مجازات قضایی را تحمل نموده است و ←

تأیید حکم سیزده ماه و پانزده روز زندان علیه منوچهر بختیاری در دادگاه تجدید نظر



پویا بختیاری و منوچهر بختیاری

منوچهر بختیاری پس از کشته شدن پویا فرزند ۲۷ ساله‌اش در اعتراضات سراسری آبان ۹۸ که در مهرشهر کرج از ناحیه سر مورد اصابت شلیک مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت به دادخواهی فرزند برخاست. خانواده بختیاری طی چهار سال گذشته بارها بازداشت، احضار و تهدید شده‌اند.

این پدر دادخواه آخرین بار در تاریخ ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰، توسط نیروهای امنیتی همراه با ضرب و جرح در منزل شخصی خود در تهران بازداشت شد. او نهایتاً توسط دادگاه انقلاب به ۳ سال و ۶ ماه حبس، ۲ سال و ۶ ماه تبعید و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده و از بازداشتگاه یکی از نهادهای امنیتی به ندامتگاه مرکزی کرج منتقل شد. وی روز چهارشنبه ۲۹ تیر بدون اطلاع قبلی به زندان قزوین منتقل شد. علی شریف‌زاده وکیل منوچهر بختیاری ۳۰ تیرماه امسال خبر داده بود که موکلش «با توجه به شرایط جسمانی» و «خون‌ریزی دستگاه گوارش» به مراقبت و درمان نیاز دارد.

تیرماه پارسال نیز گزارش شده بود که منوچهر بختیاری پیشتر با وجود ابتلا به بیماری‌های کلیوی، پروستات و فتق و با وجود تأییدیه پزشکی قانونی مبنی بر نیاز جدی به اقدامات درمانی، از رسیدگی پزشکی تخصصی و اعزام به مرخصی درمانی محروم مانده است. منوچهر بختیاری دی‌ماه ۱۴۰۰ پس از مطلع شدن از صدور حکم غیرقانونی زندان، دست به اعتصاب غذا زد. او به سلول انفرادی منتقل شد اما پیش از انتقال در نامه‌ای اعلام کرد که «این دادخواهی خاموش شدنی نیست» و «دستوردهندگان و انجام‌دهندگان این جنایت مطمئن باشند به زودی در دادگاه ملت ایران محاکمه و به سزای اعمال خویش خواهند رسید.»

این پدر دادخواه جدا از تبعید به زندان مرکزی قزوین، مدت‌ها در این زندان در سلول انفرادی بسر برد و به بند عمومی هم منتقل نشد. دی‌ماه سال گذشته نیز گزارش شد که این زندانی دادخواه مورد فحاشی و ضرب و جرح مأموران زندان قرار گرفته است.

● حکم بدوی این پرونده با اتهام «نشر اکاذیب» اوایل اردیبهشت امسال از سوی شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری دو در استان قزوین صادر شده بود.

● منوچهر بختیاری آبان‌ماه سال گذشته نیز به شش ماه زندان محکوم شد که توسط شعبه اول دادگاه انقلاب قزوین و به اتهام «توهین به رهبری» صادر شده بود.

حکم سیزده ماه و پانزده روز حبس منوچهر بختیاری پدر دادخواه پویا بختیاری از جانب‌باختگان اعتراضات آبان ۹۸، در شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان قزوین تأیید شد. این پرونده در شرایطی که منوچهر بختیاری در زندان بسر می‌برد علیه او گشوده شده است.

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، منوچهر بختیاری زندانی سیاسی و پدر پویا بختیاری از جانب‌باختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸، به حبس محکوم شد. اتهام منوچهر بختیاری در این پرونده «نشر اکاذیب» است. حکم شعبه دادگاه تجدید نظر به ریاست مستشاران کمال رحیمی و خیراله طاهرخانی صادر شده و روز یکشنبه هفدهم تیرماه، به وکیل مدافع این زندانی سیاسی ابلاغ شده است.

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات منوچهر بختیاری ۲۸ فروردین‌ماه امسال به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد. حکم بدوی این پرونده اوایل اردیبهشت امسال از سوی شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری دو در استان قزوین صادر شده بود.

منوچهر بختیاری آبان‌ماه سال گذشته نیز به شش ماه زندان محکوم شده بود. این حکم توسط شعبه اول دادگاه انقلاب قزوین و به اتهام «توهین به رهبری» صادر شد.

همزمان با اعلام خبر محکومیت منوچهر بختیاری به شش ماه حبس، این زندانی دادخواه در پیام صوتی از زندان با اشاره به فرارسیدن آبان‌ماه گفته بود که بیست و پنجم این ماه سالگرد جان باختن فرزندش است و او مانند سه چهار سال گذشته باز هم در سالگرد فرزندش در زندان بسر می‌برد.

ادعای پلمب دفتر «ترکیش ایرلاین» در تهران به دلیل حجاب؛ دادستان تکذیب کرد اما سند رو شد!



یک فروند هواپیمای ترکیش ایرلاین در فرودگاه «خمینی» تهران

در پاسخ به پرسشی در همین ارتباط ادعا کرد: «هیچ حکم قضایی در این مورد صادر نشده است.» همین ادعا سبب حملات لفظی شماری از حامیان نظام به سوزنچی شد ولی این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سند پلمب دفتر این شرکت هواپیمایی را منتشر کرد، و البته همزمان عنوان کرد که این دستور لغو شده است.

وی ضمن انتشار رونوشت حکم پلمب دفتر «ترکیش ایرلاین» نوشت: «نگرانی من کسانی هستند که مدت‌هاست نمی‌خان رابطه ایران و ترکیه درست شود و الکی به حجاب و عفاف ربطش ندید.»

خبر پلمب دفتر ترکیش ایرلاین در تهران به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری توسط پرسنل این شرکت در حالی رسانه‌ای شد که پیش از آن ماهسون کریمی‌گل، خواننده و کارگردان سرشناس اهل ترکیه با انتشار متنی به زبان فارسی در اینستاگرام خود از پزشک‌های خواست که زندگی زنان ایرانی را بهبود ببخشد!

ماهسون در این پیام نوشت: «من به آقای رئیس جمهور مسعود پزشک‌های تبریک می‌گویم. بزرگترین درخواست من از شما انجام اصلاحاتی است که زندگی زنان ایرانی را بهبود بخشید و از آنها در برابر خشونت محافظت کنید. من صمیمانه از شما درخواست می‌کنم که اقدامات لازم را انجام دهید تا مطمئن حاصل شود که زنان ما زندگی آرام‌تر و شادتر و عاری از ظلم و خشونت دارند.»

این هنرمند ساده‌اندیشانه افزود: «اگر این اصلاحات را اجرا کنید به شما قول می‌دهم. در بزرگترین ورزشگاه ایران کنسرت رایگان خواهیم داد!»

هنوز فعالیت مسعود پزشک‌های بطور رسمی به عنوان رئیس دولت چهاردهم شروع نشده است اما از اظهارات افراد حامی وی روشن است که او اگر بخواهد به ادعاهای خود عمل کند با موانع اساسی در دولت خود روبرو خواهد بود، اگرچه خودش و مشاورانش از جمله محمدجواد ظریف با تبلیغ برای رأی جمع کردن چنین ادعا می‌کردند که «تغییر فقط با رأی به پزشک‌های امکان‌پذیر است.»

● دفتر هواپیمایی ترکیه (ترکیش ایرلاین) در تهران به خاطر حجاب پلمب شد.

● دادستان تهران در پاسخ به پرسش یک خبرنگار مدعی شد که در این مورد حکم قضایی صادر نشده است.

● سوزنچی کاشانی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سند اداره اماکن برای پلمب دفتر این شرکت هواپیمایی را منتشر کرد اما همزمان عنوان کرد که این دستور لغو شده است.

● وی ضمن انتشار رونوشت حکم پلمب دفتر «ترکیش ایرلاین» نوشت: «نگرانی من کسانی هستند که مدت‌هاست نمی‌خان رابطه ایران و ترکیه درست شود و الکی به حجاب و عفاف ربطش ندید.»

یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۱۹ تیرماه ادعا کرد دفتر هواپیمایی «ترکیش ایرلاین» در تهران به دلیل حجاب پلمب شده است. ابراهیم سوزنچی در پیامی در «ایکس» با کنایه به عبارت «هنر حکمرانی» اشاره کرد و نوشت، «اردوغان زنگ زده و یکساعت با رئیس جمهور منتخب [پزشک‌های] صحبت کرده که انشاءالله روابط رو حسنه کنیم. همین امروز اماکن رفته دفتر ترکیش ایرلاین رو به دلیل حجاب پلمپ کرده؛ حتما تصادفی بوده!»

شماری از هواداران مسعود پزشک‌های معتقدند وی به واسطه‌ی اینکه آذری‌زبان است می‌تواند روابط حسنه‌ای با رهبران کشورهایی مثل جمهوری آذربایجان و ترکیه برقرار کند اما به نظر نمی‌رسد پزشک‌های یا هر رئیس دولتی در جمهوری اسلامی حتماً اگر هم بخواهد، توان مهار نهادهای امنیتی-انتظامی را داشته باشد که از قوه قضائیه و نهادهای موازی دیگر دستور می‌گیرند. البته خود پزشک‌های که مورد حمایت اصلاح‌طلبان رژیم قرار گرفته یک اصولگرا و مدافع سرسخت حجاب اجباری است.

با اینهمه ساعتی پس از اعلام خبر پلمب دفتر «ترکیش ایرلاین»، علی صالحی دادستان تهران در جمع خبرنگاران

هیچ ماده‌ای تصریح بر آن ندارد که آموزش و پرورش هم می‌تواند مجازات تکمیلی در اینباره داشته باشد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی همچنین اعلام کرده که پیشتر هیئت تخلفات آموزش و پرورش که باید مدافع جدی اصل ۳۰ و آموزش رایگان باشد با استناد به برگزاری تجمعات معلمان که بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی بوده، این تجمعات را غیر قانونی و سخنرانی عزیز قاسم زاده را در دفاع از آموزش رایگان و معلمان زندانی، ساختار شکن خوانده بود و از آواز خوانی او با اشعار بزرگان، با عنوان مضامین انحرافی یاد کرده بود و حتی در تاریخ‌هایی که اساساً تجمعی برگزار نشده بود، این عنوان اتهامی را به این فعال صنفی معلمان نسبت داده بود. اکنون دیوان عدالت اداری با نقض صریح قانون، به تأیید قانون شکنی‌های آموزش و پرورش اقدام ورزیده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با ابراز «ناخرسندی و نگرانی از رویه ناصواب پیش رو در دیوان عدالت اداری و جانبداری آشکار این نهاد از تصمیم‌های غیر قانونی و معلم ستیزانه آموزش و پرورش در تضییع حقوق فعالان صنفی» خواهان تجدید نظر و بی‌طرفی این نهاد در رویکرد خود است. عزیز قاسم‌زاده آموزگار ساکن استان گیلان با ۲۵ سال سابقه تدریس، و در حال حاضر در زندان لاکان رشت محبوس است. وی در سال ۱۴۰۱ به همراه چند تن از فعالین صنفی معلمان استان گیلان، توسط شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت به تحمل دو سال و یک روز حبس تعزیری و دو سال منع عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی و اجتماعی محکوم شد. این آموزگار نوزدهم فروردین‌ماه سال ۱۴۰۲، جهت تحمل دوران محکومیت خود بازداشت و به زندان لاکان رشت منتقل شد. او در پرونده دیگری نیز به یک سال زندان محکوم شده است. این فعال صنفی پس از محکومیت به دو سال زندان که بدون حتی تهمیم اتهام‌های او صادر شده بود، در نامه‌های سرگشاده از حقوقدانان پرسید: «آیا می‌توان بدون تفهیم اتهام، مبادرت به صدور حکم علیه کسی نمود و آیا اساساً با کیفیتی که شرح آن رفت، می‌توان افرادی را محاکمه و هریک را به دو سال زندان محکوم نمود؟»

عزیز قاسم‌زاده به تازگی در بیانیه‌ای مشترک با اسماعیل عیدی، دیگر فعال صنفی آموزگاران، چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرده بود.

در بخشی از این بیانیه آمده بود «برخوردهای سنگین امنیتی و قضایی با اقشار مختلف مردم از فرودستان و تهیدستان تا کارگران و معلمان از جوانان و زنان تا روشنفکران و هنرمندان و نویسندگان موجب شده که دیگر هیچ‌امیدی به «روزنه‌گشایی» وجود نداشته باشد با ساختار کنونی تصور اصلاح به شیوه‌های معمول و مرسوم به امتناع ذاتی تبدیل شده و شاید تنها دفع افسد به فساد واقع‌بینانه‌ترین نتیجه چنین انتخابی باشد که اخلاقاً و عرفاً و شرعاً نمی‌توان از چنین نتیجه‌ای دفاع کرد. « این بیانیه افزوده بود توان بزرگ در همبستگی باید در متق جامعه، در کلاس‌های درس، در میان مردم کوچک و بازار، هزینه شود، نه در ستادهای انتخاباتی آقایان پزشک‌های یا جلیلی.

عزیز قاسم‌زاده و اسماعیل عیدی نوشته بودند «تردیدی نیست که این دوره رکود نیز خواهد گذشت اما فراموش نکنیم بخش بزرگی از آسیب‌دیدگان دی ۹۶، آبان ۹۸ از بلوچستان تا تهران و کردستان و دیگر نقاط ایران، به حسن روحانی رای داده بودند که دولت اعتدالی و اصلاحی بود و در سال ۱۴۰۱ نیز این تجربه تلخ و سنگین در دولت موسوم به اصولگرایان هم تکرار شد.»

این دو فعال صنفی تأکید کرده بودند به گمان ما «انتخابات» زمین بازی فعالین صنفی و مدنی نیست. می‌بایست با «خود انتقادی» و در عین حال حفظ امید، برای فرادهای روشن خود را آماده کنیم.

تحریم انتخابات؛ تزلزل در پایه‌های رژیم اسلامی



سابقه سیاه آنها جای تعجب ندارد. آنها در این انتخابات بیش از پیش سرنوشت خود را با رژیم اسلامی گره زدند و صفوف خود را از ملت ایران جدا کردند. مشارکت در انتخابات تحریم شده از سوی ملت و حمایت از کاندیدایی که سرسپردگی‌اش به رهبری نظام کاملا روشن و واضح است این جریان را بیش از پیش در پیشگاه ملت بی اعتبار ساخت. اصلاح‌طلبان یکبار دیگر ثابت کردند که در مسیر آزادی ایران نیروی قابل اعتمادی نیستند و نمی‌توان به عنوان بخشی از راه حل روی آنها حساب کرد.

تحریم انتخابات با موفقیت انجام شد. گام بعدی ضرورت ابتکار عمل از جانب نیروهای اپوزیسیون را می‌طلبد. مبارزه با جمهوری اسلامی باید از مرحله سلبی خارج شود و به ارائه یک آلترناتیو مشخص برسد. در این شرایط نیروهای اپوزیسیون باید با پذیرش دو واقعیت مسلم به عنوان راهنمای عمل، مسئولیت خود را بجا بیاورند:

نخست، بازنشاسی متقابل و پذیرش تکثر سیاسی موجود به عنوان مبنای یک اتحاد ملی فراجنبی. این تکثر باید طیف وسیعی از نیروها از پادشاهی‌خواه تا جمهوریخواه و اصلاح‌طلبان سابق را که بطور قاطع به جمهوری اسلامی پشت کرده‌اند در بر بگیرد.

دوم، اهمیت رهبری برای هدایت مبارزه است. این رهبری نمی‌تواند مطلقه باشد و مشروط به اهداف مشخصی خواهد بود. شاهزاده رضا پهلوی به عنوان شخصیتی فراجنبی و مورد اعتماد قاطبه مردم تنها چهره‌ای است که می‌تواند این مسئولیت را برعهده بگیرد.

چنانچه اپوزیسیون در مرحله بعدی مبارزات قادر به تحقق این اهداف نباشد تحریم انتخابات به تنهایی برای پیروزی نهایی مبارزات کافی نخواهد بود و در نهایت نیروهای درون رژیم می‌توانند از عدم انسجام در اپوزیسیون استفاده کرده و سناریوهای جدیدی طراحی کنند. آنها تمام تلاش خود را به کار خواهند گرفت تا یک اتحاد ملی فراجنبی با این رهبری شکل بگیرد.

*حمیدرضا نیک‌بخش تحلیلگر سیاسی

برای مشروعیت بخشیدن به رژیم حاکم است. ضروریات دوران مدرن حکومت‌ها را مجبور می‌کند که موجودیت خود را بر پایه رضایت مردم توجیه کنند و صاحبان قدرت مجبورند برای اثبات رضایت مردم از وضع موجود شواهد و مدارک ارائه دهند. اهمیت مشارکت در انتخابات برای رژیم‌های غیردموکراتیک در همین نکته است. رژیم می‌تواند مشارکت مردم در انتخابات نمایشی را به عنوان «مدرک» رضایت مردم از وضع موجود ارائه دهد و با کسب مشروعیت از آن سیاست‌های خود را توجیه کند. وزیر خارجه رژیم اسلامی زمانی می‌توانست مشارکت ۷۳ درصدی را عامل مشروعیت رژیم دانسته و سرکوب‌ها را بر پایه همین مشروعیت توجیه کند. اکنون حامیان نظام از مشارکت پایین در دموکراسی‌های مدرن غربی مثال می‌آورند - بی‌توجه به منطق غلط مقایسه و تفاوت در مت و بطن این جوامع - تا بگویند مشارکت پایین ربطی به مشروعیت ندارد. این تغییر در گفتمان حامیان رژیم در بازسازی نسبت مشارکت و مشروعیت نشان‌دهنده تاثیر موفقیت‌آمیز تحریم انتخابات است زیرا رژیم از یک منبع مهم و حیاتی برای بازتولید مشروعیت خود بی‌بهره شده است.

کاهش مشارکت سیاسی در مشروعیت‌زدایی از رژیم به ویژه با توجه به بافت توتالیتر رژیم اسلامی حائز اهمیت است. رژیم برای تحقق پروژه تمامیت‌خواهی خود قطعاً به مشارکت سیاسی از جمله مشارکت در انتخابات نیاز حیاتی دارد. از نظر رژیم مشارکت بالا در انتخابات نمادی از «وحدت ملی» به سود نظام است که خود بنیاد «قدرت ملی» برای نظام محسوب می‌شود. اما منظور از قدرت ملی در واقع همان قدرت نظام حاکم است زیرا در گفتمان توتالیتر، ملت هویتی جدا از نظام سیاسی ندارد. تحریم انتخابات این پروژه را به چالش کشید زیرا ملت هویتی متمایز از نظام سیاسی برای خود تعریف کرد. تحریم انتخابات پایه‌های توتالیتری رژیم اسلامی را سست خواهد کرد.

نکته دیگری که باید مورد اشاره قرار بگیرد رویکرد مخرب اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۳ است که البته با توجه به

● مشارکت در انتخابات رژیم اسلامی بیش از آنکه مسیری در جهت دموکراتیزاسیون باشد، عاملی برای مشروعیت بخشیدن به رژیم حاکم است. ضروریات دوران مدرن حکومت‌ها را مجبور می‌کند که موجودیت خود را بر پایه رضایت مردم توجیه کنند و صاحبان قدرت مجبورند برای اثبات رضایت مردم از وضع موجود شواهد و مدارک ارائه دهند. اهمیت مشارکت در انتخابات برای رژیم‌های غیردموکراتیک در همین نکته است.

● رویکرد مخرب اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۳ است که البته با توجه به سابقه سیاه آنها جای تعجب ندارد. آنها در این انتخابات بیش از پیش سرنوشت خود را با رژیم اسلامی گره زدند و صفوف خود را از ملت ایران جدا کردند. مشارکت در انتخابات تحریم شده از سوی ملت و حمایت از کاندیدایی که سرسپردگی‌اش به رهبری نظام کاملا روشن و واضح است این جریان را بیش از پیش در پیشگاه ملت بی اعتبار ساخت. اصلاح‌طلبان یکبار دیگر ثابت کردند که در مسیر آزادی ایران نیروی قابل اعتمادی نیستند و نمی‌توان به عنوان بخشی از راه حل روی آنها حساب کرد.

● تحریم انتخابات با موفقیت انجام شد. گام بعدی ضرورت ابتکار عمل از جانب نیروهای اپوزیسیون را می‌طلبد. مبارزه با جمهوری اسلامی باید از مرحله سلبی خارج شود و به ارائه یک آلترناتیو مشخص برسد. در این شرایط نیروهای اپوزیسیون باید با پذیرش دو واقعیت مسلم به عنوان راهنمای عمل، مسئولیت خود را بجا بیاورند: پذیرش تکثر سیاسی موجود به عنوان مبنای یک اتحاد ملی فراجنبی و رهبری برای هدایت مبارزه که شاهزاده رضا پهلوی به عنوان شخصیتی فراجنبی و مورد اعتماد قاطبه مردم می‌تواند این مسئولیت را برعهده بگیرد. رژیم تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا این اتحاد ملی فراجنبی با این رهبری شکل بگیرد.

حمیدرضا نیک‌بخش - تحریم انتخابات ریاست جمهوری گام مهمی در راستای مقاومت مدنی و مبارزات سیاسی ملت ایران برای گذار قطعی از جمهوری اسلامی بود. مردم با تحریم انتخابات به تمامیت حکومت اسلامی از جمله جناح‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب نه گفتند. رژیم اسلامی طی سال‌ها با ایجاد گفتمانی حول محور مشارکت در انتخابات و کارکرد مشروعیت‌زای آن برای رژیم و تبدیل «حق» به «وظیفه ملی و شرعی» عملاً انتخابات را به فراندوم تبدیل کرد.

برخی ضمن مخالفت واقعی یا ظاهری با رژیم اسلامی، مردم را تشویق به مشارکت در انتصابات خامنه‌ای کردند. استدلال اصلی آنها تسهیل در روند دموکراتیزاسیون است. آنها معتقدند که انتخابات و دیگر نهادهای به ظاهر دموکراتیک در نظام‌های اقتدارگرا می‌توانند گذار به دموکراسی را تسهیل کنند. واقعیات تجربی از جمهوری اسلامی از سوی دیگر اثبات می‌کند که این استراتژی حداقل در مورد ایران کارایی نداشته است. خاهی به احمدی نژاد ختم شد و روحانی به رئیس‌ی. کشتار جوانان در آبان خونین ۹۸ در مقیاسی شدیدتر از سرکوب خونین خیزش ۱۴۰۱ صورت گرفت. بنابراین نه تنها حرکتی به سوی دموکراسی صورت نگرفته است، بلکه شاهد یک دور باطل بوده‌ایم.

می‌توانیم ادعا کنیم که مشارکت در انتخابات رژیم اسلامی بیش از آنکه مسیری در جهت دموکراتیزاسیون باشد، عاملی

افزایش چشمگیر تولید موشک‌های بالستیک توسط جمهوری اسلامی در تأسیسات نظامی «خُجیر» و «مدرس»



تصویر ماهواره‌ای از تأسیسات موشکی خجیر در شرق تهران / منبع: رویترز

می‌شود. از نگاه ایالات متحده، هرگونه توسعه تولیدات موشکی و پهبادی از سوی تهران بسیار نگران کننده است. واشنگتن مدعی است که پهبادهای ایرانی تسهیل کننده ادامه حملات روسیه به شهرهای اوکراین است و اسرائیل را در دفع حملات گروه‌های مورد حمایت حکومت ایران، از جمله حزب‌الله و حماس به دردمر می‌اندازد.

این دو سایت تولید موشک سال‌هاست که در توسعه و تولید موشک‌های بالستیک میان‌برد و کوتاه‌برد ارتش و سپاه پاسداران و همچنین راکت‌هایی برای برنامه فضایی این کشور نقش داشته‌اند.

انفجار مهیبی دوازدهم نوامبر ۲۰۱۱ بخش وسیعی از پایگاه «مدرس» را که مرتبط با موشک‌های سوخت جامد بود، منهدم کرد و باعث کشته شدن ۱۷ نفر از افسران سپاه پاسداران از جمله حسن تهرانی مقدم شد که او را «معمار» برنامه موشک‌های بالستیک در ایران لقب داده بودند.

کشورهای عضو «گروه هفت» اواخر اسفندماه ۱۴۰۲ به جمهوری اسلامی هشدار دادند، «اگر به ارسال موشک‌های بالستیک یا فناوری‌های مرتبط به روسیه ادامه دهد، آماده واکنش‌های سریع و هماهنگ از جمله اقدامات جدید و مهم هستیم.» یکی از گزینه‌های آنها تحریم پرواز «ایران ایر» به اروپا بود.

در جریان نشست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بررسی روند اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ مرتبط با فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی بر اساس برجام که دوشنبه ۲۵ ژوئن (چهارم تیرماه) برگزار شد نمایندگان دولت‌های غربی علاوه بر فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی روی توسعه و ساخت موشک و پهباد و ارسال آن به روسیه و شبه‌نظامیان منطقه نیز تمرکز داشتند. در همین نشست تهدید شد که اگر جمهوری اسلامی این روند را ادامه دهد فعال شدن «مکانیسم ماشه» محتمل خواهد بود.

می‌گوید که عملیات توسعه «مجمع خجیر» در اوت سال گذشته و توسعه پایگاه «مدرس» نیز در اکتبر گذشته آغاز شده است.

تحلیلگران تخمین می‌زنند که جمهوری اسلامی بیش از سه هزار موشک ذخیره کرده باشد. بخشی از این موشک‌ها احتمالاً قابلیت حمل کلاهک‌های متعارف یا کلاهک اتمی را دارند.

سه مقام ایرانی که نخواستند نامشان فاش شود، در گفتگو با رویترز تأیید کردند که پایگاه نظامی مدرس و مجمع خجیر برای افزایش ظرفیت تولید موشک‌های متعارف بالستیک توسعه می‌یابند.

یکی از مقامات ایرانی ضمن تأیید عملیات توسعه ظرفیت تولیدات موشکی به رویترز گفت: «چرا نباید این کار را انجام دهیم؟»

یک مقام دیگر ایرانی نیز گفته که «برخی از سازه‌های جدید در تأسیسات یاد شده امکان دو برابر شدن ظرفیت تولید پهباد را فراهم می‌کنند... پهبادها و قطعات موشکی به روسیه فروخته می‌شود، پهبادهایی نیز در اختیار حوثی‌ها و موشک‌هایی در اختیار حزب‌الله قرار می‌گیرد.»

رویترز تأکید می‌کند که قادر نیست بطور مستقل اظهارات این مقامات ایرانی را تأیید کند. برخی تحلیلگران رویترز را متهم می‌کنند که در پوشش اخبار و گزارش‌های خود در برخی موارد به منابع یا ادعای کسانی استناد می‌کند که همسو با منافع جمهوری اسلامی از رسانه به عنوان ابزار جنگ نرم بهره می‌برند.

جفری لوییس می‌گوید: «می‌دانیم که روسیه به دنبال ظرفیت‌های موشکی کم‌هزینه است و به همین دلیل، به ایران و کره شمالی روی آورده است.»

مسکو و پیونگ‌یانگ انتقال موشک‌های کره شمالی به روسیه را تکذیب کرده‌اند. دو محقق آمریکایی در مصاحبه‌های جداگانه گفتند که از روی عکس‌های ماهواره‌ای مشخص نیست چه نوع موشک‌هایی در تأسیسات جدید ایران که به نظر می‌رسد هنوز در حال ساخت هستند، تولید

● خبرگزاری رویترز روز دوشنبه هشتم ژوئیه (۱۸ تیرماه) گزارش داد دو محقق آمریکایی با استناد به تصاویر ماهواره‌ای دریافتند که جمهوری اسلامی در دو مرکز کلیدی ساخت موشک‌های بالستیک را توسعه داده است. این خبرگزاری مدعی شد که سه مقام ایرانی این موضوع را تأیید کرده‌اند.

● تصاویری که در ماه مارس و آوریل توسط شرکت تجاری تصویربرداری ماهواره‌ای «پلانت لبز» از پایگاه نظامی «شهید مدرس» و مجمع تولید موشک خُجیر، گرفته شده، افزایش بیش از ۳۰ ساختمان جدید را در این دو سایت بطور کامل نشان می‌دهد. هر دو سایت موشکی نزدیک تهران قرار دارند. تأسیسات موشکی خجیر در شرق تهران حوالی نیروگاه اتمی پارچین فعال است که طی سال‌های اخیر مواردی از خرابکاری در آن اتفاق افتاده است.

● جفری لوییس از مؤسسه مطالعات بین‌المللی «میدل‌بری» در مونته‌ری کالیفرنیا می‌گوید، «خاکریزی‌هایی عمیق با تولید موشک مرتبط هستند و برای جلوگیری از انفجار مهیب در یک ساختمان و منفجر کردن مواد بسیار اشتعال‌زا در سازه‌های مجاور طراحی شده‌اند.»

خبرگزاری رویترز روز دوشنبه هشتم ژوئیه (۱۸ تیرماه) گزارش داد دو محقق آمریکایی با استناد به تصاویر ماهواره‌ای دریافتند که جمهوری اسلامی در دو مرکز کلیدی ساخت موشک‌های بالستیک را توسعه داده است. این خبرگزاری مدعی شد که سه مقام ایرانی این موضوع را تأیید کرده‌اند.

بر اساس ادعای مطرح شده، تهران ماه اکتبر ۲۰۲۲ برای ارسال موشک بالستیک به روسیه توافق کرد. روسیه از این موشک‌ها در جنگ علیه اوکراین استفاده می‌کند هرچند که مقامات جمهوری اسلامی آن را رد می‌کنند. به گفته مقامات آمریکایی، تهران همچنین به شورشیان حوثی یمن و شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان که هر دو عضو «محور مقاومت» علیه اسرائیل هستند، موشک ارسال می‌کند.

تصاویری که در ماه مارس و آوریل توسط شرکت تجاری تصویربرداری ماهواره‌ای «پلانت لبز» از پایگاه نظامی «شهید مدرس» و مجمع تولید موشک خُجیر، گرفته شده، افزایش بیش از ۳۰ ساختمان جدید را در این دو سایت بطور کامل نشان می‌دهد. هر دو سایت موشکی نزدیک تهران قرار دارند. تأسیسات موشکی خجیر در شرق تهران حوالی نیروگاه اتمی پارچین فعال است که طی سال‌های اخیر مواردی از خرابکاری در آن اتفاق افتاده است.

بر اساس تصاویری که رویترز منتشر کرده بسیاری از سازه‌های این دو سایت با خاکریزهای بزرگ احاطه شده‌اند. جفری لوییس از مؤسسه مطالعات بین‌المللی «میدل‌بری» در مونته‌ری کالیفرنیا می‌گوید، «چنین خاکریزی‌هایی با تولید موشک مرتبط هستند و برای جلوگیری از انفجار مهیب در یک ساختمان و منفجر کردن مواد بسیار اشتعال‌زا در سازه‌های مجاور طراحی شده‌اند.» این کارشناس ضمن بررسی تصاویر ماهواره‌ای ثبت شده

دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی در آستانه‌ی اخراج از افغانستان



علی موجانی (راست)

● منابع افغان روز سه‌شنبه نهم ژوئیه (۱۹ تیرماه) گزارش دادند، علی موجانی دیپلمات و مشاور نماینده ویژه جمهوری اسلامی در امور افغانستان در آستانه اخراج از این کشور قرار دارد.

● به گفته این منابع، مقامات طالبان گفته‌اند دیپلمات جمهوری اسلامی «پا را از حد خود فراتر گذاشته» و «عنصر نامطلوب» است.

● در همین ارتباط «افغانستان اینترنشنال» گزارش داد این اقدام در واکنش به اخراج یکی از عوامل کنسولگری طالبان در مشهد انجام شده است.

● بررسی‌های مطالبی که موجانی در «ایکس» به اشتراک گذاشته نشان می‌دهد او در چند مسئله مهم به طالبان نیش و کنایه زده است. همچنین بعضی از مواضع او به نظر می‌رسد از سوی طالبان به عنوان دخالت قلمداد شده زیرا بطور مستقیم در مورد عزل و نصب‌های حکومتی اظهار نظر کرده است.

منابع افغان روز سه‌شنبه نهم ژوئیه (۱۹ تیرماه) گزارش دادند، علی موجانی دیپلمات و مشاور نماینده ویژه جمهوری اسلامی در امور افغانستان در آستانه اخراج از این کشور قرار دارد.

به گفته این منابع، مقامات طالبان گفته‌اند دیپلمات جمهوری اسلامی «پا را از حد خود فراتر گذاشته» و «عنصر نامطلوب» است. در همین ارتباط «افغانستان اینترنشنال» گزارش داد این اقدام در واکنش به اخراج یکی از عوامل کنسولگری طالبان در مشهد انجام شده است.

علی موجانی اخیراً گفته بود که اعضای طالبان به او اجازه ندادند در نماز عید قربان قندهار به امامت ملا هیت‌الله رهبر طالبان شرکت کند. بررسی‌های مطالبی که موجانی در «ایکس» به اشتراک گذاشته نشان می‌دهد او در چند مسئله مهم به طالبان نیش و کنایه زده است.

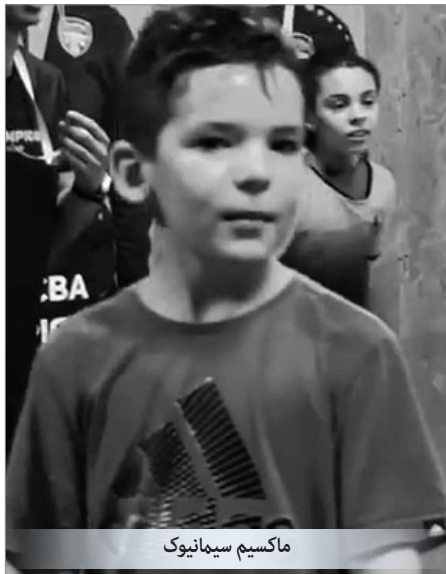
همچنین بعضی از مواضع او به نظر می‌رسد از سوی طالبان به عنوان دخالت قلمداد شده زیرا بطور مستقیم در مورد عزل و نصب‌های حکومتی اظهار نظر کرده است.

کاراته‌گای ده ساله اوکراینی زیر بمباران ارتش روسیه کشته شد

● خبری که پس از بمباران شهر کیف در روز دوشنبه هشتم ژوئیه از طریق فدراسیون ملی کاراته اوکراین منتشر شد همه را در ماتم فرو برد. ماکسیم سیمانیوک پسر ده ساله‌ای که در باشگاه کاراته کی‌یف تمرین می‌کرد به همراه خواهر نه ساله و مادرش بر اثر بمباران ارتش روسیه کشته شد.

● در بین ورزشکاران کشته شده، چهره‌های شناخته شده‌ای نیز به چشم می‌خورد از جمله سرگنی بالانچوک فوتبالیست تیم دینامو کی‌یف که در لیگ فوتبال اسرائیل هم حضور داشت؛ سرگنی پرونیویچ دوندۀ ماراتن، ویکتوریا کوتلیاروا فوتبالیست سی ساله‌ای که روز قبل از کشته شدنش ازدواج کرده بود. او در لیگ فوتبال زنان بازی می‌کرد. فدر بیپانوف شمشیرباز جوانی که فقط هجده سال داشت و البته الکساندر پیلشکو وزنه‌بردار نامی اوکراین که دو بار قهرمان اروپا شده بود و در المپیک ۲۰۱۶ ریو در رتبه چهارم ایستاد.

جنگ خانمانسوزی که ارتش روسیه علیه مردم اوکراین در



ماکسیم سیمانیوک

فوریه ۲۰۲۲ آغاز کرد، علاوه بر صدمات جانی و خسارات جبران‌ناپذیری که بر مردم اوکراین تحمیل کرده، زیرساخت‌های ورزشی این کشور را نیز هدف قرار داده است. طبق آمارهای کمیته ملی المپیک و سازمان ملی آمار اوکراین اعلام کرده‌اند بیش از چهارصد و پنجاه ورزشکار اوکراینی در سن‌ها و رده‌های مختلف توسط ارتش روسیه کشته شده‌اند.

«دکتر سلیم» یکی از اعضای هیئت دیپلماتیک طالبان، آذرماه سال ۱۴۰۲ یک عکاس ایرانی را به داخل کنسولگری افغانستان در مشهد کشانده و وی را شکنجه کرد. به دنبال شکایت این عکاس پس از رسیدگی به پرونده، اواسط خردادماه این عامل طالبان از ایران اخراج شد.

هرچند طالبان پس از اعلام نتایج شمارش آراء در «انتخابات حکومتی» به مسعود پزشکیان تبریک گفت اما



برخی معتقدند متن پیام آنها نشان دهنده «استقبال سرد» از روی کار آمدن وی است به ویژه آنکه محمدجواد آذری جهرمی وزیر سابق ارتباطات جمهوری اسلامی از عوامل کارزار انتخاباتی پزشکیان، در «ایکس» سعید جلیلی رقیب پزشکیان و تیم او را با طالبان مقایسه کرده بود. طی دو سال اخیر بارها نیروهای طالبان به مرزبان‌های ایرانی شلیک کردند و در مواردی آنها را برای چند ساعت به اسارت گرفتند و ویدیوهایی از برخورد تحقیرآمیز با آنها منتشر کردند.

اخراج سفرای جمهوری اسلامی از افغانستان دارای سابقه است. پیش از روی کار آمدن طالبان، دولت پیشین افغانستان نیز دو دیپلمات جمهوری اسلامی را متهم به ارتباط با «سپاه قدس» کرد و هر دو نفر اخراج شدند.

وزیر دفاع اسرائیل: ۶۰ درصد از تروریست‌های حماس از بین رفته‌اند



گالانت

● پس از آنکه گفته شد رهبران حماس از ترس افزایش تلفات در جنگ غزه پیشنهاد توافق را پذیرفته‌اند، وزیر دفاع اسرائیل طی سخنانی در پارلمان اسرائیل (کنست) اعلام کرد، این کشور ۶۰ درصد از تروریست‌های حماس را در غزه از بین برده است.

● روزنامه «اورشلیم پست» روز چهارشنبه ۱۰ ژوئیه به نقل ژنرال یوآو گالانت نوشت «اسرائیل یخش عمده ۲۴ گردانی را که شاخه نظامی حماس در آغاز جنگ در اختیار داشت، متلاشی کرده است».

● به گفته این مقام نظامی، اقدام ارتش اسرائیل تا کنون منجر به نابودی بیش از ۱۴ هزار تروریست و فروپاشی چهارچوب نظامی حماس شده است. وی به نمایندگان توضیح داد: «همه چیز طبق قانون و مطابق با نیازهای عملیاتی پیش رفته است».

پس از آنکه گفته شد رهبران حماس از ترس افزایش تلفات در جنگ غزه پیشنهاد توافق را پذیرفته‌اند، وزیر دفاع اسرائیل طی سخنانی در پارلمان اسرائیل (کنست) اعلام کرد، این کشور ۶۰ درصد از تروریست‌های حماس را در غزه از بین برده است.

روزنامه «اورشلیم پست» روز چهارشنبه ۱۰ ژوئیه (۲۰ تیرماه) به نقل ژنرال یوآو گالانت نوشت «اسرائیل بخش عمده ۲۴ گردانی را که شاخه نظامی حماس در آغاز جنگ در اختیار داشت، متلاشی کرده است».

به گفته این مقام نظامی، اقدام ارتش اسرائیل تا کنون منجر به نابودی بیش از ۱۴ هزار تروریست و فروپاشی چهارچوب نظامی حماس شده است. وی به نمایندگان توضیح داد: «همه چیز طبق قانون و مطابق با نیازهای عملیاتی پیش رفته است».

گالانت همچنین اعلام کرد که «مشروعیت بین‌المللی» شرط مهمی برای ادامه عملیات است. وی در بخش دیگری از سخنان خود توضیح داد: «پیش‌نویس بخشنامه‌ها در چند هفته آینده به برخی یهودیان افراطی ارتدوکس که قبلاً از خدمت در ارتش اسرائیل معاف شده بودند، ابلاغ خواهد شد».

منابع اسرائیلی روز دوشنبه هشتم ژوئیه (۱۸ تیرماه) گزارش دادند، بر اساس پیام‌های داخلی ارسال شده میان مقامات ارشد نظامی حماس در داخل غزه با رهبران سیاسی این گروه تروریستی در خارج از غزه، حماس به دلیل افزایش تلفات خود در جنگ مجبور شده از بعضی خواست‌های خود عقب‌نشینی کند تا زودتر با اسرائیل به توافق برسد و بیش از این متحمل خسارات و تلفات سنگین نشود.

در ماه‌های اخیر وزارت خزانه‌داری آمریکا در همکاری با بریتانیا و دولت‌های اروپایی چندین شبکه تأمین‌کننده مالی حماس را که مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند تحریم کرد.

اخیراً مطرح شده بود که قرار است رهبران حماس و درواقع دفتر مرکزی آنها از دوحه به عراق (بغداد) منتقل شوند. قطری‌ها اسماعیل هنیه را زیر فشار گذاشتند تا این طرح و همچنین پیشنهاد توافق را بپذیرد و گرنه حمایت‌های مالی خود را از حماس قطع خواهند کرد.

برخی منابع فاش کرده بودند رهبران حماس تحت فشار فزاینده قطر جهت پذیرش پیشنهادهای آمریکا برای آتش‌بس و مبادله گروگان‌ها و زندانیان فلسطینی با اسرائیل قرار دارند.

حماس این پیشنهادها را رد کرده و خواسته‌های خود را تکرار کرده بود که هر توافقی باید امکان آتش‌بس دائمی در منطقه، خروج کامل نیروهای اسرائیلی، بازسازی غزه و بازگشت بی‌قید و شرط فلسطینی‌های آواره را فراهم کند.

در حالی که انتظار می‌رود تلاش‌های میانجیگران منجر به توافق آتش‌بس در نوار غزه شود، محمود الهباش مشاور رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین به العربیه گفت: «حماس برای آنچه بر مردم فلسطین می‌گذرد، اهمیتی قائل نیست». بسیاری از تحلیلگران معتقدند حماس برای نجات خود از مخمصه به دنبال توافق با اسرائیل است هرچند که بنیامین نتانیاو نخست‌وزیر اسرائیل بارها اعلام کرد که حماس در آینده غزه جایی نخواهد داشت.

→ خبری که پس از مباران شهر کی‌یف در روز دوشنبه هشتم ژوئیه از طریق فدراسیون ملی کاراته اوکراین منتشر شد همه را در ماتم فرو برد. ماکسیم سیمانیوک پسر ده ساله‌ای که در باشگاه کاراته کی‌یف تمرین می‌کرد به همراه خواهر نه ساله و مادرش بر اثر مباران ارتش روسیه کشته شد.

ولودیمیر بیوف مربی ماکسیم در باشگاه کاراته کی‌یف به رسانه‌ها گفته است: «ماکسیم پسر باهوش و سخت‌کوشی بود. اخلاق ورزشی او زبانزد بود. پشتکار ورزشی او به من انگیزه می‌داد که به او بیشتر توجه کنم. متأسفانه ماکسیم خیلی زود از میان ما رفت.»

فدراسیون جهانی کاراته پس از اعتراض جانوس راهوماگی رئیس وقت فدراسیون کاراته استونی و به دنبال آن اعتراضات مکرر فدراسیون ملی کاراته اوکراین، با اینکه کمیته بین‌المللی المپیک تجاوز روسیه و بلاروس به اوکراین را محکوم و هر دو کشور را از شرکت در مسابقات المپیک محروم کرده، با تعلل زیاد در نهم مارس ۲۰۲۲ فدراسیون کاراته روسیه و بلاروس را از شرکت در مسابقات کاراته محروم کرد. در بیانیه‌ای که فدراسیون جهانی کاراته به همین منظور منتشر کرد تجاوز نظامی روسیه محکوم نشده بود.

تهاجم ارتش روسیه تقریباً به وسیله همه فدراسیون‌های بین‌المللی ورزش از جمله یوفا و کمیته بین‌المللی المپیک محکوم شد و ورزش روسیه و بلاروس از همه عرصه‌ها کنار گذاشته شد. اعتراض روسیه به واکنش کمیته بین‌المللی المپیک و روند دادگاه «کس» در سوئیس نیز کمکی به ورزش روسیه نکرد. نهایتاً ورزشکاران روسیه (آنهایی که در جنگ حضور نداشته‌اند) می‌توانند به صورت NEUTRAL در مسابقات جهانی و المپیک حضور داشته باشند.

در بین ورزشکاران کشته شده، چهره‌های شناخته شده‌ای نیز به چشم می‌خورد از جمله سرگئی بالانچوک فوتبالیست تیم دینامو کی‌یف که در لیگ فوتبال اسرائیل هم حضور



ماکسیم سیمانیوک

داشت؛ سرگئی پرونیچ دوندنه مارتن، ویکتوریا کوتلیاروا فوتبالیست سی ساله‌ای که روز قبل از کشته شدنش ازدواج کرده بود، او در لیگ فوتبال زنان بازی می‌کرد. فدر بیفانوف شمشیرباز جوانی که فقط هجده سال داشت و البته الکساندر پیلینسکو وزنه‌بردار نامی اوکراین که دو بار قهرمان اروپا شده بود و در المپیک ۲۰۱۶ ریو در رتبه چهارم ایستاد.

گفتگویی درباره ریشه‌های جشن تیرگان



باستانی ما ریشه هندوایرانی دارند، یعنی به پیش از دوران زرتشت برمی‌گردند. مراسم و مناسک میتزایی را در همه این جشن‌ها و مراسم می‌توان دید. جشن تیرگان هم تا حد زیادی متأثر از این امر است و مولفه‌های مهرپرستی در آن دیده می‌شود.

● گفته می‌شود که تیرگان جشن پیروزی تیشتر بر ایش و جاری شدن آب در ایران سرزمین است...

-بله، داستان مضافی است که بین ایش و تیشتر رخ می‌دهد و در نهایت به پیروزی تیشتر ختم می‌شود و آب در ایران زمین جاری می‌شود. این اسطوره به نوعی درک ایرانیان از رابطه بین ایزدان و طبیعت را نشان می‌دهد. البته هندی‌ها که رطوبت را زیانبار می‌دیدند و خشکی را دوست داشتند ماهیت ایش را به نوعی در ایندرا آمیختند و نقشی مقدس به او دادند. خلاصه اینکه جشن تیرگان بزرگداشت پیروزی تیشتر نزد ایرانیان است. آنچه در نتیجه‌اش، دسترسی ایرانیان به آب میسر می‌شود.

● اسطوره ایرانی دیگری که با جشن تیرگان پیوند دارد اسطوره آرش کمانگیر است. آیا ارتباطی از نظر موضوعی بین این دو اسطوره وجود دارد؟

-درواقع ما هیچ منبعی را پیدا نمی‌کنیم که آرش کمانگیر چگونه با این داستان ارتباط پیدا می‌کند؛ اگر تا اوایل‌ها و تفسیرها بگذریم ارتباط آرش با تیشتر اساساً روشن نیست. توجه داشته باشیم ایزدانی که در اسطوره آرش کمانگیر به او یاری می‌رسانند، از جمله به او کمان می‌دهند و تیرش را هدایت می‌کنند هیچکدام تیشتر نیستند؛ این ایزد سپندارمذ، یعنی ایزد زمین است، که کمان را به آرش کمانگیر می‌دهد. البته منطقی‌تر است ایزدی که کمان را به آرش می‌دهد ایزد مهر باشد. زیرا نه تنها آرش اسطوره‌ای مهری است، بلکه میترا خودش کماندار و ایزد نبرد و تیراندازی است. البته وایو که در عصر ودایی صورت اولیه تیشتر بود در هدایت تیر آرش یاریگر اوست. اما در مجموع پیوند محکمی میان جانفشانی آرش با پیروزی تیشتر بر ایش دیده نمی‌شود. بنابراین، تنها گزینه واقعی‌بینانه آن است که احتمالاً هسته تاریخی افسانه ←

بودند و آب عامل مخرب در زندگی آنها شده بود، تیشتر نقش مقدس خود را از دست داد و در عمل ناپدید شد. در مقایسه دو فرهنگ ایرانی و هندی می‌بینیم که تنها ایرانیان هستند که تیشتر را می‌شناسند، آن را ستایش می‌کنند و برایش جشن آب برگزار می‌کنند. ناگفته نماند در هر منطقه در ایران این جشن با آیینی ویژه برگزار می‌شود؛ گروهی فال کوزه می‌گیرند و برخی دستبند هفت رنگ به دست می‌بندند، اما در اغلب مناطق به روی یکدیگر آب می‌پاشند.

در ایران باستان جشن‌ها معمولاً حول دو عنصر آب و آتش برگزار می‌شدند. مهم‌ترین جشن‌های آتش عبارتند از جشن سده، جشن مهرگان و چهارشنبه سوری. محور همه این جشن‌ها آتش است و مردم گرد آتش می‌آیند و با آواز و موسیقی می‌رقصدند. پرواضح است که چهارشنبه سوری -که متأسفانه ریشه‌های تاریخی آن به خوبی شناخته نشده- خود یک جشن آتش است، در حالی که تنها ۵ روز بعد از آن ما نوروز را داریم که به نوعی جشن آب قلمداد می‌شود. زیرا ما کاسه آب را می‌گذاریم و یا از سبزه استفاده می‌کنیم که منشاء آن آب است. این سبزه را هم ۱۳ روز بعد در آب رها می‌کنیم. نوروز طلیعه آمدن بهار است و آبادانی را به طبیعت برمی‌گرداند. خلاصه کلام اینکه تمام جشن‌های باستانی ایران حول عنصر آب یا آتش می‌گردند.

جشن تیرگان عملاً بارزترین جشن آب است و مراسم آن بین تمام اقوام ایرانی، از آذربایجان گرفته تا کرمان و یزد، مشترک است. مردم روی همدیگر آب می‌پاشند و به دست‌ها و صورت خود آب می‌زنند. در این ایام هوا در ایران گرم است و به این ترتیب آب پاشیدن تجلی عطش و خواسته ما از طبیعت است. این نمادی است از لطف طبیعت که آب را به ما تقدیم می‌کند. تیرگان بزرگداشت ایزد تیشتر است. همانطور که گفتیم رسم دیگری که در این ایام بجا آورده می‌شود بستن دستبند هفت رنگ روی مچ دست‌هاست که نماد "تیر و باد" است چراکه وایو، ایزد بادها، صورت کهن ایزد تیشتر در فرهنگ ودایی بوده است. عدد هفت هم از نشانه‌های آیین مهر است و اهمیت زیادی در این آیین دارد. باید توجه داشته باشیم که بسیاری از جشن‌های

● در ایران باستان جشن‌ها معمولاً حول دو عنصر آب و آتش برگزار می‌شدند. مهم‌ترین جشن‌های آتش عبارتند از جشن سده، جشن مهرگان و چهارشنبه سوری. محور همه این جشن‌ها آتش است و مردم گرد آتش می‌آیند و با آواز و موسیقی می‌رقصدند.

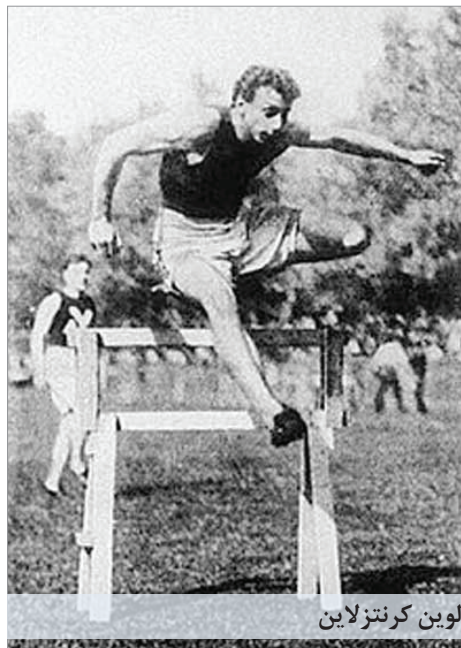
● جشن تیرگان عملاً بارزترین جشن آب است و مراسم آن بین تمام اقوام ایرانی، از آذربایجان گرفته تا کرمان و یزد، مشترک است. مردم روی همدیگر آب می‌پاشند و به دست‌ها و صورت خود آب می‌زنند. در این ایام هوا در ایران گرم است و به این ترتیب آب پاشیدن تجلی عطش و خواسته ما از طبیعت است. این نمادی است از لطف طبیعت که آب را به ما تقدیم می‌کند.

جشن تیرگان از جشن‌های باستانی است که در سال‌های اخیر مانند دیگر جشن‌های ملی در میان ایرانیان درون و بیرون کشور مورد توجه بسیار قرار گرفته و توسط بسیاری جشن گرفته می‌شود. در ارتباط با ریشه‌های این جشن و اسطوره‌هایی که مبنای آن را تشکیل می‌دهند با دکتر امیرعباس ورشوی پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ایران گفتگو کردیم. دکتر ورشوی در پژوهش‌های تاریخی خود بر روی نشان دادن پیوند منطقی بین داستان و اسطوره از یکسو و رویدادهای تاریخی واقعی از سوی دیگر تمرکز دارد.

● داستان و یا اسطوره جشن تیرگان چیست؟

-تیرگان جشن آب و منسوب به ایزد "تیشتر" است که در فرهنگ اوستایی ایزد بارش باران بود. در فرهنگ اوستایی ما دو ایزد متضاد و متخاصم داریم: ایزد "ایش" که ایزد خشکی است و ایزد "تیشتر" که مسئول بارش و بارندگی است. در پایان عصر ودایی وقتی هندی‌ها و ایرانی‌ها از هم جدا شدند و هندی‌ها به شبه‌قاره هند سرزیر گشتند و ایرانی‌ها به سوی فلات ایران رفتند در نگرش آنها نسبت به این ایزدان اختلاف پیش آمد. از دید ایرانیان که وارد فلات ایران، یعنی سرزمینی خشک و کم آب شده بودند، خشکی یک تهدید بود؛ بنابراین، دیو ایش صورتی منفی به خود گرفت. در حالی که نزد هندی‌ها که ساکن سرزمینی بسیار مرطوب و بارانی شده

پاریس، یادآور اولین حضور زنان ورزشکار در بازی‌های المپیک ۱۹۰۰



شارلوت کوپر و آوین کرنزلابین



دو کوبرتن منجر به شکل‌گیری کمیته بین‌المللی المپیک گردید و به دنبال آن اولین دوره بازی‌های المپیک در آتن در سال ۱۸۹۶ برگزار شد. تاکید او بر آماتوریزم، رقابت جواهرانه و لذت بردن از تلاش ورزشی همچنان در منشور کنونی المپیک به عنوان اساسی‌ترین اصول المپیک به شمار می‌آید. پیر دو کوبرتن در سال ۱۹۳۷ی در ژنو سوئیس چشم از جهان فرو بست.

با گذشت بیش از یک قرن از المپیک ۱۹۰۰ پاریس، زنان در بسیاری از عرصه‌های ورزشی همسان با مردان در بازی‌های المپیک شرکت می‌کنند و از حقوق برابر با مردان برخوردارند. کمیته بین‌المللی المپیک نیز در دوره ریاست توماس باخ تلاش‌های قابل قبولی انجام داده است تا این روند در همه کشورهای جهان بسط و توسعه یابد. با این حال هنوز در کشورهای خاورمیانه زنان در بسیاری از رشته‌های ورزش با تبعیض و تفکیک جنسیتی سیستماتیک مواجه هستند. با یک نگاه آماری می‌شود دریافت که زنانی که در کشورهای خاورمیانه زندگی می‌کنند تا چه میزان از شرکت در المپیک محروم هستند.

در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۲۰ توکیو، فقط یک ورزشکار زن از کشور سوریه و عراق شرکت داشت، این تعداد از زنان شرکت‌کننده از کشورهای قطر، لبنان، کویت، یمن، و پادشاهی عربستان سعودی ۲ ورزشکار، از پاکستان ۳، از اردن ۴، و این تعداد در جمهوری اسلامی ایران به ۱۰ ورزشکار زن می‌رسد. با این توضیح که امارات متحده عربی شرکت‌کننده زن در المپیک ۲۰۲۰ نداشت.

در المپیک ۲۰۱۶ ریو نیز شرایط زنان ورزشکار در خاورمیانه تفاوت محسوسی نداشته است.

در این میان شرایط در دو کشور اسرائیل و ترکیه متفاوت است. ورزشکاران زن شرکت‌کننده از ترکیه در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۲۰ توکیو ۴۹ نفر و ورزشکاران زنی که از اسرائیل در توکیو شرکت کردند ۳۴ نفر بودند.

● زنان در المپیک ۱۹۰۰ پاریس تابوشکنی کردند و برای نخستین بار توانستند در بازی‌های این مسابقات جهانی شرکت کنند. از میان ۹۹۷ ورزشکار ۲۲ ورزشکار زن شرکت داشتند.

● با گذشت بیش از یک قرن از المپیک ۱۹۰۰ پاریس، زنان در بسیاری از عرصه‌های ورزشی همسان با مردان در بازی‌های المپیک شرکت می‌کنند و از حقوق برابر با مردان برخوردارند.

● با یک نگاه آماری می‌شود دریافت که زنانی که در کشورهای خاورمیانه زندگی می‌کنند تا چه میزان از شرکت در المپیک محروم هستند.

فرزاد پوشانلو - زنان در المپیک ۱۹۰۰ پاریس تابوشکنی کردند و برای نخستین بار توانستند در بازی‌های این مسابقات جهانی شرکت کنند. از میان ۹۹۷ ورزشکار ۲۲ ورزشکار زن شرکت داشتند و در پنج رشته ورزشی تنیس، کروکت، قایقرانی، گلف و سوارکاری به رقابت پرداختند. در این میان هلن دی پورتالس از سوئیس در رشته قایقرانی و شارلوت کوپر از بریتانیا در رشته تنیس توانستند نام خود را به عنوان اولین گیرندگان مدال طلا در تاریخ المپیک به ثبت برسانند.

از رییس وقت کمیته بین‌المللی المپیک در بازی‌های ۱۹۰۰ پاریس، پیر دو کوبرتن می‌بایست به عنوان بنیانگذار المپیک مدرن امروزی نام برد. او در سال ژانویه ۱۸۶۳ در خانواده‌ای اشرافی، در پاریس متولد شد. با اینکه به تاریخ علاقه داشت اما تحت تاثیر سیستم آموزش مدارس بریتانیا قرار گرفت، به تاثیر ورزش بر آموزش پی برد و اساس المپیک مدرن را پایه گذاری کرد. او با الهام از بازی‌های المپیک یونان باستان معتقد بود که ورزش در پیوند دادن مردمان جهان و آموزش انسان‌ها می‌تواند نقش ایفا کند.

کنگره ۱۸۹۴ در دانشگاه سوربن پاریس، با تلاش‌های پیر

آرش در بحبوحه جشن تیرگان اتفاق افتاده است. پژوهش‌های من درباره اساطیر ایرانی نشان می‌دهند که جغرافیای حقیقی داستان‌های شاهنامه و اسطوره‌های باستانی دیگر، نه در شرق و شمال شرقی ایرانزمین، بلکه در بین‌النهرین یا "میان‌دورود" واقع بوده است. من در لندن سخنرانی‌های مفصلی در اینباره داشته‌ام که گزارش یکی از آنها در کیهان لندن آمده است. این اظهارات بر مبنای محتویات کتاب "شاهنامه فردوسی؛ خیال یا واقعیت؟" ارائه می‌شوند که به یاری همسر، سایا ضیائی، نوشته شده و به زودی توسط دانشگاه کوروش در کالیفرنیا آمریکا منتشر میشود. حقیقت آن است که هسته‌های تاریخی اساطیر ایرانی اتفاقاتی بوده‌اند که در بین‌النهرین رخ داده‌اند اما آریایی‌ها پس از آمیزش با مهاجرین بین‌النهرینی در فلات ایران همان رخدادها را با جغرافیایی دیگر و طبق سنت‌های روایی خویش در متون اوستایی و بعدها پهلوی بازگو کردند. باری، اسطوره آرش کمانگیر هم از این نظر مستثنا نیست. توجه کنیم که جنگ‌ها در بین‌النهرین به دلایل آشکار، از جمله دشواری تهیه آذوقه و علوفه، در فصل زمستان روی نمی‌دادند. زیرا در آن دوره تاریخی لازمه پیروزی در جنگ تامین نیازمندی‌های لشکر بود. به همین دلیل تلاش می‌شد جنگ‌ها به بهار و اوایل تابستان موکول شوند. هروقت هم در اینباره بسیار گفته است. در مجموع وقتی به زمستان می‌رسیدند جنگ‌ها را متوقف می‌کردند؛ زمستان یک وقفه بود. بنابراین، به احتمال زیاد آن رویداد تاریخی که اسطوره آرش کمانگیر بدان اشاره دارد- هر چند که من هنوز وارد بحث تاریخی این رویداد نشده‌ام- در اوایل تابستان و در بین‌النهرین روی داده است.

توجه کنیم اقوامی که از بین‌النهرین به فلات ایران مهاجرت میکردند تاریخ و اسامی جغرافیایی وطن خویش را هم با خود می‌آوردند. یکی از رسوم ثابت مهاجرین آن است که نام زیستگاه قبلی خود را روی مکان جدید می‌گذارند. همین حالا هم در دنیای مدرن این کار صورت می‌گیرد. این اتفاق در مورد مهاجرین بین‌النهرینی که به فلات ایران می‌آمدند- و اوج مهاجرت‌شان حدود چهار صد سال قبل از موج دوم مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران بود- نیز صورت گرفت. این اقوام ساکن فلات ایران شدند و نام‌های قدیمی خود را بر محل سکونت جدید خود گذاشتند. پس نام کوهستان تور که در آناتولی و در میان شهر کهن آدانا تا فلات ارمنستان واقع است به آسیای مرکزی منتقل شد و آنجا توران نام گرفت. امروزه آن رشته کوه را در آناتولی با نام یونانی شده "توروس" می‌شناسند. اما این نام خیلی قدیمی است. نام تور از هزاره سوم قبل از میلاد روی آن منطقه بوده چون تور نام خدای قوم باستانی هوری بود. یعنی بین‌النهرینی‌ها منطقه مرکزی ترکیه کنونی را تور می‌خواندند. نکته شگفت‌آور آن است که هنوز هم در مرزهای کوهستان توروس دو رود با نام جیهان و سیهان جاری هستند که اسامی خود را به رودهای جیحون و سیحون در آسیای مرکزی داده‌اند. قدمت سیهان به قرن پانزدهم قبل از میلاد، یعنی عصر هیتی‌ها، و قدمت جیهان نیز حداقل به زمان کتابت سفر پیدایش تورات بازمی‌گردد. من در کتاب خود با ارائه ده‌ها سند باستانشناسی و مقایسه آنها با متن‌های اساطیری نشان داده‌ام روایت آرش کمانگیر و تیری که به سوی شرق پرتاب کرد از نظر تاریخی مربوط به غرب و جنگی است که میان اکدی‌ان و دشمنان غربی آنها صورت گرفت. یعنی شواهد می‌گویند آن رویداد تاریخی که اسطوره آرش کمانگیر متکی بدان است احتمالاً در غرب ایران بزرگ، یعنی ایران هخامنشی اتفاق افتاده است. تأکید می‌کنم واژه خاور که به شرق اطلاق می‌شود در اصل به معنای غرب است و این جایجایی معانی نتیجه همین انتقال اسامی جغرافیایی از غرب به شرق است.

سلام «گرگ‌های خاکستری» در «استادیوم المپیک» برلین نفرت پراکنی و شعارهای فاشیستی بعد از باخت تیم ترکیه در مقابل تیم هلند

● ده‌ها نفر از هواداران تیم فوتبال ترکیه که شنبه شب ۱۶ تیرماه برای تشویق تیم‌شان مقابل تیم هلند در مرحله یک چهارم نهایی مسابقات جام ملت‌های اروپا به استادیوم المپیک برلین رفته بودند، در شروع مسابقه وقتی سرود ملی ترکیه پخش شد برخلاف قوانین، دست‌هایشان را به علامت سلام «گرگ‌های خاکستری» بالا بردند.

● رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه و همسرش برای تماشای مسابقه فوتبال این تیم مقابل هلند به برلین سفر کرده بودند. روزنامه «بیلد» در گزارش خود از این رویداد اشاره کرد که پشت سر اردوغان، مسعود اوزیل بازیکن سابق ترک‌تبار تیم ملی آلمان نشسته بود که قبلاً با خالکوبی گرگ روی بدنش سابقه تحریک هواداران این تیم را داشت.

● مهاجران و پناهجویان عرب‌تبار ضداسرائیل نیز با پرچم‌های فلسطین و شهروندان جمهوری آذربایجان هواداران ترکیه را همراهی می‌کردند. در مقابل اما پناهجویان سوری مخالف رژیم بشار اسد که در آلمان ساکن‌اند در حالی که پرچم‌های اپوزیسیون سوریه را در دست داشتند در خیابان‌ها راه افتادند و شعار «بای- بای ترکیه» سر دادند. این اقدام سوری‌های مخالف اسد در شهرهای مختلف آلمان ترک‌تبارها را خشمگین کرد تا جایی که آنها که خود یا تبار مهاجر دارند و یا در همین سال‌های اخیر به آلمان آمده‌اند، در شعارهای خود خواستار اخراج مهاجران و پناهجویان عرب از این کشور شدند!

ده‌ها نفر از هواداران تیم فوتبال ترکیه که شنبه شب ۱۶ تیرماه برای تشویق تیم‌شان مقابل تیم هلند در مرحله یک چهارم نهایی مسابقات جام ملت‌های اروپا به استادیوم المپیک برلین رفته بودند، در شروع مسابقه وقتی سرود ملی ترکیه پخش شد برخلاف قوانین، دست‌هایشان را به علامت سلام «گرگ‌های خاکستری» بالا بردند. این اقدام آنها در حمایت از مریح دمیرال بازیکن تیم ملی ترکیه بود که پس از گل زدن به تیم اتریش، با همین نشانه‌ی نژادپرستانه شادی کرد و از شرکت در بازی‌های بعدی محروم شد.



هواداران ترکیه در استادیوم برلین

حضور داشتند با همسرانی محجبه که آنها نیز شروع به رقص و پایکوبی کردند، اما دریافت دو گل در نیمه دوم آب سرد رو جوش و خروش آنها ریخت.

شماری از هواداران تیم ترکیه پس از حذف تیم‌شان در رقابت‌های «یورو ۲۰۲۴» در چندین شهر دست به آشوب زدند و با طرفداران تیم هلند و همچنین با پلیس درگیر شدند و شعارهای نژادپرستانه سر دادند.

بر اساس گزارش روزنامه «بیلد»، پلیس در چند شهر آلمان مجبور شد قبل از مسابقه با چندین هوادار ترکیه برخورد کند زیرا در سطح شهرها حرکت کرده و علامت «گرگ‌های خاکستری» را نشان می‌دادند.

آنها در خیابان شعارهایی را سر دادند که محتوای نژادپرستانه داشت. در همین ارتباط چندین نفر بازداشت شدند.

رسانه‌های آلمانی ویدیوهای زیادی منتشر کرده‌اند که نشان می‌دهد بیرون استادیوم برلین و همچنین در خیابان‌ها طرفداران ترکیه با طرفداران هلند درگیر شدند.

مهاجران و پناهجویان عرب‌تبار ضداسرائیل نیز با پرچم‌های فلسطین و شهروندان جمهوری آذربایجان هواداران ترکیه را همراهی می‌کردند. در مقابل اما پناهجویان سوری مخالف رژیم بشار اسد که در آلمان ساکن‌اند در حالی که پرچم‌های اپوزیسیون سوریه را در دست داشتند در خیابان‌ها راه افتادند و شعار «بای- بای ترکیه» سر دادند.

این اقدام سوری‌های مخالف اسد در شهرهای مختلف آلمان ترک‌تبارها را خشمگین کرد تا جایی که آنها که خود یا تبار مهاجر دارند و یا در همین سال‌های اخیر به آلمان آمده‌اند، در شعارهای خود خواستار اخراج مهاجران و پناهجویان عرب از این کشور شدند!

رسانه‌های آلمانی مرتب نسبت به افزایش موارد افراط‌گرایی و نفرت‌پراکنی در حاشیه مسابقات فوتبال جام ملت‌های اروپا هشدار می‌دهند. به ویژه آنکه در کارزار طرفداران ترکیه شماری از فلسطینی‌ها نیز حضور داشتند. در شبکه‌های اجتماعی شماری از شهروندان آلمانی نسبت به رفتار ترک‌ها در خیابان واکنش نشان داده و بیان کردند که از این وضعیت احساس ناامنی می‌کنند.

در مسابقه‌ی شنبه‌شب اغلب سکوها در اختیار هواداران ترکیه بود. آنها که بعد از به ثمر رسیدن گل اول تیم‌شان سر از پا نمی‌شناختند، خیلی زود جشن پیروزی به پا کردند. در خیابان‌های برلین بین دو نیمه‌ی مسابقه ترک‌تبارها پایکوبی کردند و رقصیدند و منتظر بودند که تیم‌شان به جمع چهار تیم برتر اروپا صعود کند.

رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه و همسرش نیز برای تماشای مسابقه فوتبال این تیم در مقابل تیم هلند به برلین سفر کرده بودند. روزنامه «بیلد» در گزارش خود از این رویداد اشاره کرده که پشت سر اردوغان، مسعود اوزیل بازیکن سابق ترک‌تبار تیم ملی آلمان نشسته بود که قبلاً با خالکوبی گرگ روی بدنش سابقه تحریک هواداران این تیم را داشت.

اردوغان که به داشتن چهره عبوس مشهور است بعد از به ثمر رسیدن گل اول ترکیه از خوشحالی دست روی شانه همسرش گذاشت. کنار آنها افراد دیگری در جایگاه ویژه



رجب طیب اردوغان در کنار همسرش «امینه» در استادیوم برلین

ادامه عزل و نصب‌های دقیقه آخری دولت سیزدهم سازمان بازرسی کل کشور وارد عمل شد



منعقد شده قطعاً بازبینی و به صورت پیش‌فرض رد و فاسد تلقی خواهد شد مگر این که خلافش ثابت شود.»

محمود صادقی فعال اصلاح‌طلب و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی هم گفته «شرکت‌های پالایش گاز پارسین، پالایش گاز فجر جم، کشت و صنعت مغان، پالایش نفت آبادان، و طراحی و ساختمان نفت از طریق فراپورس به شیوه‌ای نامتعارف به ستاد اجرایی فرمان امام واگذار شده است.» احسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت سیزدهم اما در واکنش به ادعای عزل و نصب مدیران دولتی از سوی حامیان پزشکیان گفته «با توجه به قانون بودجه و تعیین ردیف بودجه هر دستگاه و در نظر گرفتن این مسئله که تک‌تک حکم‌ها و اقدامات از قبل در بودجه مشخص شده کسی نمی‌تواند ریالی بیشتر اختصاص دهد.»

خاندوزی افزوده «در خصوص صدور احکام نیز دکتر مخبر ابلاغیه‌ای صادر کرد که تا زمان واگذاری امور به دولت چهاردهم در احکام صادره باید الزامات قانونی رعایت شود.» وزیر اقتصاد تأکید کرده که «بر اساس این ابلاغیه، تمامی دستگاه‌های اجرایی موظفند تا زمان استقرار دولت چهاردهم از هرگونه تغییر در ساختارهای سازمانی، جابه‌جایی نیروی انسانی و نقل و انتقال اموال دولتی، اعمال آیین‌نامه جدید، تغییر در تعرفه‌ها و عوارض و هرگونه اقدامات خارج از ضوابط و مقررات، خودداری کنند.»

به نظر می‌رسد دولت سیزدهم که در پی مرگ ابراهیم رئیسی یک سال پیش از موعد چهارساله، باید امور را به دولت چهاردهم واگذار کند، در آخرین روزهای فعالیت تلاش دارد که مهره‌های مورد اعتماد خود را در پُست‌های مختلف مدیریتی جاسازی کند.

اینهمه بیانگر اختلافاتی است که با فعالیت مسعود پزشکیان و روی کار آوردن یک دولت ظاهراً اصلاح‌طلب و احتمالاً با اعضای تیم دو دولت حسن روحانی، قرار است در بدنه جمهوری اسلامی تشدید شود. به ویژه آنکه کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در اختیار اصولگرایانی است که آنها نیز با هم اختلافاتی دارند که با انتخابات نمایشی اخیر گسترش یافته است.

نماینده مجلس یازدهم که به صورت سرباز وظیفه سیلی زده بود از سوی وزیر کار به عضویت هیئت مدیره صندوق کارکنان فولاد در آمده است. بر اساس این گزارش ولی اسماعیلی نماینده سابق اصولگرا نیز با حکم صولت مرتضوی وزیر کار و تعاون، عضو هیئت مدیره صندوق بازنشستگی کشوری شده است.

خبرگزاری «ایلنا» هم نوشته صولت مرتضوی درباره این انتصاب گفته «دولت مستقر تا آخرین لحظه‌ای که مسئولیت دارد پاسخگو است» و «نامه آقای مخبر در رابطه با دستگاه‌های اداری است، انتصابات که صورت گرفته در شرکت‌هایی هستند که تابع موسسات عمومی هستند.»

عباس علی آبادی وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز معاون خود را به عنوان رئیس کارگروه «توسعه صنایع میکروالکترونیک» منصوب کرده است.

احمد وحیدی وزیر کشور طی حکمی مهدی جعفری را به سمت معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری خراسان جنوبی منصوب کرد.

هوشنگ بازویند استاندار کرمانشاه هم عبدالوحد محمدی را به عنوان مدیر کل هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمانشاه منصوب کرده است.

روزنامه «ایران» ارگان رسانه‌ای دولت هم انتصابات پرسرعت در روزهای پایانی دولت سیزدهم را تأیید کرده و با اشاره به نامه‌های مسعود پزشکیان و محمد مخبر در اینباره، به نقل از یک منبع آگاه نوشته که «پس از بخشنامه سرپرست ریاست جمهوری، بازرس ویژه رئیس‌جمهور نسبت به موضوع خودداری از هرگونه تغییر ساختار یا جابه‌جایی نیروها ورود جدی داشته و برخی انتصابات را لغو کرده است.»

عباس عبدی فعال اصلاح‌طلب و از حامیان مسعود پزشکیان نیز گفته «نامه پزشکیان ناظر به اقدامات نادرستی است که برخی از مسئولان دولت کنونی در روزهای آخر خود در حال انجام هستند به ویژه این که کاملاً در مغایرت با دو بخشنامه مخبر به عنوان سرپرست قانونی و منصوب رهبری در مقام ریاست جمهوری است.» عباس عبدی افزوده «تمام این انتصابات و قراردادهایی که

اسناد منتشر شده نشان می‌دهد مقامات دولت سیزدهم در آخرین روزهای فعالیت به سرعت مشغول جاسازی مهره‌های مورد اعتماد خود در پُست‌های مدیریتی مختلف هستند.

● جمعی از متخصصان صنعت هوانوردی کشور گفته‌اند «افرادی که اخیراً حکم گرفته‌اند، دارای سابقه اجرایی و تخصصی مرتبط نبوده‌اند که این موضوع می‌تواند به ساختار کارشناس‌محور سازمان لطمه وارد کند.»

● سازمان بازرسی کل کشور در نامه‌ای به وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت فرودگاه‌های کشور انتصابات در شرکت فرودگاه‌های کشور را مغایر بخشنامه پیشین محمد مخبر دزفولی، سرپرست نهاد ریاست جمهوری، در ممنوعیت عزل و نصب‌ها دانسته است.

در ادامه ماجرای عزل و نصب‌های دقیقه آخری از سوی دولتمردان سیزدهم و تذکر مسعود پزشکیان به محمد مخبر دزفولی، وبسایت «اقتصاد نیوز» نوشته بر اساس اسناد رسیده عزل و نصب‌ها همچنان ادامه دارد. این رسانه از ورود سازمان بازرسی به این ماجرا خبر داده است.

روز گذشته نامه‌ای از مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی منتشر شد که در آن از محمد مخبر سرپرست دولت سیزدهم خواسته بود همه وزارتخانه‌ها و معاونت‌ها، از عقد و عملیات، عزل و نصب و استخدام نیروی جدید جلوگیری شود.

مسعود پزشکیان قرار است نهم امرداد آینده بطور رسمی به عنوان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی فعالیت خود را آغاز کند. خبرهایی در روزهای گذشته منتشر شده که نشان می‌دهد مقامات دولت سیزدهم به سرعت مشغول جاسازی مهره‌های مورد اعتماد خود در پُست‌های مدیریتی مختلف هستند.

وبسایت «اقتصاد نیوز» یک روز پس از انتشار نامه مسعود پزشکیان گزارش داده بر اساس اسنادی که در اختیارش قرار گرفته روند عزل و نصب‌ها در دولت سیزدهم همچنان ادامه دارد.

«اقتصاد نیوز» نوشته «سازمان بازرسی کل کشور نیز به این موضوع ورود کرده» و در نامه‌ای با امضای بازرس کل خطاب به رضا نخجوانی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت فرودگاه‌های کشور، با اشاره به بخشنامه ۱۲ تیر محمد مخبر، انتصابات در شرکت فرودگاه‌های کشور را مغایر این بخشنامه اعلام کرد.

«اقتصاد نیوز» عکس چندین نامه را منتشر کرده که احکام انتصاب جدید هستند و نوشته پس از انتشار نامه مسعود پزشکیان و دستور محمد مخبر، برخی دستگاه‌ها با تخلف از دستور سرپرست ریاست جمهوری همچنان احکام انتصاب امضا و ابلاغ کردند بطوری که «در یکی از معاونت‌های وزارت راه و شهرسازی و در شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران نیز طی روزهای اخیر احکامی جهت بکارگیری برخی اشخاص در پست‌های گوناگون صادر شده است.»

«اقتصاد نیوز» به نقل از جمعی از متخصصان صنعت هوانوردی کشور نوشته «افرادی که اخیراً حکم گرفته‌اند، دارای سابقه اجرایی و تخصصی مرتبط نبوده‌اند که این موضوع می‌تواند به ساختار کارشناس‌محور سازمان لطمه وارد کند.» سایت «انتخاب» نیز خبر داده که علی اصغر عنابستانی

بند زنان زندان لاگان رشت؛ از نبود «پد» بهداشتی و مسواک تا ابتلای بسیاری از زندانیان به بیماری‌های قارچی و عفونی



بند هم هر روز یا یک روز در میان حمام می‌کردند و وکیل بند این مسئله را به افراد تذکر می‌داد. ژیلت یک بار مصرف برای شیو هم هر از گاهی از طرف مرکز بهداشت به وکیل بند داده می‌شد، تا قبل استحمام به افراد تحویل بدهند و از آنها بگیرند و برای دفعات بعد به آنان بدهند. هر ژیلت چند بار استفاده می‌شد.»

نبود فضای آشپزخانه، امکانات پخت و پز و عدم دسترسی به مواد غذایی هم از دیگر مشکلات زندانیان محبوس در بند زنان زندان لاگان رشت است. فروغ سمیع‌نیا گفته «تنها یک سینک ظرفشویی در همان فضای دستشویی وجود دارد که زندانی‌ها باید ظرف‌هایشان را همانجا بشویند.»

او افزوده «برای کل بند زنان زندان لاگان یک آشپزخانه وجود دارد. در این فضایی که به آن آشپزخانه گفته می‌شود، فقط چهار شیر آب وجود دارد که می‌توانند قابلمه‌های بزرگ را در آنجا بشویند و سماور که با آن چای گذاشته شود. حتی یک اجاق گاز وجود ندارد. زندانی نمی‌تواند حتی یک نیمرو درست کند. اصلا امکانی به عنوان اجاق گاز برای آشپزی کردن حتی به صورت محدود هم وجود ندارد. از طریق سماور بزرگی که در محوطه است، هم یک بار صبح و یک بار بعدازظهر برای زندانی‌ها در فلاسک چای می‌فرستند، همین. مثلا اینطور نیست که هر وقت بخواهی بتوانی از چای استفاده کنی.»

این فعال حقوق زنان گفته «خیلی وقت‌ها به ویژه برای شام زندانی‌ها سیر نمی‌شدند چون غذا به تعداد زندانی‌هایی که داخل هر سوئیت هستند، وجود نداشت. گوشت قرمز کلا در غذای زندان نیست. روزهایی که غذا مرغ باشد، مقدار مرغی که در هر قابلمه به هر سوئیت می‌دهند، واقعا اندازه کمی است و به هر زندانی میزان خیلی کمی می‌رسد. بقیه روزها تخم‌مرغ آب‌پز، سیب‌زمینی سرخ‌شده، عدسی، لوبیا و غذاهایی از این دست وجود دارد. یکسری غذاها با سویا درست می‌شود. چون آشپزخانه‌ای در کل بند نسوان وجود ندارد، زندان به زندانی‌ها جیره غذایی

اشاره کرده‌اند. فروغ سمیع‌نیا گفته «زندان طبق قانون باید یکسری کالای بهداشتی را به زندانی بدهد. مثل پد بهداشتی، شامپو، صابون، مسواک و خمیردندان. اما عملا برای همه کالاهای بهداشتی این وضعیت وجود نداشت. مثلا پد بهداشتی صرفا در قسمت قرنطینه زندان آنهم به صورت محدود وجود داشت.»

او همچنین گفته «صابون مایع بود. موقع ورود به زندان یک مسواک و خمیردندان به زندانی می‌دادند و دیگر عملا حتی اگر دو سال هم آنجا می‌ماندی، چنین چیزی به تو تعلق نمی‌گرفت. مثلا مسئله‌ای که سر ژیلت [تبخ] وجود داشت، این بود که ژیلت در زندان ممنوع بود. باید یک مسئول بهداشت اتاق، ژیلت‌ها را نگه می‌داشت و هفته‌ای یکبار به زندانی می‌داد.»

زهره دادرس هم گفته «زندان لاگان دارای چهار بند بود. هر بند سه یا چهار دستشویی و یک یا دو دوش حمام داشت. حمام بند کوثر در نداشت و یک پارچه وصل کرده بودند. علاوه بر این یک سرویس حمام مشترک برای همه بندها هم بود که برای ساعات محدودی امکان استفاده از آن وجود داشت. فکر می‌کنم حدودا ۱۰ تا حمام داشت اما فقط چهار یا پنج تا از آنها دوش داشتند و بقیه خراب بود یا دوش و پیچ آب نداشت. سیستم فاضلاب مشکل جدی داشت و چاه فاضلاب مدام می‌گرفت. دستشویی بندهای کانون و کوثر (دو بند که من در آن بودم) آب گرم نداشتند.» زهره دادرس به ابتلای بسیاری از زنان محبوس در این زندان به بیماری‌های قارچی و عفونی اشاره کرده و گفته «بسیاری از بچه‌های بند ما از عفونت و قارچ رنج می‌برند و خود من هم عفونت را در روزهای آخر تجربه کردم. مددجوها درخواست داده بودند برای دکتر متخصص زنان و چشم‌پزشک. ولی می‌گفتند چند سال است که درخواست می‌دهیم، ولی نمی‌آورند.»

وی همچنین گفته که «سرویس بهداشتی هر روز دو بار به دست خود زندانی‌ها شسته می‌شد. بیشتر افراد داخل

● نبود سرویس بهداشتی و حمام کافی و متناسب با تعداد زندانیان، عدم دسترسی به وسایلی چون «پد» بهداشتی و مسواک از جمله مشکلات زندانیان است.

● بسیاری از زنان محبوس در این زندان به بیماری‌های قارچی و عفونی مبتلا هستند اما در درمانگاه زندان پزشک زنان نیست و اعزام به خارج از زندان نیز برای همه زندانیان امکان ندارد.

● نبود فضای آشپزخانه، امکانات پخت و پز و عدم دسترسی به مواد غذایی و آب آشامیدنی سالم هم از دیگر مشکلات زندانیان محبوس در بند زنان زندان لاگان رشت است.

● در مورد دسترسی به کتاب و داشتن زمان مناسب برای هواخوری و ورزش هم وضعیت مناسبی در بند زنان زندان لاگان وجود ندارد.

بند زنان زندان لاگان رشت کمتر از دو دهه پیش افتتاح شده اما زندانیان محبوس در این مکان از آنچه دیگر زندانی‌ها در زندان‌های برخی شهرها برخوردارند محروم هستند.

روزنامه «شرق» در گزارشی به وضعیت بند زندان لاگان رشت پرداخته و نوشته این بند در سال ۱۳۸۶ افتتاح شده اما امکانات آن در مقایسه با زندان‌های بسیاری از شهرهای دیگر بسیار محدود است.

در این گزارش با دو فعال حقوق زنان، زهره دادرس و فروغ سمیع‌نیا، که بیشتر در این زندان محبوس بوده‌اند نیز گفتگو شده است.

فروغ سمیع‌نیا سال ۱۴۰۲ به مدت یک ماه در بند عمومی زندان لاگان در بازداشت موقت بود. او یکبار دیگر هم در سال ۱۳۹۸، ۲۰ روز را در لاگان گذرانده بود. زهره دادرس سال ۱۴۰۲، ۳۸ روز در زندان لاگان رشت در بازداشت موقت بوده است.

نبود وسایل و امکانات بهداشتی ضروری در این زندان از جمله مواردی است که این دو فعال حقوق زنان به آن

→ نمی‌دهد.

انتخاباتی مفتضح و رییس جمهوری مفتضح‌تر



راه انداخته شده است. معلوم نیست از کدام دشمن سخن می‌گویید؟ آیا سیاست‌های شما برای کشور دوستی باقی گذاشته است؟

از حق نگذریم که این انتخابات مضحک یک فایده مهم هم داشت. در جریان برگزاری انتخابات بسیاری از اپوزیسیون‌ها، رسانه‌های پر شنونده و بیننده ظاهراً مستقل و درواقع مزدور، چهره‌هایی که با انتقادهای تند و تیز به خارج صادر شده‌اند تا در بزنگاه‌های تعیین‌کننده زهر تفرقه‌تزیق کنند، زندانیان الکی که برای بدنام کردن مبارزان واقعی ظاهراً زندانی شده‌اند تا در جهت سیاست‌های معینی عمل کنند، هنرمندان بی‌هنر و ورزشکاران بی‌صفت که جز نان به نرخ روز خوردن کار دیگری از آنها بر نمی‌آید، روزنامه‌ها و رسانه‌های زردی که استاد به نعل و به میخ زدن‌اند، احزاب و دستجاتی که همه جا هستند جز آنجا که باید باشند، همه و همه چهره و ماموریت حقیقی‌شان را نشان دادند.

شعبده‌بازی انتخاباتی در نهایت به آنجا ختم شده است که به افکار عمومی قبولانده شود که رژیم بیمار است و پزشکی حزب‌اللهی توان شفا دادن آن را دارد. اما باور اکثریت آن است که رژیم مدت‌هاست مرده و نیاز فوری به آمبولانسی است تا جنازه را به گورستان تحویل دهد.

نگهبان توپ پلاستیکی بگیرند ولی بازی که شروع شد گفتند سروصدا نکنید. او افزوده که ابعاد حیاط هر بند متفاوت بود. بند کانون یک حیاط خیلی کوچک و حدوداً ۵۰ مترمربعی بود. هواخوری دو بند «کوثر» و «شکیبایی» هم که مشترک بود، حدوداً ۲۰۰، ۳۰۰ مترمربع بود. در هر کدام از بندهای «کانون» و «کوثر» حدوداً ۴۰ نفر مددجو بودیم.

در بند زنان این زندان چیزی حدود ۱۵۰، ۱۶۰ زندانی زن وجود دارد. «شرق» نوشته که لاکان خانه زنانی است که با جرائم مختلف، بدون اصل تفکیک جرائم روزگار خود را در میان دیوارهای بلندش می‌گذرانند.

احمد تاج‌الدینی - رژیم منفور و طرد شده از سوی اکثریت مطلق شهروندان ایران، یکبار دیگر انتخاباتی مفتضح برگزار کرد تا از درون صندوق‌های رای قلابی، رییس جمهوری قلابی‌تر را رونمایی کند.

در نظامی که اساساً جمهوری نیست و رای و اراده شهروندان در آن پشیزی نمی‌ارزد، انتخابات اساساً بی‌معناست. اما رژیم فقها برای تزیین ظاهر کریه‌اش به اینگونه فریبکاری‌ها نیاز دارد. هدف از انتخابات مفتضح اخیر را رهبر نظام با صراحت چنین بیان کرد: «این حرکت بزرگ در رویارویی با غوغای دست‌ساز تحریم که دشمنان ملت ایران برای القای ناامیدی و بن‌بست به راه انداخته بودند، کاری درخشان و فراموش‌نشدنی است...»

آنچه «رهبر معظم» «غوغای دست‌ساز تحریم» می‌نامد دروغ شرم‌آوری است. تحریم انتخابات کنش متمدانه مردمی بود که با عدم حضور در پای صندوق‌های قلابی اراده خویش را در مخالفت با شما، کارگزاران تان، روش حکومت‌تان و نظام‌تان نشان دادند. آنها متوجه شده‌اند که تفاوتی بین سگ زرد و شغال وجود ندارد و دیگر نمی‌خواهند بازیگران بی‌اراده در نمایش‌های مضحک شما باشند. گفته‌اید که تحریم به وسیله دشمنان ملت ایران به

زهره دادر در درباره شرایط ورزش و هواخوری هم توضیح داده که «هر بند یک حیاط داشت که هر روز حدوداً هفت تا هشت ساعت می‌شد به آن رفت. زندان لاکان کنار محل دفن و کمپوست زباله‌های سراوان است و برای همین بوی زباله همیشه بود و روزهای گرم که فاجعه بود و حتی توی بند هم نمی‌توانستی بو را تحمل کنی. کف حیاط کامل بتن شده بود. هیچ باغچه و سبزی و گیاهی در آن نبود، هیچ دستگاه و وسیله ورزشی‌ای هم آنجا نبود (سالن ورزش و سالن مطالعه و آشپزخانه و رختشوی‌خانه هم ندارد)». او گفته وقتی در این بند محبوس بوده، یک روز توانستند از

زندانیان حتی امکان پخت و پز مستقل را هم ندارند و به گفته فروغ سمیع‌نیا «اگر هم بخوای مواد اولیه را از فروشگاه بخری، آشپزخانه‌ای برای درست کردن غذا وجود ندارد. به‌همین دلیل فروشگاه این کالاها را نمی‌آورد.»

از سوی دیگر در بند زنان زندان لاکان رشت «آب آشامیدنی سالم» هم همیشه در دسترس نیست. به گفته زهره دادر: «دو آب‌سردکن در بند بود. آب بو می‌داد و چند بار هم قطع شد و بارها تأسیسات برای تعمیرش آمده بود. آنهایی که شرایط مالی خوبی داشتند آب معدنی می‌خریدند و مصرف می‌کردند. ولی بیشتر افراد همان آب را برای آشامیدن استفاده می‌کردند.»

فروغ سمیع‌نیا هم درباره وضعیت آب در بند زنان این زندان گفته «آبی که در زندان لاکان وجود دارد، آبی نیست که مردم رشت از آن استفاده می‌کنند. آبی است که مختص زندان لاکان است. آب به شدت بوی بدی می‌دهد. نه تنها برای آشامیدن مناسب نیست بلکه اکثر زندانی‌های زن به خاطر آب دچار عفونت شدند. بعد از یک هفته استحمام با این آب دچار ریزش مو می‌شوی و آسیب جدی به مو می‌زند. این آب مناسب دست و رو شستن هم نیست. یکسری زندانی هستند در همان زندان که پول برای خرید آب ندارند. بنابراین از همان آبی که واقعا بوی بدی دارد و برای هیچ چیز مناسب نیست برای آب آشامیدنی استفاده می‌کنند و چون در زندان لاکان آشپزخانه و اجاق گازی وجود ندارد که بتوانید حداقل آب را بجوشانید، تنها امکان دسترسی به آب سالم خرید آب معدنی است.»

در چنین شرایطی چندان عجیب نیست که زندانیانی که به آب سالم و غذای کافی دسترسی ندارند، از امکانات درمانی هم محروم باشند. فروغ سمیع‌نیا گفته «بند زنان زندان لاکان یک بهداری کوچک دارد که یک پرستار در آن است. هفته‌ای یک روز یک پزشک عمومی به بهداری می‌آید. پزشک متخصص به زندان نمی‌آید. امسال یک دندان‌پزشک هم بود. این دندان‌پزشک یکی از زندانی‌های مالی بود که بعد از آزادی رأی کار گرفته بود، هفته‌ای یک روز می‌آمد به زندان و زندانی‌ها را ویزیت می‌کرد. دندان می‌کشید و درست می‌کرد. عصب‌کشی و پرکردن و اینها را هم انجام نمی‌داد.»

زندانیان در این زندان به پزشک متخصص حتی در مواردی که شیوع بیماری در یک زمینه وجود دارد دسترسی ندارند. فروغ سمیع‌نیا گفته «هیچ پزشک متخصصی به زندان نمی‌آمد در حالی که ما آنجا کلی بیمار با بیماری‌های خاص داشتیم. مثلاً اکثر زن‌ها با مسئله عفونت درگیر بودند و پزشک متخصص زنان وجود نداشت. درخواست هم کرده بودند ولی خب فایده‌ای نداشت. برای یکسری آزمایشات با نامه به بیرون از زندان منتقل می‌شدند. هیچ امکانات پزشکی دیگری وجود نداشت.»

در گزارش «شرق» آمده که ارتباط زندانی با خارج از زندان و با اعضای خانواده و وکیل از طریق تماس تلفنی و ملاقات‌های هفتگی بخشی از حقوق زندانیان است. تا سال ۹۸ هر کدام از سوئیت‌های بند زنان زندان لاکان دارای یک تلفن بود که با خرید کارت تلفن هر زندانی این امکان را داشت تا به مدت مشخص از این تلفن استفاده کند. شرایط اما حالا متفاوت است.

در مورد دسترسی به کتاب و داشتن زمان مناسب برای هواخوری و ورزش هم وضعیت مناسبی در بند زنان زندان لاکان برقرار نیست. ورود کتاب از بیرون به درون زندان ممنوع است و زندانیان در «بمازخانه» زندان به چند جلد کتاب مذهبی و چند رمان بی‌کیفیت دسترسی دارند.

ابهام درباره بهبود بازار بورس و ثبات در بازار ارز همزمان با تشکیل دولت پزشکيان

نگه داشتن نرخها در بازار ارز به این علت است. از سوی دیگر برنامه‌های اقتصادی مسعود پزشکيان مبهم است. در این رابطه وبسایت «اقتصاد ۲۴» نوشته مواضع ضد تحریمی مسعود پزشکيان این نوید را می‌دهد که احتمالا تلاش‌هایی در راستای کنترل اساسی نرخ ارز صورت بگیرد، اما در سمت دیگر تاکید مکرر وی بر ارز تک نرخ این شبهه را به وجود می‌آورد که آیا گرانی دیگری در راه است؟ نقطه مقابل تک نرخ شدن نیز سرکوب ارزی قرار دارد که در دستور کار دولت سیزدهم قرار گرفت و بازارهایی چون بورس را به عقب راند. این دو راهی حالا پیش روی دولت چهاردهم نیز قرار دارد و مشخص نیست چه برنامه‌ای در کنترل نرخ ارز حداقل تا زمان رفع تحریم‌ها و انجام مذاکرات قرار است انجام شود.

موضوع تک نرخ شدن ارز اما از سوی مسعود پزشکيان مورد تاکید قرار گرفته است. اقدامی که به گفته مرتضی افقه اقتصاددان چندان به سرعت عملی نخواهد شد.

مرتضی افقه می‌گوید «تا زمانی که مسئله تحریم حل نشود دولت ناچار است که از طبقات کم‌درآمد حمایت کند. یکی از این‌ها پرداخت ارز حمایتی برای تولید یا برای واردات کالاهای خاص است که الان دارد انجام می‌شود. اگرچه این گروه از اقتصاددانان به سوء استفاده‌هایی که در این مسیر انجام می‌شود اشاره می‌کنند، اما به نظر این عده‌ای که سوء استفاده می‌کنند تعدادشان خیلی زیاد نیست. اسم‌هایشان هم در بانک مرکزی است و دولت باید با آن‌ها برخورد کند نه اینکه صورت مسئله را پاک کنند.»

این اقتصاددان ادامه می‌دهد «اگر آن اولویت‌هایی که ذکر کردند یعنی پیگیری رفع تحریم‌ها به نتیجه برسد که البته با شرایط فعلی ایران و شرایط آمریکا و در آستانه انتخابات بودنشان، بعید می‌دانم به سرعت یا به زودی این مسئله حل بشود، می‌توان به سمت تک نرخ شدن رفت؛ بنابراین من فکر می‌کنم هر کسی بیاورد ناچار است برای کالاهای اساسی و دارو که مورد تاکید خود آقای پزشکيان هم بود، همان سیاست ارزهای حمایتی را ادامه بدهد.»

علی طباطبایی کارشناس اقتصادی نیز در گفتگو با وبسایت «تجارت‌نیوز» گفته «در موضوع دلار و طلا با تکیه بر رویدادهای سیاسی، آفت قیمت شدیدی نخواهیم داشت. تنها تأثیری که بازارهای مالی می‌توانند از انتخاب رئیس‌جمهوری جدید بگیرند این است که قیمت‌ها با شیب ملایم‌تر، روند صعودی در کوتاه‌مدت طی کنند.»

این کارشناس اقتصادی گفته «با توجه به بسته شدن بودجه ۱۴۰۳ در دولت سیزدهم، در بلندمدت و تا پایان بودجه امسال روند صعودی اسکناس آمریکایی را شاهد خواهیم بود.» او همچنین به افزایش قیمت دلار، افزایش نقدینگی و طبعاً افزایش قیمت طلا در بلندمدت اشاره کرد و افزود: «شاید بتوان گفت تأثیری که انتخابات اخیر بر بازارهای مالی می‌گذارد این است که در کوتاه‌مدت صعود قیمت‌ها با شیب ملایم‌تری رخ می‌دهد.»

علی طباطبایی تاکید کرده که «قیمت دلار به نقدینگی و کسری سالانه موجود در بودجه بستگی دارد؛ بودجه ۱۴۰۳ بسته شده و تغییر رویه و جبران کسری بودجه ۱۴۰۳ از دست این دولت خارج است؛ بنابراین برای دلار روند کاهشی پیش‌بینی نمی‌کنم.»



مسعود پزشکيان این شورا دستخوش تغییراتی خواهد شد. در حال حاضر احسان خاندوزی وزیر اقتصادی، عباس علی‌آبادی وزیر صنعت، معدن و تجارت، محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی، صمد حسن زاده رئیس اتاق بازرگانی ایران، بهمن عبداللهی رئیس اتاق تعاون ایران، مجید عشقی رئیس سازمان بورس و دبیر شورا و سخنگوی سازمان، محمد موحدی‌آزاد دادستان کل کشور، حامد سلطانی‌نژاد نماینده کانون‌ها، احسان دشتیان یک نفر خبره برای بورس کالا، علی امامی میبیدی یک نفر خبره برای بورس انرژی، احمد شعبانی، مسلم پیمانی و غلامرضا مصباحی مقدم به عنوان سه نفر خبره مالی از اعضای شورای عالی بورس هستند.

همچنین مجتبی توانگر و محسن علیزاده نمایندگان مجلس یازدهم به عنوان اعضای ناظر مجلس شورای اسلامی در شورای عالی بورس و اوراق بهادار هستند.

بر این اساس با پس از مشخص شدن کابینه مسعود پزشکيان، وزیر اقتصاد، وزیر صنعت معدن و تجارت، رئیس کل بانک مرکزی، و به احتمال خیلی زیاد رئیس سازمان بورس تغییر خواهند کرد.

همچنین دو عضو ناظر مجلس در شورای عالی بورس نیز حتما تغییر خواهند کرد چون مجتبی توانگر و محسن علیزاده نمایندگان دور یازدهم مجلس شورای اسلامی بودند که در خرداد امسال به کار خود پایان داد. اکنون باید دو نماینده مجلس به این شورا معرفی شوند.

یکی از مهمترین چالش‌های اقتصاد ایران نوسانات قیمت‌ها در بازار ارز است. افزایش قیمت دلار بطور مستقیم و غیرمستقیم بر قیمت انواع کالا و خدمات، و همچنین هزینه‌های تولید اثر دارد.

هر چند گفته شده ثبات نسبی قیمت‌ها در بازار ارز پس از مشخص شدن نتایج انتخابات، واکنش مثبت بازار به پیروزی مسعود پزشکيان است اما کارشناسان اقتصادی نیز می‌گویند دولت فعلی تلاش دارد دلار را با کمترین قیمت تحویل دولت پزشکيان دهد و تلاش بانک مرکزی برای پایین

● الیاس گردی کارشناس بازار سرمایه معتقد است با توجه به اینکه مسعود پزشکيان برنامه اقتصادی مشخصی ارائه نکرده، بازار سرمایه فعلا معطل معرفی کابینه چهاردهم است.

● اگرچه برخی ثبات نسبی قیمت‌ها در بازار ارز پس از انتخابات را واکنش مثبت بازار به پیروزی مسعود پزشکيان مرتبط می‌دانند اما کارشناسان اقتصادی می‌گویند دولت فعلی تلاش دارد دلار را با کمترین قیمت تحویل دولت جدید دهد.

● علی طباطبایی کارشناس اقتصادی: قیمت دلار به نقدینگی و کسری سالانه موجود در بودجه بستگی دارد؛ بودجه ۱۴۰۳ بسته شده و تغییر رویه و جبران کسری بودجه ۱۴۰۳ از دست این دولت خارج است؛ بنابراین برای دلار روند کاهشی پیش‌بینی نمی‌کنم.

شاخص بورس روز گذشته برای سومین روز پیاپی با ریزش روبرو شد. در بازار ارز نیز هرچند ثبات نسبی قیمت‌ها وجود دارد اما کارشناسان این روند را پایدار ارزیابی نمی‌کنند و معتقدند دولت مسعود پزشکيان برای ساماندهی وضعیت بازارها با مشکلاتی زیربنایی و کسری بودجه شدید روبرو خواهد بود. شاخص کل بورس تهران دیروز چهارشنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۳ برای سومین روز متوالی ریزش کرد. به گزارش اکوایران، در معاملات روز چهارشنبه ۲۰ تیر ماه ۱۴۰۳، شاخص کل بورس تهران ۴ هزار و ۲۷۸ واحد نسبت به روز کاری گذشته پایین‌تر ایستاد و به سطح ۲ میلیون و ۲۱۷ هزار و ۲۰ واحد رسید.

شاخص کل هم‌وزن بورس نیز با ریزش ۳۲۶ واحدی در رقم ۷۰۹ هزار و ۷۰۳ واحدی ایستاد. شاخص کل فرابورس با افت ۱۵۴ واحدی به رقم ۲۲ هزار و ۸۴۵ واحد رسید. همچنین شاخص هم‌وزن فرابورس با کاهش ۸۳۳ واحد به سطح ۱۲۵ هزار و ۱۰۲ واحد رسید.

رسانه‌ها و تحلیلگران حامی مسعود پزشکيان معتقدند ساماندهی به بازار بورس یکی از مهمترین اهداف اقتصادی دولت چهاردهم خواهد بود.

الیاس گردی کارشناس بازار سرمایه معتقد است با توجه به اینکه مسعود پزشکيان برنامه اقتصادی مشخصی ارائه نکرده، بازار سرمایه فعلا معطل معرفی کابینه چهاردهم است.

این در حالیست که مراسم تحلیف مسعود پزشکيان قرار است نهم امرداد برگزار شود و او دو هفته زمان قانونی برای معرفی وزرای پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی دارد، در نتیجه بر اساس گفته الیاس گردی همچنان تلاطم‌های بازار سرمایه تا یک ماه دیگر ادامه خواهد داشت.

هاتف سیدپور کارشناس بازار سرمایه نیز معتقد است برخی اظهار نظرها از هم‌اکنون سیگنال‌های مثبت به بازار بورس داده است. او اشاره به سخنان علی‌طیبنیا کرده که به اعتقاد بسیاری از گزینه‌های وزارت اقتصاد دولت چهاردهم است. علی‌طیبنیا در گفتگویی اعلام کرده است که «ارز نیمایی یک رانت است که هر کسی به آن دست پیدا کند بخشی از رانت موجود را تصاحب می‌کند و دیگر هیچ نیازی به کار تولیدی ندارد و باید موضوع به صورت جدی تعیین تکلیف شود.»

پس از معرفی و تشکیل کابینه هم بازار بورس همچنان متأثر از تحولاتی است که در پی سر کار آمدن دولت جدید پیش می‌رود. در همین رابطه وبسایت «نبض بورس» نوشته با توجه به ترکیب شورای عالی بورس، قطعاً با روی کار آمدن دولت

افزایش بی سابقه نقدینگی در کنار تداوم دیگر مشکلات اقتصاد ایران طیب‌نیا مشکل گشای دولت چهاردهم خواهد بود؟



● بر اساس گزارش بانک مرکزی، قیمت مسکن در خرداد امسال نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال گذشته به ترتیب ۱/۴ و ۹/۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

● آمارهای بانک مرکزی درباره تراز تجاری کشور نیز نشان می‌دهد که تراز تجاری گمرکی در بهار امسال منفی ۱/۳ میلیارد دلار بوده است.

● مسعود پزشکیان در دوران تبلیغات انتخابات هیچ برنامه اقتصادی مشخصی را ارائه نداد و تنها بر لزوم کاهش تورم و رفع تحریم‌ها اصرار کرد.

جدیدترین آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد رقم نقدینگی در کشور تا پایان سال گذشته خورشیدی به رقم ۷/۹ هزار تریلیون تومان رسیده است. آمار دیگر بیانگر اینست که قیمت هر مترمربع مسکن پایتخت در خردادماه امسال ۸۵/۹ میلیون تومان بوده و تراز تجاری گمرکی در بهار امسال منفی ۱/۳ میلیارد دلار بوده است.

نتایج عملکرد اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی طی سال گذشته در تازه‌ترین گزارش‌ها و آمارهای اقتصادی نمایان است. بانک مرکزی روز گذشته، یکشنبه ۱۷ تیرماه، تازه‌ترین گزارش درباره وضعیت پولی کشور را منتشر و مدعی «افت شتاب رشد نقدینگی» شده است.

این گزارش نشان می‌دهد طی سه سال گذشته و در طول فعالیت دولت ابراهیم رئیسی حجم نقدینگی بیش از دو برابر شده که بالاترین روند افزایش نرخ نقدینگی در تاریخ اقتصاد ایران است.

گزارش بانک مرکزی همچنین نشان می‌دهد نقدینگی در کشور تا پایان سال ۱۴۰۲ خورشیدی به رقم ۷/۹ هزار تریلیون تومان رسیده است.

«افزایش اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی» و «خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی» از جمله دلایل افزایش نقدینگی در کشور اعلام شده است. بر اساس اعلام مدیر عامل صندوق توسعه ملی ایران، حجم بدهی دولت به این صندوق به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده که این رقم عظیم معادل بیش از یک چهارم کل اقتصاد ایران است. نقدینگی مهمترین عوامل افزایش تورم در اقتصاد است. بیش از یک دهه است که چاپ پول بی‌بشمارانه از راهکارهای دولت‌های جمهوری اسلامی برای جبران کسری بوده است. این اقدام مهمترین عوامل افزایش نقدینگی و در نتیجه افزایش تورم در اقتصاد ایران است.

دیگر آمارهای اقتصادی نیز نشان از کارنامه مردود دولت ابراهیم رئیسی دارد که با وعده‌های زیادی درباره وضعیت اقتصادی ایران روی کار مد.

بانک مرکزی در گزارشی درباره وضعیت مسکن عنوان کرده متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی معامله شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی شهر تهران ۸۵/۹ میلیون تومان بود.

بر اساس این گزارش قیمت مسکن در خرداد امسال نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال گذشته به ترتیب ۱/۴ و ۹/۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

در بازار مواد خوراکی نیز وضعیت مشابه بازار مسکن است. بر اساس داده‌های مرکز آمار در خرداد ۱۴۰۳، تورم سالانه برای کل خوراکی‌ها ۳۲/۲ درصد، گوشت ۶۹ درصد، گروه شیر، پنیر، تخم مرغ ۲۶/۵ درصد، میوه و خشکبار ۳۲/۸ درصد،

و ۶۱/۴ درصدی ماهی، همان دلیلی است که سفره مردم را کوچک کرده و هم آمار حاشیه‌نشینی را افزایش داده و تمام این موارد ذیل همان تورم ۴۰ درصدی است که دولت چهاردهم باید برای آن راهکار جدی داشته باشد.

در بخش دیگری از این گزارش به مواردی مانند «بحران بورس و بازار سرمایه»، «مشکلات مسکن و افزایش قیمت‌های اجاره»، «بحران بیکاری و نابرابری شغلی»، «ضعف سیاست‌های مالی و پولی» و «مشکلات مالیاتی و تجاری» به عنوان مشکلات و بحران‌های کنونی اقتصاد اشاره شده است.

مسعود پزشکیان در دوران تبلیغات انتخابات هیچ برنامه اقتصادی مشخصی را ارائه نداد و تنها بر لزوم کاهش تورم و رفع تحریم‌ها اصرار کرد. تیم تبلیغاتی او می‌گویند علی طیب‌نیا که در دولت حسن روحانی وزیر اقتصاد بود به عنوان اصلی‌ترین گزینه وزارت اقتصاد در دولت پزشکیان مطرح است و حالا حامیان پزشکیان منتظرند به زودی در دولت او و با حضور علی طیب‌نیا تورم یک رقمی شود. موضوعی که از نظر بسیاری از کارشناسان مستلزم رخدادهایی اساسی از جمله رفع کامل تحریم‌ها و اصلاح ساختار پولی کشور است.

در سال ۱۳۹۲ و در آغاز دولت حسن روحانی علی طیب‌نیا به عنوان وزیر اقتصاد فعال بود. در آن زمان که طیب‌نیا شروع به کار کرد تورم ۳۴/۷ درصد بود، او اما موفق شد در همان سال اول و پس از امضای برجام رقم تورم را به حدود نصف رساند و در سال ۱۳۹۳ تورم به ۱۵/۶ درصد رسید و یک سال بعد نیز تورم ۱۱/۹ درصد شد و در سال‌های ۹۵ و ۹۶ نیز که برجام اجرا می‌شد، این رقم به ۹ و ۹/۷ درصد کاهش یافت.

اینهمه در حالیست که مشخص نیست در صورتیکه علی طیب‌نیا وزیر اقتصاد دولت پزشکیان شود، همچنان بتواند مدیریت اقتصادی موفق‌تری را ارائه بدهد. جدا از موضوع تحریم‌ها، در یک دهه گذشته مافیاهای اقتصادی نیز بسیار پرتوان‌تر شده‌اند و بخش زیادی از اقتصاد ایران توسط آنها و به سود آنها اداره می‌شود.

پوشاک و کفش ۴۳ درصد، اجاره بها ۴۰/۶ درصد، لوازم خانگی ۳۳ درصد، بهداشت و درمان ۳۷/۳ درصد و خرید وسایل نقلیه (خودرو) ۲۶/۱ درصد، آموزش ۳۹ درصد و هتل و رستوران ۵۲ درصد بوده است. یعنی این کالاها در یک سال منتهی به خرداد ۱۴۰۳ نسبت به یک سال منتهی به خرداد ۱۴۰۲ بطور متوسط به این میزان افزایش قیمت پیدا کرده‌اند. همچنین در خردادماه ۱۴۰۳، قیمت برنج ایرانی درجه یک ۱۱۸ هزار و ۴۰۰ تومان، برنج خارجی درجه یک ۶۱ هزار تومان، گوشت گوسفند ۶۵۳ هزار تومان، گوشت گاو ۵۵۹ هزار تومان، مرغ ماشینی ۸۳ هزار و ۷۰۰ تومان، کنسرو ماهی تن ۸۵ هزار و ۴۰۰ تومان، روغن نباتی جامد ۶۷ هزار و ۷۰۰ تومان، لوبیا قرمز ۱۰۶ هزار و ۷۰۰ تومان، شکر ۴۵ هزار و ۳۰۰ تومان و چای بسته‌ای خارجی ۲۵۶ هزار و ۶۰۰ تومان بوده است.

آمارهای بانک مرکزی درباره تراز تجاری کشور نیز نشان می‌دهد که تراز تجاری گمرکی در بهار امسال منفی ۱/۳ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که تراز تجاری کل با احتساب صادرات نفت، گاز، خدمات فنی و مهندسی و کالاهای گمرکی به ۱۱/۲ میلیارد دلار رسیده است.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی وضعیت اقتصادی کشور را مرور کرده و توضیح داده اقتصاد یکی از مهمترین چالش‌های دولت مسعود پزشکیان خواهد بود.

در این گزارش آمده احتمالاً با پیروزی ترامپ، تشدید تحریم‌های نفتی، ناترازی‌ها و تشدید کسری تراز تجاری غیرنفتی و حساب سرمایه، رکورد تورم ۵۰ ساله ایران در سال آینده شکسته شود.

در این گزارش آمده شش سال است که مردم ایران با تورم کم‌رشدن ۴۰ درصدی درگیر هستند و انتخابات پیش‌رو و وعده‌های عامه‌پسند نیز به نظر نمی‌رسد حریف این درصد شود. تورم ۴۴/۴ درصدی پوشاک و لباس، ۴۰ درصدی مسکن، ۳۹ درصدی بهداشت و درمان، ۵۷ درصدی خدمات عمومی حمل و نقل، ۷۲/۸ درصدی گوشت قرمز و مرغ

تداوم اعتراضات صنفی بی‌اعتنا به نتیجه «سیرک انتخابات» نوزدهمین روز از اعتصاب هزاران کارگر پیمانی صنعت نفت



تجمع اعتراضی خریداران محصولات شرکت «مدیران خودرو» مقابل سازمان تعزیرات حکومتی / سه‌شنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۳

کارگران هیچ می‌دانند. در چنین وضعیتی کارگران نمی‌دانند که از کجا و کدام مرجع باید حقوق خود را پیگیری کنند. یکی از کارگران که سابقه‌ی کار بالایی دارد در این خصوص می‌گوید، نه پول داریم که به اداره کار برای ثبت شکایت مراجعه کنیم و نه وقت.

همچنین روز دوشنبه در حالی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دفاتر خود در حوزه‌های انتخابیه حضور داشتند ده‌ها نفر از فعالان صنفی ساندویچ و فست‌فود شهرهای چابهار و ایرانشهر مقابل دفتر انور بیجارزهی و رحمدل بامری نمایندگان چابهار و ایرانشهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش منابع صنفی این دو نماینده مجلس پیشتر به ساندویچ‌فروشی‌های این دو شهر سفارش ساندویچ داده بودند که بطور رایگان در ستادهای انتخاباتی سعید جلیلی توزیع شده بود؛ آنها اما پول ساندویچ‌ها را هنوز پرداخت نکرده‌اند! یک منبع «آگاه» گزارش داده که «ساندویچ فروش‌ها گفتند ما یک هفته به کسی ساندویچ ندادیم شب و روز کار کردیم به دستور نماینده شهرمان با مارک جلیلی ساندویچ زدیم. به ما گفتند شنبه با شما بعد از رئیس جمهور شدن جلیلی حساب می‌کنیم ولی تا ظهر منتظر ماندیم هم خودشان و هم رئیس دفاتر تلغف‌ها را خاموش کردند.»

روز یکشنبه و فردای اعلام نتیجه انتخابات هم تجمعات صنفی مختلفی در ایران برگزار شد. از جمله صدها نفر از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، کرمانشاه و تهران در اعتراض به پایین بودن رقم حقوق بازنشستگی و دیگر مشکلات صنفی از جمله عدم پوشش مناسب بیمه‌های درمانی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

همزمان گروهی از بازنشستگان صنایع فولاد در شهرهای اصفهان، اهواز، دامغان و «قائم‌شهر» (شاهی) در مقابل ساختمان‌های صندوق بازنشستگی این سازمان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

مشخص شدن نتیجه انتخابات، بلکه طی سه هفته گذشته که تبلیغات انتخاباتی نامزدها برقرار و بازار وعده‌ها داغ بود، بی‌اعتنا به «سیرک انتخابات» اعتراضات هفتگی خود را پیش می‌برند.

نبود سوخت کافی نیز مدت‌هاست سبب اعتراض تراکتورداران، کامیونداران و رانندگان وانت‌های باری شده است. روز دوشنبه شماری از تراکتورداران شهر رفسنجان با تجمع در مقابل فرمانداری این شهر نسبت به قطع سوخت اعتراض کردند. آنها می‌گویند کاهش سهمیه گازوئیل برای تراکتورداران، معیشت آنها را به خطر انداخته است.

در شهر رودبار نیز کارگران پیمانکاری شبکه آب و فاضلاب این شهرستان از چهارده روز پیش تا کنون در اعتصاب بسر می‌برند. این اعتصاب در پی عقب افتادن ۸ ماه حقوق و سایر مشکلات صنفی آغاز شده و همچنان ادامه دارد. خرابکاری «ایلنا» گزارش داده که ۶۰ نفر از این کارگران که به صورت شبانه‌روزی فعالیت دارند، از آذرماه سال گذشته حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و با شرایط سخت معیشتی مواجه هستند. آنها با امضای نامه‌ای به اعضای شورای تأمین شهرستان رودبار خواستار پیگیری مطالبات خود شده‌اند، اما تا کنون پاسخی دریافت نکرده‌اند.

در این گزارش آمده است، مدیران شرکت آب و فاضلاب شهرستان رودبار انتظار دارند کارگران پیمانکاری همچنان بدون حقوق به کار ادامه بدهند و تنها واکنششان به اعتراض کارگران، تهدید آنها به عدم واریز حق بیمه است.

در بخش دیگری از این گزارش با اشاره به وضعیت بد معیشتی این کارگران آمده است، آنها معمولاً بین شرکت پیمانکار و شرکت مادر برای رسیدن به حداقل حقوق‌شان دست به دست می‌شوند. شرکت پیمانکار، شرکت اصلی را به دلیل امضا نکردن صورت وضعیت و عدم واریز پول مقصر می‌داند و شرکت مادر هم مسئولیت خود را در قبال

«وزیر بی‌لیاقت، استعفا استعفا»، «شرکت شده بیچاره، مسئولینش تو خوابه»، «مخابرات رها شده، اسیر قلدرها شده»، «مخابرات ایران، قانون نمی‌پذیرد» و «بازنشسته داد بزن، حقت رو فریاد بزن» از جمله شعارهای بازنشستگان است.

گروهی از بازنشستگان صنایع فولاد در شهرهای اصفهان، اهواز، دامغان و «قائم‌شهر» (شاهی) در مقابل ساختمان‌های صندوق بازنشستگی این سازمان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

«خودکشی» و «مهاجرت» دو پدیده‌ای هستند که در میان صنف پرستار افزایش یافته است. مهمترین علت خودکشی پرستاران «فشار فزاینده» در محل کار عنوان می‌شود.

در شرایطی که حامیان مسعود پزشکیان معتقد بودند پیروزی او در انتخابات، امید به بهبود شرایط اقتصادی را افزایش خواهد داد اما با گذشت چند روز از مشخص شدن نتیجه انتخابات، اعتراضات صنفی در ایران همچنان ادامه دارد. در روزهای گذشته اقشار و اصناف مختلف، از بازنشستگان تا تراکتورداران تجمعات اعتراضی برگزار کردند. امروز سه‌شنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۳ شماری از خریداران محصولات «مدیران خودرو» در اعتراض به افزایش قیمت ظالمانه و غیرقانونی این شرکت مقابل سازمان تعزیرات حکومتی در تهران تجمع کردند.

معتزمان می‌گویند «قیمت اتومبیل را تمام و کمال گرفتند؛ معامله قطعی و نقدی بوده الان دارند دوباره درخواست ۱۵۰ میلیون پول می‌کنند.»

اعتصاب کارگران پیمانی نفت نیز ادامه دارد و به ۱۲۳ شرکت پیمانکاری گسترش یافته است. کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت امروز سه‌شنبه ۱۹ تیرماه، نوزدهمین روز از اعتصاب گسترده و سراسری خود را برگزار می‌کنند. اعتصاب کارگران طی دو هفته به بیش از ۱۲۳ شرکت پیمانکاری فعال در صنعت نفت گسترده شده است.

تا کنون بیش از ۲۲ هزار کارگر شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت، گاز و پتروشیمی به این اعتصاب پیوسته‌اند. افزایش ۳۵ درصدی دستمزدها با توجه به نرخ تورم ۴۵ درصدی، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت، رعایت موارد ایمنی‌زا و حذف پیمانکاران عمده‌ترین خواسته این کارگران است.

بازنشستگان مخابرات دور دیگری از تجمعات سراسری خود در شهرهای مختلف را برگزار کردند. بازنشستگان در شهرهای مختلف استان‌های تهران، اصفهان، گیلان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، و کردستان تجمع کردند. «وزیر بی‌لیاقت، استعفا استعفا»، «شرکت شده بیچاره، مسئولینش تو خوابه»، «مخابرات رها شده، اسیر قلدرها شده»، «مخابرات ایران، قانون نمی‌پذیرد» و «بازنشسته داد بزن، حقت رو فریاد بزن» از جمله شعارهای بازنشستگان است.

دستمزدهای ناچیز، به‌روز نشدن کمک هزینه‌های رفاهی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، بی‌توجهی مدیریت به آیین‌نامه ۸۹، مشکلات بیمه تکمیلی از جمله مشکلات صنفی است که سبب شده بازنشستگان مخابرات از ماه‌ها پیش تجمعاتی سراسری را در دوشنبه هر هفته در شهرهای مختلف برگزار کنند. بازنشستگان مخابرات نه تنها در نخستین دوشنبه پس از

آلودگی هوا و توفان گرد و خاک و افزایش شدید دما در بیشتر نقاط کشور

● اداره بهره‌برداری و کنترل شبکه برق کشور از پیش‌بینی افزایش دما و رشد ۴۰۰۰ مگاواتی مصرف برق کشور در این هفته خبر داد.

● افزایش دما و گرما در روزهای اخیر ۴۸۳ شهروند در شهادهای یکی از شهرهای توابع بخش شهادهای شهرستان کرمان را روانه بیمارستان کرد.

● به گفته مدیرکل هواشناسی خوزستان نیز بررسی نقشه‌های پیش‌بینی هواشناسی تا دوشنبه کاهش دو تا سه درجه‌ای دما را در سطح استان خوزستان نشان می‌دهد و سپس از روز سه‌شنبه تا پایان هفته روند افزایش دما ادامه خواهد داشت.

● همچنین آلودگی هوا ادارات استان مرکزی را در روز دوشنبه تعطیل کرد. خبرگزاری مهر روز یکشنبه ۱۷ تیر به نقل از رییس کارگروه شرایط اضطرار آلودگی هوای استان مرکزی نوشت: «ادارات استان مرکزی بجز دستگاه‌های خدمات‌رسان و دارای شیفت کاری به دلیل تشدید آلودگی هوا فردا دوشنبه تعطیل اعلام شد.»

اداره بهره‌برداری و کنترل شبکه برق کشور از پیش‌بینی افزایش دما و رشد ۴۰۰۰ مگاواتی مصرف برق کشور در این هفته خبر داد.

مازیار جمشیدی مدیر بهره‌برداری و کنترل شبکه برق کشور اعلام کرد: «در ابتدای نیمه دوم تیرماه قرار داریم و در اکثر نقاط کشور دمای هوا رو به افزایش است و این امر موجب افزایش میزان مصرف برق در کشور خواهد بود.»

جمشیدی از افزایش ۴۰۰۰ مگاواتی مصرف برق در این هفته خبر داد و گفت: «این میزان مصرف در هفته جاری معادل ۵/۵ درصد مصرف برق کشور، عدد بسیار بزرگی است که اگر بخواهم مشابه‌سازی کنیم معادل مصرف ۳ استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی است و با توجه به افزایش گرمای هوا در روزهای آینده شاهد روند افزایشی مصرف برق در کل کشور خواهیم بود.»

در این میان افزایش دما و گرما در روزهای اخیر ۴۸۳ شهروند در شهادهای یکی از شهرهای توابع بخش شهادهای شهرستان کرمان را روانه بیمارستان کرد.

فرزانه شعبان‌نژاد رئیس مرکز جامع سلامت شهادهای روز پنجشنبه در جمع خبرنگاران گفت: «بر اثر افزایش دما طی ۲۰ روز گذشته تعداد ۴۸۳ نفر بیمار گرامزده به مرکز جامع سلامت مراجعه و از این تعداد ۱۸۵ نفر بستری موقت شدند.» به گفته وی، بر اثر افزایش دما در شهادهای مراجعه بیماران گرامزده به این مرکز نسبت به سال گذشته افزایش داشته است. مریم پوره‌اشمی مسئول مرکز هواشناسی بخش شهادهای نیز گفت: «بیشینه دما در شهادهای طی ۱۰ روز گذشته ۴۸ تا ۵۱ درجه متغیر بوده است و شهادهای طی ۲۰ روز گذشته تاکنون گرم‌ترین صبح کشور را در بین ایستگاه‌های هواشناسی کشور داشته است.»

رییس اداره جهاد کشاورزی شهادهای نیز اعلام کرد: «افزایش دما در این منطقه باعث شده است محصول خرما منطقه دچار خشکیدگی و ریزش شود.»

به گفته محسن دهقان، گرمای شهادهای و خاموشی‌های پی در پی چاه‌تلبه‌های آب کشاورزی، علاوه بر اینکه عملکرد کشاورزان را کاهش داده، باعث شده است ۲۰ درصد محصول زراعی خشک و خسارت ۱۵۰ میلیارد ریالی

ایلنا، خبرگزاری کار ایران از تجمع این شهروندان در تهران خبر داد و مطالبه آنها را اصلاح همسان سازی حقوق در راستای اجرای بند یک صورت جلسه ۱۵ مهر سال ۱۴۰۲ گزارش کرد.

روز یکشنبه همچنین جمعی از کارگران بیکار شده در پروژه پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام دست به تجمع زدند. بر اساس این گزارش، صبح امروز، تعدادی از کارگران بیکار شده پروژه پتروشیمی ارغوان گستر ایلام با تجمع در مقابل ساختمان استانداری، نسبت به وضعیت شغلی خود اعتراض کردند. این کارگران، که حدود ۱۰۰ نفر از بومیان منطقه هستند، از خرداد ماه پیگیر بازگشت به کار خود بوده‌اند. با وجود گذشت حدود ۵۰ روز، هیچ اقدامی از سوی مسئولان شهرستانی و استانی برای حل مشکلاتشان صورت نگرفته است. در این گزارش آمده است: بیشتر در طی تجمعات سه روزه در مقابل هلدینگ خلیج فارس در تهران، کارگران مشکلات خود را با مسئولان بخش حراست این هلدینگ به عنوان کارفرمای اصلی درمیان گذاشته‌اند. یکی از نمایندگان ایلام در مجلس شورای اسلامی نیز پیگیر وضعیت بازگشت به کار آن‌ها بوده، اما تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است. این کارگران که بین ۵ تا ۱۰ سال سابقه کار دارند، برای تأمین معاش خانواده‌های خود با مشکلات جدی مواجه‌اند و از مسئولان خواستار تسریع در بازگشت به کار مجدد هستند. بازنشستگان معادن زغال سنگ کرمان نیز در روز یکشنبه ۱۷ تیرماه در مقابل فرمانداری این شهر و در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و مشکلات معیشتی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

همچنین گزارشی از ناراضی‌های انباشته شدهی پرستاران منتشر شده که بیانگر ظرفیت اعتراضی این صنف است. محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، روز یکشنبه ۱۷ تیر در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» از شدت گرفتن احضار و تهدید پرستاران معترض در سراسر کشور خبر داد. او با اشاره به احضار حدود ۶۰ پرستار در کرمان و تعدادی دیگر در کرمانشاه به دلیل شرکت در تجمعات صنفی، این اقدامات را سیاست وزارت بهداشت برای مقابله با مطالبات پرستاران دانست.

محمد شریفی مقدم با اشاره به اجبار پرستاران به اضافه‌کاری با دستمزد پایین و عدم پرداخت کارانه پرستاران کرمانشاه به مدت ۱۲ ماه، این موارد را نمونه‌هایی از فشارهای وارده بر پرستاران عنوان کرد.

او همچنین از تبعید یک پرستار در کرمانشاه و آزار و اذیت پرستاران معترض توسط مدیران بیمارستان‌ها و بخش‌ها خبر داد.

او این اقدامات را سیاست وزارت بهداشت برای «پاک کردن صورت مسئله» به جای حل مشکلات پرستاران می‌داند و می‌گوید که «قصد دارند پرستاران را از مطالبه‌گری و پیگیری حقوق قانونی خود منصرف کنند.»

دبیرکل خانه پرستار روز ۲۳ اردیبهشت به روزنامه «اعتقاد» گفته بود که تنها طی یک ماه سه پرستار در ایران «بر اثر کار زیاد»، «در خواب» فوت کرده‌اند.

«خودکشی» و «مهاجرت» دو پدیده‌ای هستند که در میان صنف پرستار افزایش یافته است. مهم‌ترین علت خودکشی پرستاران «فشار فزاینده» در محل کار عنوان می‌شود. دقیق خودکشی پرستاران در ایران بطور رسمی اعلام نمی‌شود اما گزارش‌های منتشر شده از سوی منابع صنفی نشان از افزایشی بودن آمار خودکشی پرستاران دارد.

بیشتر و در آبان‌ماه ۱۴۰۲ محمد شریفی مقدم اعلام کرده بود که آمار سالانه مهاجرت پرستاران به سه هزار نفر رسیده و بیماران به دلیل کمبود پرستار در بیمارستان‌ها می‌میرند.

آلودگی و گرمای هوا در قم/ تیرماه ۱۴۰۳

به بخش کشاورزی وارد آید.

دمای استان خوزستان نیز در روزهای آینده افزایش می‌یابد. به گفته مدیرکل هواشناسی خوزستان بررسی نقشه‌های پیش‌بینی هواشناسی، تا دوشنبه کاهش دو تا سه درجه‌ای دما را در سطح استان خوزستان نشان می‌دهد و سپس از روز سه‌شنبه تا پایان هفته روند افزایش دما ادامه خواهد داشت. محمد سبزه‌زاری روز یکشنبه ۱۷ تیر با بیان این مطلب به خبرگزاری ایسنا گفت: «بررسی نقشه‌های پیش‌بینی هواشناسی، تا فردا کاهش دو تا سه درجه‌ای دما را در سطح استان خوزستان نشان می‌دهد و سپس از روز سه‌شنبه تا پایان هفته شاهد روند افزایش دما خواهیم بود.»

وی افزود: «تا اواخر روز سه‌شنبه در ساعات بعد از ظهر وزش بادهای در مناطق جنوبی، غربی و مرکزی متوسط تا نسبتاً شدید پیش‌بینی می‌شود و وقوع گرد و خاک محلی و موقتی نیز در این مناطق دور از انتظار نیست. در این ایام شمال خلیج فارس موج خواهد بود.»

به گفته مدیرکل هواشناسی خوزستان، در شبانه‌روز گذشته اهواز با ۴۸.۹ و ایذه با ۲۴.۲ درجه سانتیگراد به ترتیب گرم‌ترین و خنک‌ترین نقاط خوزستان گزارش شده‌اند. تغییرات دمای اهواز در این مدت بین ۴۸.۹ و ۳۳.۴ درجه سانتیگراد در نوسان بوده است.

هواشناسی استان سیستان و بلوچستان نیز از بالا رفتن دمای هوا در بیشتر نقاط این استان خبر داده است. به گفته مدیرکل هواشناسی سیستان و بلوچستان، بیشینه دمای شهر نصرت‌آباد به ۴۷ درجه سلسیوس رسید که از بدو تأسیس ایستگاه هواشناسی در ۱۳ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. محسن حیدری با اعلام این مطلب به خبرگزاری ایسنا افزود: «روز پنجشنبه، ۲۴ ایستگاه هواشناسی دمای بالای ۴۰ درجه را ثبت کردند که دلگمان با ثبت دمایی ۵۱ درجه گرم‌ترین شهر استان شد و رکورد دمای هوا نصرت‌آباد از بدو تأسیس ایستگاه هواشناسی این شهر شکسته شد و به ۴۷ درجه رسید.»

به گفته وی، بیشینه دمای ایستگاه تازه تأسیس بخش کوهک سراوان به ۵۰ درجه رسید همچنین دمای زاهدان نسبت به ۲۴ ساعت گذشته ۶ درجه گرم‌تر شده و در گرم‌ترین ساعات روز دمای ۴۳ درجه سلسیوس را

→ ثبت کرد.

مدیرکل هواشناسی سیستان و بلوچستان با بیان اینکه از لحاظ دمایی گرمای هوا تا پایان هفته ادامه دارد، تاکید کرد: «با توجه به گرمای هوا از ترددهای غیرضروری در فضای باز به ویژه اواسط روز تا بعد از ظهر خودداری شود و تأمین، توزیع و مصرف بهینه آب و عدد برق مدیریت انجام شود.» گرمای هوا و افزایش دما نیز در استان بوشهر به ۵۱ درجه رسیده است.

به گفته مدیرکل هواشناسی استان بوشهر دمای هوا در دشتستان بالای ۵۱ درجه است. در شبانه‌روز گذشته دمای هوا خورموج در دشتی، آب‌پخش در دشتستان به ۴۹ درجه رسیده است.

فرجالله شکوهی پور روز یکشنبه ۱۷ تیر افزایش شرجی و دمای هوا را از پدیده‌های غالب هواشناسی استان بوشهر دانست و به خبرگزاری تسنیم گفت: «بر اساس بررسی‌ها دمای هوای برخی شهرهای استان بوشهر از ۵۱ درجه فراتر رفت.» وی دمای هوا شبانکاره در دشتستان بالای ۵۱ درجه دانست و اضافه کرد: «در شبانه‌روز گذشته دمای هوا خورموج در دشتی، آب‌پخش در دشتستان ۴۹ درجه ثبت شده است.» مدیرکل هواشناسی استان بوشهر دمای هوای مرکز دشتستان و تنگستان را ۴۸ درجه اعلام کرد و افزود: «رطوبت و شرجی در شبانه‌روزی گذشته در گناوه ۹۹ درصد ثبت شده است.»

شکوهی پور میزان شرجی و رطوبت در خارگ و بوشهر را ۹۴ درصد دانست و گفت: «شرجی در بهرگان دیلم و بندر دیر ۹۰ درصد ثبت شد و مابقی شهرهای استان بوشهر زیر ۸۶ درصد است.»

وی با بیان اینکه از اواسط هفته جاری دمای هوا در اغلب نقاط استان بوشهر روند افزایشی خواهد داشت تاکید کرد: «میزان رطوبت در استان بوشهر روند افزایشی دارد.»

اینهمه در حالیست که سازمان هواشناسی از ورود احتمالی پدیده اقیانوسی و جوّی «لانینا» به ایران خبر داده است.

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی وضع هوا روز شنبه ۱۶ تیر در گفتگو با ایسنا اعلام کرد: «برای نوسان جنوبگان در ایران تا انتهای مرداد حدود ۶۰ درصد احتمال قرارگیری در حالت خنثی، حدود ۳۸ درصد احتمال رسیدن به لانینا و احتمال خیلی کم باقی ماندن در فاز ال‌نینو پیش‌بینی می‌شود.» به گفته صادق ضیائی‌ان، در بهترین شرایط ۶۰ درصد مواقع زمانی که لانینا حاکم باشد، فصل پاییز در ایران دیرتر آغاز می‌شود و احتمال اینکه سال خشکی داشته باشیم، افزایش می‌یابد.

وی «ان‌سو» یا نوسان جنوبگان را دورپیوندی دانست که فازهای «ال‌نینو» و «لانینا» دارد و خنثی دارد. نوسان جنوبگان پدیده‌ای است که روی خط استوا در مناطق حاره روی اقیانوس آرام اتفاق می‌افتد. زمانی که آب اقیانوس در کنار قاره آمریکا گرم‌تر از میانگین بلندمدت باشد ال‌نینو رخ می‌دهد. در طرف دیگر اقیانوس یعنی شمال استرالیا و اندونزی اگر دریا خنک‌تر از میانگین بلندمدت می‌شود، لانینا اتفاق می‌افتد. اگر آب اقیانوس آرام در کنار قاره آمریکا خنک‌تر از وضعیت نرمال باشد، حالت لانینا و زمانی که آب در شمال استرالیا و اندونزی گرم‌تر از حالت نرمال باشد، ال‌نینو رخ می‌دهد.

آلودگی هوا نیز طی روزهای گذشته در برخی نقاط کشور خرساز بوده است.

بر اساس اعلام شرکت کنترل کیفیت هوای تهران در روز شنبه ۱۶ تیر، شاخص کیفیت هوا در حال حاضر بر روی عدد ۹۹ قرار گرفته و وضعیت هوای تهران در شرایط قابل قبول و در مرز آلودگی است.

همچنین طی روزهای جمعه و شنبه، شاخص کیفیت هوا بر روی عدد ۱۳۷ قرار داشت و کیفیت هوا در وضعیت ناسالم برای گروه‌های حساس بود.

بر اساس این گزارش، تهران از ابتدای سال ۵ روز هوای پاک، ۸۴ روز هوای قابل قبول و ۱۸ روز هوای آلوده و یک روز هوای ناسالم داشته است.

آلودگی هوا ادارات استان مرکزی را در روز دوشنبه تعطیل کرد. خبرگزاری مهر روز یکشنبه ۱۷ تیر به نقل از رییس کارگروه شرایط اضطرار آلودگی هوای استان مرکزی نوشت: «ادارات استان مرکزی بجز دستگاه‌های خدمات‌رسان و دارای شیفت کاری به دلیل تشدید آلودگی هوا فردا دوشنبه تعطیل اعلام شد.»

به گفته علی اکبر اسدی با توجه به هشدار سطح نارنجی شماره ۱۱ اداره کل هواشناسی استان در خصوص افزایش سرعت وزش باد و تقویت الگوی انتقال گرد و خاک به استان و کاهش دید افقی و کیفیت هوا، تشدید آلودگی هوا و افزایش شاخص آلودگی هوا در حد ناسالم برای تمامی گروه‌ها و همچنین ضرورت مدیریت مصرف انرژی، کارگروه شرایط اضطرار آلودگی هوای استان مرکزی تشکیل شد.

آلودگی هوادر قم نیز اداره‌های قم‌راه‌تعطیلی‌کننده‌است. کارگروه شرایط اضطرار آلودگی هوای قم روز یکشنبه ۱۷ تیر اعلام کرد: «با توجه به فرارگرفتی هوای استان در شرایط بسیار ناسالم، اداره‌های قم از ساعت ۱۱ روز یکشنبه ۱۷ تیر تعطیل هستند.»

بر اساس اطلاعیه کارگروه شرایط اضطرار آلودگی هوای استان قم، با توجه به افزایش شاخص آلودگی هوا در حد بسیار ناسالم امروز (یکشنبه ۱۷ تیر) ادارات استان قم (بجز دستگاه‌های خدمات‌رسان و اداراتی که دارای نوبت کاری یا کشیک هستند) از ساعت ۱۱ صبح تعطیل اعلام می‌شود.

استانداری قم به دلیل تداوم شرایط آلودگی هوای در استان قم کارگروه مدیریت شرایط اضطرار آلودگی هوای ادارات را در روز دوشنبه نیز تعطیل اعلام کرد.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری قم روز یکشنبه ۱۷ تیر در گفتگو با خبرگزاری مهر اعلام کرد که به دلیل تداوم شرایط آلودگی هوای در استان قم کارگروه مدیریت شرایط اضطرار آلودگی هوای، ادارات را در روز دوشنبه تعطیل اعلام کرد. در همین ارتباط سازمان هواشناسی اعلام کرده که با توجه به پیش‌بینی‌های هواشناسی احتمالاً روز دوشنبه نیز همین شرایط جوّی در استان قم را خواهیم داشت.

همچنین سازمان هواشناسی نسبت به وزش باد و گرد و خاک در ۱۲ استان کشور هشدار داده است.

بر اساس هشدار سطح نارنجی سازمان هواشناسی، سامانه تشدید گردبادان فشاری و انتقال گرد و غبار از کشورهای همسایه در روزهای یکشنبه و دوشنبه موجب وزش باد شدید همراه با گرد و خاک، کاهش دید افقی و کاهش کیفیت هوا در ۱۲ استان کشور می‌شود.

بر اساس این گزارش در روز یکشنبه جنوب تهران، قم، مرکزی، همدان، لرستان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان، اصفهان، جنوب خراسان جنوبی، نیمه شرقی سیستان و بلوچستان و نوار شرقی کرمان و دوشنبه جنوب تهران، قم، مرکزی، اصفهان، جنوب خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و نوار شرقی کرمان با این شرایط مواجه بودند.

این سامانه در مناطق مستعد مخاطراتی همچون توفان گرد و خاک، کاهش شعاع دید و کاهش کیفیت هوا، احتمال خسارت به تجهیزات شهری و برون شهری از جمله سقوط بنز، تابلوهای تبلیغاتی، داربست‌ها و سازه‌های موقت، احتمال سقوط اشیا از ارتفاعات و احتمال شکست درختان را به همراه دارد.

ناترازی برق در «گرمای جهنمی»؛ تعطیلی ادارات ۱۳ استان کشور و تشدید جیره‌بندی برق در صنایع

● استان‌های سمنان، زنجان، خوزستان، قم، بوشهر، مرکزی، اصفهان، یزد، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، کرمان، خراسان جنوبی، لرستان با تعطیلی و کاهش ساعت کار ادارات روبرو شده‌اند.

● سازمان هواشناسی از موج «گرمای جهنمی» در سه روز آینده به ویژه در غرب و جنوب غرب کشور در استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان، خوزستان و بوشهر خبر داده است.

● نایب رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران با بیان اینکه قطع برق واحدهای صنعتی به دو روز افزایش یافته نسبت به پیامدهای قطع برق صنایع از جمله کاهش تولید و اخراج کارگران هشدار داده است.

مصرف برق در ایران رکورد جدیدی ثبت کرده و شرکت توزیع برق تهران در اطلاعیه‌ای از «مرز هشدار» در مصرف برق خبر داده است. قطع برق به بخش خانگی رسیده و قطع برق صنایع نیز افزایش یافته است. ادارات ۱۳ استان نیز به دلیل گرمای هوا امروز و فردا تعطیل اعلام شده یا ساعات کاری آنها کاهش یافته است.

ناترازی برق با گرم شدن دمای هوا سبب تعطیلی ادارات ۱۳ استان کشور شده است. استان‌های سمنان، زنجان، خوزستان، قم، بوشهر، مرکزی، اصفهان، یزد، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، کرمان، خراسان جنوبی، لرستان با اطلاعیه‌های صادر شده جداگانه از سوی مدیران استانی در روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه اعلام کردند که مراکز اداری این استان‌ها در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه تعطیل شده یا ساعات کار آنها کاهش یافته است.

در دو استان همدان و سیستان و بلوچستان اعلام شده ادارات در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه دو ساعت زودتر تعطیل خواهند شد.

در استان‌های لرستان، اصفهان، قم و مرکزی اما ادارات در روز چهارشنبه دو ساعت زودتر تعطیل اما در روز پنجشنبه کلیه ادارات و سازمان‌های دولتی تعطیل خواهند بود.

این تعطیلی گسترده در بیش از یک سوم استان‌های کشور در پی هشدار سازمان هواشناسی از موج گرمای «جهنمی» در سه روز آینده صورت گرفته است. بر اساس اعلام این سازمان میدان اصلی موج گرما در غرب و جنوب غرب کشور به ویژه استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان، خوزستان، بوشهر است. اینهمه در حالیست که افزایش دما در روزهای گذشته در بسیاری از شهرها به اوج رسیده است. دمای هوای استان‌های مختلف از جمله تهران و ورامین، در روزهای اخیر از ۴۰ درجه عبور کرده و در استان‌های جنوبی به مرز ۵۰ درجه سانتیگراد رسیده است.

شرکت توزیع برق تهران امروز چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۳ در اطلاعیه‌ای اعلام کرده که «به دنبال افزایش کم سابقه



این موضوع را از وزیر کشاورزی مدت‌هاست که پیگیری می‌کنیم. سه لیتر سوختی که به کشاورزان در استان‌های شمالی داده می‌شود محل قاچاق نیست بلکه باید در جای دیگر به دنبال قاچاق گشت. زور وزیر جهاد کشاورزی نمی‌رسد انتظار می‌رود که مجلس شورای اسلامی به این موضوع ورود کند.»

همزمان محمدرضا صباغیان نماینده مهریز و بافق در مجلس شورای اسلامی در جلسه مجلس تذکر داد که «قطعی برق کشاورزان را نابود کرده است، محصولات خرما و پسته در اوج گرما و در زمانی که به آب نیاز دارند به دلیل قطعی برق چاه‌های کشاورزی روزانه حدود چهار الی ۶ ساعت بدون آب باقی می‌ماند. وزارت جهاد کشاورزی در مقابل وزارت نیرو چه اقدامی انجام داده است؟ کشاورز بی‌پناه باید به کجا پناه ببرد؟»



اینهمه در حالیست که از ابتدای سال دولت از یکسو با تهدید و از یک سو با ارائه بسته‌های تشویقی تلاش کرده مصرف برق در بخش خانگی را کاهش دهد.

سخنگوی صنعت برق بهار امسال مردم را تهدید کرد که «در این شرایط مشترکان پرمصرف و فوق پرمصرف باید مراقب قبوض نجومی ناشی از مصرف بی‌محابای برق باشند، چرا که در صورت رعایت نکردن الگوی مصرف در تابستان قبض‌های میلیونی دریافت خواهند کرد.»

مصطفی رجبی مشهدی همچنین گفته بود مشترکینی که از یک کولر گازی استفاده می‌کنند باید منتظر قبضی در حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان باشند و اگر از دو کولر گازی استفاده کنند، قبض برق به میزان ۲ میلیون تومان می‌رسد.

سخنگوی صنعت برق همزمان از بسته‌های تشویقی خبر داده و گفته بود «امسال وزارت نیرو در نظر دارد به منظور جلب همکاری مشترکان، علاوه بر طرح پاداش صرفه‌جویی، طرح ارائه جوایز برای مشترکانی که مصرف خود را کاهش می‌دهند را نیز اجرا کند که در واقع، مشترکانی که مصرف برق خود را کاهش دهند یا قبوض رایگان داشته باشند، می‌توانند از جوایز نفیس در نظر گرفته شده نیز بهره‌مند شوند.»

به گفته او «جوایز به چند دسته جایزه‌های بزرگ مانند خودرو اتوماتیک ایرانی و جوایزی چون وسایل و لوازم برقی خانگی تقسیم‌بندی می‌شود.»

کارگران را نیز به خطر انداخته است. در حالیکه دولت به دلیل ناترازی برق و ناتوانی در تأمین برق مورد نیاز کشور، برق واحدهای صنعتی را قطع می‌کند، مدیران این واحدها ناچار هستند از ژنراتور استفاده کنند. برای بکارگیری ژنراتورها از گازوئیل استفاده می‌شود اما به گفته عباس جبالبازری این موضوع نیز سبب اتهام‌زنی «قاچاق سوخت» به مدیران واحدهای صنعتی شده است. او توضیح داده که «در برخی واحدهای تولیدی امکان خاموشی کامل وجود ندارد و برق آنها باید بطور مستمر وصل باشد در این واحدها تولیدکننده از ژنراتور برای حفظ حداقل فعالیت واحد تولیدی در زمان قطعی برق استفاده می‌کند اما همین واحدها هم برای تأمین گازوئیلی که ژنراتور را روشن نگه دارد باید هفت خان رستم را در چند سازمان پشت سر بگذارند و حتی این اتهام به آنها وارد می‌شود که ممکن است

گازوئیل را قاچاق کنند؛ این مسائل هزینه‌های مادی و روانی پنهانی را به تولیدکننده تحمیل می‌کند.»

نایب رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران همچنین گفته تولید برق در تخصص هر صنعتی نیست؛ برای حل مشکل کمبود برق یا وزارت نیرو در جایگاه متولی تأمین برق باید تولید را افزایش دهد و یا از بخش خصوصی تولیدکننده انرژی برای تولید برق کمک بگیرد با این حال اکنون بسیاری از نیروگاه‌های سیکل ترکیبی که توسط بخش خصوصی راه‌اندازی شده‌اند زیان‌ده هستند چون وزارت نیرو مطالبات آنها را پرداخت نمی‌کند. همچنین وزارت نیرو می‌تواند با واقعی کردن قیمت انرژی سرمایه‌ها را به سمت تولید برق سوق دهد.

روزنامه «آرمان ملی» ماه گذشته در گزارشی به کمبود برق در واحدهای تولیدی و صنعتی اشاره کرده و نوشته بود: «در بحبوحه مشکلات اقتصادی، مالیات، مشکلات بیمه، قیمت مواد اولیه و کمبود آن، مشکل واردات و کمرگ و غیره این قطعی برق هم قوز بالا قوز شده و به تدریج باید به فکر تعطیلی واحدهای صنفی خود باشند.»

قطع برق در بخش کشاورزی نیز مشکلاتی را ایجاد کرده بطوری که هفته آخر خردادماه علی بابایی کارنامی نماینده ساری در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی تذکر داد که «یکی از مسائل اصلی کشاورزان تأمین سوخت است. ما

دما هوا، میزان مصرف برق در کشور افزایش بسیار زیادی پیدا کرده و به مرز هشدار نزدیک شده است.» در این اطلاعیه از شهروندان خواسته شده «بطور اکیدا از استفاده از وسایل برقی پرمصرف همچون ماشین لباسشویی، اتو و جاروی برقی و استفاده از دور تند کولرهای آبی در ساعات اوج مصرف به ویژه در ساعات ۱۱ تا ۱۷» خودداری کنند. شرکت توزیع برق تهران همچنین از مشترکان خواسته «در صورت استفاده از کولرهای گازی و سامانه های سرمایشی پرمصرف، دمای سامانه سرماساز را بر روی عدد ۲۵ یا ۲۴ درجه سانتیگراد تنظیم کنید.»

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ نیز از قطع برق ۶۵ مشترک اداری پرمصرف شهر تهران به دلیل خودداری از کاهش مصرف برق در روز چهارشنبه ۲۰ تیرماه خبر داده است. حامد احمدی مدیر کل هوشمندسازی شرکت

توانیر نیز خبر داده که دیروز، سه‌شنبه ۱۹ تیرماه، رکورد جدید مصرف برق با عدد ۷۷ هزار و ۱۵۲ مگاوات ثبت شد. به گفته این مقام دولتی، استان‌های تهران، خوزستان، فارس، خراسان رضوی و اصفهان بیشترین میزان مصرف برق را به خود اختصاص دادند.

خبرنامه دانشجویی امیرکبیر نیز در گزارشی از قطع برق در دانشگاه صنعتی «شریف» (آرپامهر) خبر داد. «مرکز مدیریت و دیسپاچینگ برق تهران» برق دانشگاه صنعتی شریف را به علت مصرف بالای برق، بطور کلی قطع کرد؛ براساس اعلام اداره برق «مصرف عادی برق شریف، حوالی ۴/۵ مگاوات است که در ساعات‌های اوج مصرف باید سی درصد یعنی ۱/۵ مگاوات آن را کاهش دهند اما حدود ۰/۹ آن را کاهش داده‌اند.»

با افزایش دما قطع برق به بخش خانگی رسیده است و همزمان جیره‌بندی برق در بخش صنعت نیز تشدید شده است. عباس جبالبازری نایب رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران امروز چهارشنبه ۱۹ تیرماه اعلام کرد قطع برق واحدهای صنعتی به دو روز افزایش یافته است.

تعطیلی دو روز کاری و یک روز در آخر هفته به این معناست که سطح تولید در واحدهای صنعتی تقریباً به صفر کاهش یافته است. این موضوع در کنار خسارت شدید اقتصادی به واحدهای تولیدی و صنعتی، امنیت شغلی

علی خامنه‌ای:

بحمدالله انتخابات بدون یقه‌گیری، دعوا و گشتن برگزار شد!

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۱۷ تیرماه در جلسه با اعضای هیأت دولت با تشکر از وزارت کشور و نیروهای امنیتی برای برگزاری سیرک انتخابات گفت: «انتخابات سراسری بی‌حادثه رخ داد، در اغلب جاهای دنیا انتخابات با اختلافات سیاسی و نظری، غالباً با دعوا و یقه‌گیری و زدن و احیاناً گشتن همراه است؛ اینجا بحمدالله این کار انجام شد که هنر شماست که توانستید این انتخابات را به بهترین وجه به انجام برسانید.» این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که حکومت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ صدها معترض را که شعار می‌دادند: «رأی من کو؟» هم به قتل رساند و هم زخمی و بازداشت کرد. سیرک انتخابات زود هنگام ۱۴۰۳ نیز که در دو مرحله هشتم تیر و پانزدهم تیر برگزار شد، چنان با تحریم گسترده مردم روبرو گشت که آمارسازی رژیم نیز نتوانست آن را لاپوشانی کند و بر اساس ارقام اعلام شده، اکثریت در آن شرکت نکردند. اما خامنه‌ای به همین افتضاح هم راضی است و سعی می‌کند آن را به عنوان «انتخابات» بفروشد!

«سیرک انتخابات» تمام شد.

نمایش دیگری با بازداشت تبلیغاتچی‌ها آغاز شد

محسن برهانی وکیل دادگستری و عضو ستاد تبلیغاتی مسعود پزشکیان که برای وی سنگ تمام گذاشت، روز یکشنبه ۱۷ تیرماه (دو روز پس از سیرک انتخابات) بازداشت شد. شیخ احمد برهانی برادر محسن برهانی با بازداشت او را تایید کرد و با انتشار یک استوری در حساب اینستاگرامی خود نوشت: «بالاخره پس از فراز و نشیب‌های بسیار و با وجود باقی ماندن اشکالاتی در پرونده، دکتر محسن برهانی بازداشت شد.» محسن برهانی به اسم دستیابی به دموکراسی و اصلاح نظام از مردم خواسته بود در انتخابات شرکت کنند و بعد



از اعلام نتایج با تقدیر از سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی گفته بود «آقای وحیدی امانت‌داری بود که خوش درخشید و نام نیکی از خود بجا گذاشت.» احمد وحیدی به دلیل مشارکت در سرکوب گسترده اعتراضات ضدحکومتی و همکاری در مپ‌گذاری مرکز یهودیان آرژانتین (آمیا) در فهرست ناقضان حقوق بشر و پیگرد بین‌المللی تروریسم قرار دارد.

بازداشت دو نفر در دشتستان به اتهام پرتاب کوکتل مولوتوف به یک ساختمان حکومتی

سردار پاسدار حیدر سوسنی فرمانده انتظامی استان بوشهر روز ۱۶ آذرماه خبر داد، دو نفر در شهرستان «دشتستان» به اتهام «خرابکاری» بازداشت شدند. طبق ادعای این مقام انتظامی، این افراد با «ضد انقلاب» و «منافقین» در ارتباط بودند و ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ مصادف با مرگ ابراهیم رئیسی با فراخوان «شبکه‌های معاند» دست به آشوب زدند و پس از پرتاب کوکتل مولوتوف به یکی از ادارات دشتستان متواری شدند. سردار سوسنی گفته این افراد با فیلمبرداری از این اقدام خرابکارانه فیلم‌های تهیه شده را به شبکه تلویزیونی وابسته به گروهک منافقین ارسال می‌کردند تا در قبال این عملیات مبالغی را دریافت کنند.

بازداشت هشت نفر در راسک به اتهام حمله به ماشین حامل صندوق اخذ رأی

اداره کل وزارت اطلاعات سیستان و بلوچستان روز یکشنبه ۱۷ تیرماه از بازداشت هشت نفر در ارتباط با حمله به ماشین حامل صندوق رأی شهر جکیگور در شهرستان راسک در جنوب این استان خبر داد. گفته می‌شود این افراد بامداد ۱۵ تیرماه یعنی چند ساعت پیش از آغاز دور دوم انتخابات بازداشت شده‌اند. در بیانیه اداره کل اطلاعات سیستان و بلوچستان که متن آن در خبرگزاری ایرنا منتشر شد، آمده که عوامل این حمله «طی چند مرحله در نقاط مختلف و مخفیگاه‌های متعدد» شناسایی و دستگیر شدند و در زمان دستگیری «چند قبضه سلاح و مهمات مربوطه، نارنجک، بی‌سیم دستی و مقادیر قابل توجهی مواد منفجره» همراه آنان کشف و ضبط شده است.

در حمله به ماشین حامل صندوق رأی در سیستان و



بلوچستان سرباز وظیفه فرهاد جلیل و گروهبان یکم مرزبانی ابراهیم رمزی کشته شدند. همزمان با این رویدادها پایگاه خبری «حال و ش» گزارش داد روز جمعه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳، مینی‌بوس حامل صندوق‌های رأی که قصد داشت از نمازگزاران مسجد «صدیق اکبر» سراوان پس از اتمام نماز رأی جمع‌آوری کند به آتش کشیده شد.

سود یک میلیارد یورویی آلمان از برگزاری مسابقات فوتبال جام ملت‌های اروپا

موسسه تحقیقاتی «آیفو» (IFO) پیش‌بینی کرد آلمان میزبان مسابقات فوتبال یورو ۲۰۲۴ به لطف توریست‌های خارجی که برای تماشای بازی‌های فوتبال به این کشور سفر می‌کنند، حدود یک میلیارد یورو رشد اقتصادی داشته باشد. براساس این تحقیق بخش گردشگری و هتلداری و خرده‌فروشی مواد غذایی آلمان بیشترین سود را از این بازی‌ها خواهد برد.

نه به جمهوری اسلامی

بزرگترین نمایش مقاومت مدنی و غیرخشونت‌آمیز علیه رژیم در ۴۵ سال گذشته

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی که پس از برگزاری سیرک انتخابات جمهوری اسلامی برگزار کرد آن را یک موفقیت بزرگ در نافرمانی مدنی دانست و تأکید کرد که ملت ایران در این مبارزه موفق خواهد شد. متن این پیام به شرح زیر است:

«مردم ایران بار دیگر با رأی صریح و قاطعانه‌ی خود به علی خامنه‌ای و سیرک انتخابات جمهوری اسلامی نه گفتند. او هر چه آمار مشارکت را با تقلب بالا برد، نمی‌تواند این واقعیت را انکار کند که ملت ایران دیکتاتوری وی را نامشروع اعلام کرده است.

انتخاب مسعود پزشکیان توسط خامنه‌ای به عنوان رئیس جمهور رژیم و کارگزار ارشد وی، این رژیم را از شکاف‌های فزاینده و فروپاشی اجتناب‌ناپذیر و پیروزی قطعی مردم ایران بر آن نجات نخواهد داد. قدرت‌های غربی باید بدانند که مردم ایران هرگونه تلاشی برای مامشات با این نوکر جدید را به عنوان توهینی خائنه به جنبش آزادبخش کنونی خود و شانه خالی کردن شرم‌آور از رهبری اخلاقی تلقی خواهند کرد.

من به هم‌میهن‌انم به خاطر این نمایش تاریخی وحدت و



همبستگی ملی تبریک می‌گویم. این نقطه عطفی در تاریخ خیزش ملت ایران است: بزرگترین نمایش مقاومت مدنی و غیرخشونت‌آمیز علیه این رژیم در ۴۵ سال گذشته. برخی می‌گفتند هرگز این اتفاق نمی‌افتد. اما ملت ایران سرنوشت خود را به دست گرفته و این تازه آغاز راه است. ما در مسیر رهایی ملی از این روش استفاده خواهیم کرد و موفق خواهیم شد.»

شناسایی ۹ مورد ابتلا به «جذام» طی یک سال گذشته

طی یک سال گذشته، ۹ مورد جدید ابتلا به بیماری جذام در کشور شناسایی شده است. این موضوع نشان دهنده اهمیت توجه به این بیماری عفونی و لزوم آموزش کافی به پزشکان، به ویژه پزشکان جوان، در زمینه تشخیص و درمان جذام است.

دکتر مهشید ناصحی، مدیر کشوری برنامه کنترل سل و جذام وزارت بهداشت، با اشاره به این آمار در گفتگو با خبرنگار ایسنا، اظهار داشت: «شناسایی فقط ۹ مورد جدید طی یک سال نشان می‌دهد که همه دانشجویان پزشکی در طول دوره تحصیل خود با بیمار مبتلا به جذام روبرو نمی‌شوند و در نتیجه مهارت تشخیصی پرسنل و پزشکان کاهش می‌یابد.»

ناصری با بیان اینکه راه انتقال جذام عمدتاً تنفسی است، بر لزوم افزایش آگاهی جامعه از این بیماری و از بین بردن انگ و تفکیک اجتماعی بیماران جذام تأکید کرد. وی همچنین گفت: «یکی از سیاست‌های ما این است که وقتی یک بیمار مبتلا را شناسایی می‌کنیم، با اجازه آن فرد، افراد خانواده‌اش را که طولانی‌مدت زیر یک سقف باهم زندگی کرده‌اند را هم طی یک دوره ۳ تا ۵ ساله بررسی می‌کنیم.»

رئیس سازمان مدیریت بحران:

۶۸ درصد از جغرافیای کشور روی خط گسل قرار دارد

محمد حسن نامی رئیس سازمان مدیریت بحران ایران با اعلام اینکه ۶۸ درصد از جغرافیای کشور روی خط گسل قرار دارد گفته «انرژی که یک گسل چهار ریشتری آزاد می‌کند برابر با انفجار یک مپ هیروشیما یا هزار تی ان تی است برای مثال زلزله بزرگ ترکیه برابر با ۱۹ مپ هیروشیما یا ۱۹ هزار تی ان تی بود.»



رئیس سازمان مدیریت بحران ایران از کمبود ۱۴۰۰ ایستگاه لرزه‌نگاری در کشور خبر داده است: «۲ هزار و ۴۵ کیلومتر از وسعت کشور را رودخانه‌ها، سه هزار و ۹۶۵ کیلومتر خشکی و ۲ هزار و ۵۶۴ کیلومتر را دریاها احاطه کرده‌اند که با وجود وسعت و فضای گسترده نیاز به یک هزار و ۴۰۰ ایستگاه لرزه نگاری در کشور داریم.»

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: ام‌الفساد ورزش ایران مشغول چپاول است، کسی هم کاری ندارد

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در یادداشتی که روز یکشنبه ۱۷ تیرماه منتشر شد با حمله به مهدی تاج و سایر مقامات فدراسیون فوتبال نوشت: «ام‌الفساد ورزش ایران مشغول چپاول بیت‌المال است، کسی هم کاری ندارد، یا آقایان نمی‌بینند یا خودشان را به ندیدن زده‌اند و برایشان فرقی نمی‌کند که بیت‌المال چگونه به تاراج می‌رود.»

در بخشی از این یادداشت آمده، «انتخابات ریاست جمهوری تمام و رئیس‌جمهور منتخب مردم هم معرفی شد. حالا آقایان مسئول زحمت بکشند و به وضعیت ام‌الفساد ورزش کشور، یعنی فوتبال رسیدگی و آن را جمع جور کنند. فدراسیونی که با مدیران فاسدش افسارگسیخته به جان بیت‌المال افتاده و حتی این روزها به اسم خصوصی شدن هم از جیب مردم برداشت می‌کنند. فوتبال سال‌هاست که تبدیل به جایی برای غارت بیت‌المال شده است.»

سود یک میلیارد یورویی آلمان از برگزاری مسابقات فوتبال جام ملت‌های اروپا

موسسه تحقیقاتی «آیفو» (IFO) پیش‌بینی کرد آلمان میزبان مسابقات فوتبال یورو ۲۰۲۴ به لطف توریست‌های خارجی که برای تماشای بازی‌های فوتبال به این کشور سفر می‌کنند، حدود یک میلیارد یورو رشد اقتصادی داشته باشد. براساس این تحقیق بخش گردشگری و هتلداری و خرده‌فروشی مواد غذایی آلمان بیشترین سود را از این بازی‌ها خواهد برد.

محرومیت سنگین سه ورزشکار ایرانی به دلیل دوپینگ



سه ورزشکار ایرانی در رشته‌های پاورلیفتینگ و کشتی آزاد به دلیل استفاده از داروهای نیروزا در مجموع ۹ سال از فعالیت در ورزش محروم شدند. امید نجفی ورزشکار پاورلیفتینگ، محمد امین زهیر ورزشکار پاراپاورلیفتینگ و امیرعلی فریدی اسد کشتی‌گیر آزادکار هر کدام سه سال از فعالیت در تمامی حوزه‌های ورزشی منع شده‌اند. گفته شد آنها از مواد حاوی اکساندرولون استفاده کرده بودند.

آتش در پارک ملی کرخه دوباره شعله‌ور شد!

آتش‌سوزی گسترده‌ای که از ظهر یکشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۳ در پارک ملی کرخه آغاز شده بود، بامداد دوشنبه ۱۸ تیر با تلاش مأموران محیط زیست و نیروهای مردمی مهار شد. اما این مهار موقتی بود، چرا که بخش‌هایی از این پارک ملی دوباره طعمه حریق شده است.

محمد الوندی، رییس پارک ملی کرخه شوش، علت شعله‌ور شدن مجدد آتش را پوشش متراکم جنگلی و وزش باد شدید در این منطقه عنوان کرد. وی گفت: «هم اکنون تیم‌های محیط‌بانی در حال تلاش برای خاموش کردن آتش در بخش‌هایی که دوباره شعله‌ور شده‌اند و همچنین برآورد خسارات وارده به این پارک هستند.»

هم اصل نیست و المثنی است هم اصلاح طلب نیست و اصولگراست هم پزشک‌ان نیست و «پوزیده» است!

این روزها عکس‌های پزشک‌ان که نه شناسنامه اصل بلکه یک المثنی را پس از رأی دادن به خودش به سوی دوربین‌ها گرفته و همچنین صفحه‌ای از همین المثنی که تغییر نام خانوادگی وی را از «پوزیده» به «پزشکیان» نشان می‌دهد، در رسانه‌های اجتماعی دست به دست می‌گردد.

نام و نام خانوادگی در جمهوری اسلامی داستان خودش را دارد. بسیاری از مقامات رژیم نام و نام خانوادگی خود را فرصت‌طلبانه تغییر دادند تا خیلی اسلامی و مؤمن به نظر برسند. مثلاً نام خانوادگی حسن روحانی «فریدون» بوده که برادرش به همین نام معروف است.

همچنین بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی نام‌های خانوادگی چند قسمتی دارند. از خود خمینی که هم «روح‌الله مصطفوی» بوده و هم «روح‌الله موسوی خمینی» تا خامنه‌ای که «سیدعلی حسینی خامنه» است و یا رفسنجانی که «اکبر هاشمی بهرمانی» و «اکبر رفسنجانی» و «اکبر هاشمی رفسنجانی» بوده است.



این موضوع سبب شده که بسیاری از خویشاوندان و اعضای خانواده‌ی اینها در بسیاری مقامات و مناصب باشند ولی خیلی‌ها ندانند که همگی فامیل‌اند. البته نام خانوادگی «پوزیده» که از «پوزش» می‌آید و به کسی گفته می‌شود که عذر می‌آورد و پوزش می‌خواهد، قبل از ۵۷ و به احتمال زیاد به دلیل شباهت آهنگ این کلمه با کلمات «ناخوشایند» به «پزشکیان» تغییر کرده است.



عکس هفته | حکم اعدام علیه شریفه محمدی فعال کارگری!

دادگاه انقلاب اسلامی رشت شریفه محمدی فعال کارگری را ۱۴ تیرماه ۱۴۰۳ یک روز پیش از برگزاری دور دوم انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی به اعدام محکوم کرد! وی در ۱۴ آذر ۱۴۰۲ با اتهام «تبلیغ علیه نظام» دستگیر شد در حالی که وی فعال صنفی بوده و صدور چنین حکم عجیبی علیه این زندانی با اعتراض گسترده فعالان مدنی و حقوق بشری روبرو شده است.